

هیأت

سال دهم، شماره ۱۰۷، رجب ۱۴۳۶
اردیبهشت ۹۴، قیمت: ۳۰,۰۰۰ ریال



گفت‌وگو با حاجت‌الاسلام والمسلمین زائری:
وارد شدن افراطی به سیاست
به منبرها ضربه زده است



گفت‌وگو با حاج احمد نیکبختیان:
مداح باید عامل به سیره
و اخلاق معصومین (علیهم السلام) باشد

بیانات رهبر معظم انقلاب پیرامون حرفه‌ی مداحی و برهنه شدن در عزاداری

آیا این شکر نعمت است؟

■ شکر نعمت و مسئولیت خطیر

مداحی اهل بیت علیهم السلام

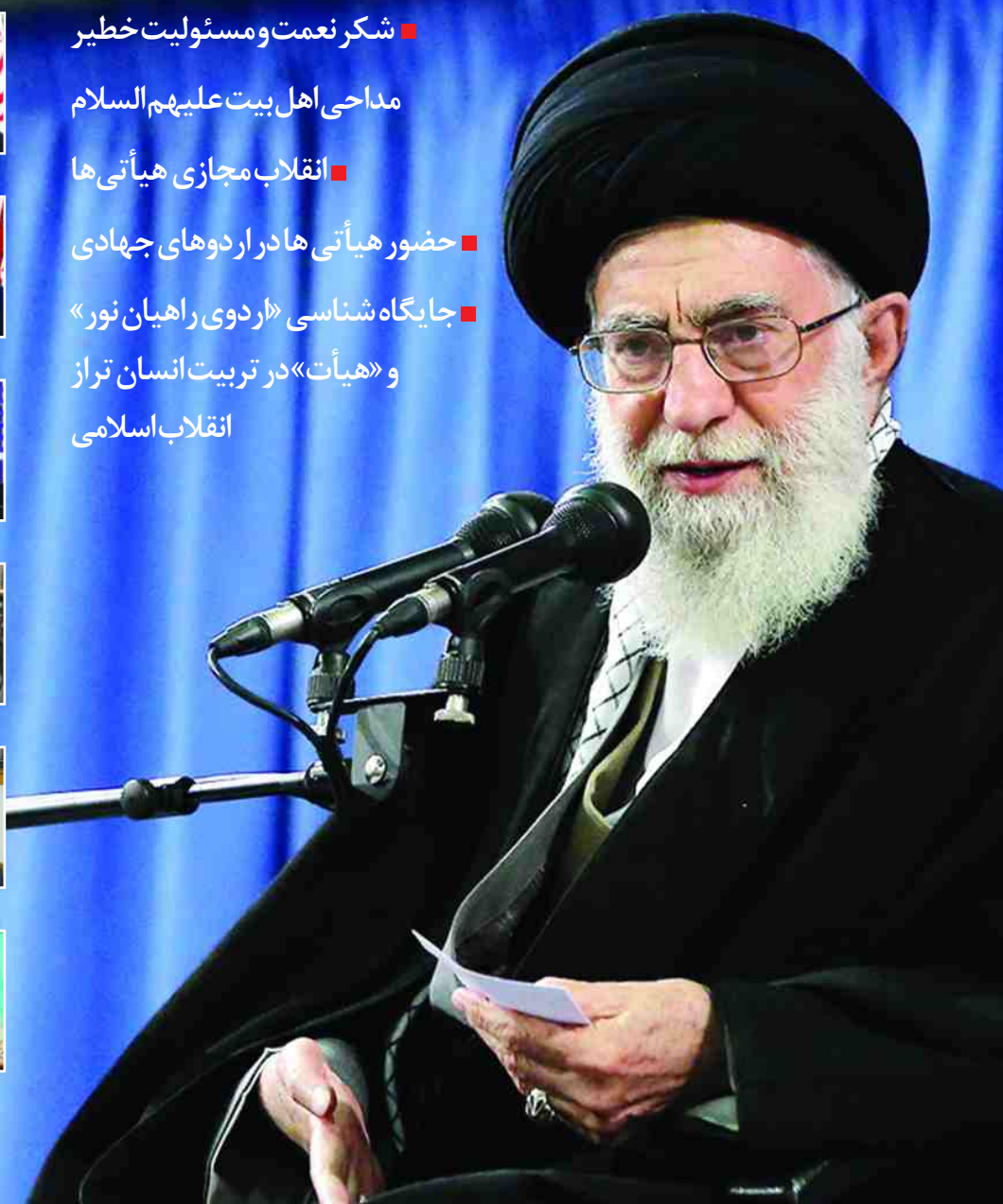
■ انقلاب مجازی هیأتی‌ها

■ حضور هیأتی‌ها در اردوهای جهادی

■ جایگاه شناسی «اردوی راهیان نور»

و «هیأت» در تربیت انسان تراز

انقلاب اسلامی



گفت‌وگو با احمد بابایی:

خشتی بودن برای شعر
مرگ وجدان است



گفت‌وگو با حاج علی اکبر فدائی:

هیأت باید سیاسی باشد
ولی اهل سیاسی کاری نباشد



گفت‌وگو با رضا صیادی:

«عقیق» یک کشف مهم
در حوزه رسانه بود



گفتاری اخلاقی از آیت الله حائری:

عاقبت قرآن

بدون اهل بیت (علیهم السلام)



«آهی» به آسمان

پر کشید...



گفت‌وگو با پدر سه شهید دفاع مقدس:

غلامرضا از شهادت
خود خبر داشت



گفت‌وگو با هادی چاروقلو:

کمتر دیده‌ام مداح
قرآن را تبلیغ و ترویج کند





▲ تصویر سردر خانه شهیدان سرمدی

پندار ما این است که ما مانده ایم
و شهدا رفته اند، اما حقیقت آن
است که زمان ما را با خود برده
است و شهدا مانده اند.

شهید سید مرتضی آوینی

شکر نعمت و مسئولیت خطیر مداحی اهل بیت علیهم السلام

مَنْتَ خدای را عز و جل که طاعتش موجب قربتست و به شکر اندرش مزید نعمت هر نفسی که فرو می رود ممد حیاتست و چون بر می آید مفرح ذات پس در هر نفسی دو نعمت موجودست و بر هر نعمت شکری واجب؛

از دست و زبان که بر آید

کز عهده شکرش به در آید

«عَمِلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورِ»

●●●

همه ساله دیدار جامعه مداحان و ستایشگران اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها با رهبر معظم انقلاب فرصت بسیار مناسبی است تا آنچه چراغ مسیر راه است از جانب رهبری عزیز به ایشان گفته شود.

توجه وافر ایشان به جامعه مداحان اهل بیت (ع) که در مسئولین و علما کمتر دیده شده است حاکی از وظیفه خطیر و بار سنگین مسئولیتی است که این جامعه بر دوش داشته و البته انتظارات فراوانی که رهبر انقلاب از جامعه ستایشگران اهل بیت (ع) دارند.

ایشان اصلی ترین راه مبارزه با تهاجم فرهنگی را تقویت هیات ها عنوان کرده اند پس می توان گفت بر گزار کنندگان هیات ها بالاخص مداحان که امروز در کانون توجه جوانان اهل بیتهی این کشور قرار دارند از سرداران اصلی جنگ نرم و مبارزه با تهاجم فرهنگی هستند.

لذا باید توجه شود که هر چه هیات ها از آسیب ها در امان بمانند جامعه از تهاجم فرهنگی مصون

تر خواهد بود و تاکیدات اخیر رهبر انقلاب بر رعایت برخی نکات در هیات ها، به نوعی صف آرایی سپاه و نظام بخشی مقابل دشمن است.

امسال نیز ایشان نکاتی را عنوان کردند که می توان آن را سرلوحه و خط مشی مداحان کشور خواند و به عبارتی شکر نعمت مداحی اهل بیت (ع) را رعایت مسائل زیر عنوان کردند:

نکته اول ایشان شرافت بی نظیر حرفه مداحی که منتج از ستایشگری اهل بیت (ع) است بود که فرمودند: «خاندان پیغمبر خاندان فضیلتند؛ سرتاپا فضیلت. مداح خورشید مداح خود است؛ شما در واقع با مدح فضیلت خاندان پیغمبر، مدح خودتان را هم میکنید و در واقع شرافت این شغل را نشان میدهید.»

دوم؛ فرصتی است که مداحان اهل بیت (ع) برای روشنگری و هدایت مخاطبان خود دارند و باید از این فرصت استفاده کرده و آن را مغتنم شمرند. سوم؛ استفاده از این فرصت برای ترویج معارف دین و سوق دادن نسل جوان به عمل به دین و شریعت و عمل به مسئولیتهای بزرگ این دوران است؛ اما مهم اینکه برای تبلیغ معارف دین اول باید عامل خوبی به دین بود و یک مداح که عمر خود را در کنار بوستان مکارم اخلاق اهل بیت علیهم السلام گذرانده باید آراسته به اخلاق محمدی (ص) باشد و چه مغبون آنکه گل وجود خود را به گل این گلستان معطر نسازد! گلستان رسولی که به فرموده خویش آمد تا مکارم اخلاق را به اتمام رساند.

و نکته چهارم و آخر که معظم له بر آن بسیار

تاکید داشتند پرهیز از انحراف، خرافه گرایی و مشکل تراشی در عقاید جوان ها بود؛ رهبر انقلاب فرمودند: «گاهی ما یک کلمه ای میگوییم که یک گرهی در ذهن جوان مخاطب ما به وجود می آید؛ این گره را چه کسی می خواهد باز کند؟ این گرهی را که ما با بیان ناقص خودمان یا بیان غلط خودمان یا بی توجهی و بی مسئولیتی خودمان در ذهن این جوان به وجود می آوریم و عقیده ای او را دچار مشکل میکنیم، این گره چگونه باز خواهد شد؟ اینها «مسئولیت» است.»

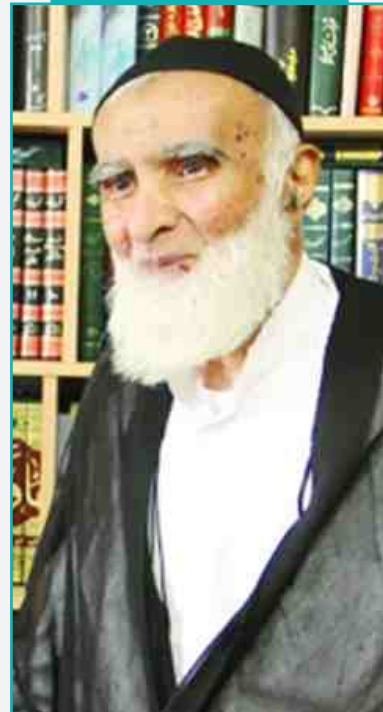
ایشان در ادامه درباره برهنه شدن در مجالس عزاداری تاکید کردند: «اینکه ما مجلس عزاداری و مدح سیدالشهدا (ع) را ... تبدیل کنیم به یک نقطه ی سبک، به یک جایی که یک «تعدادی جوان لخت بشوند، بپرند هوا، بپرند پایین و ندانند چه میگویند، درست است؟ این شکر این نعمت است که خدا به شما داده؟» این صدای خوش نعمت است؛ این توانایی اداره ی مجلس نعمت است؛ اینها چیزهایی است که خدا به همه نداده است، به شما داده؛ باید این نعمتها را شکر بگزارید.»

لذا بر همه مداحان اهل بیت (ع) واجب است که این نکات را از منبهات کار خود قرار داده و بکوشند الگوی صحیح عزاداری اهل بیت (ع) را در هیات ها پیاده کنند. انحراف هر چه کم باشد اما در طول زمان همان زاویه کم تبدیل به شکافی عمیق خواهد شد و تقلیدهای نا آگاهانه آن را مبسوط خواهد کرد.

۶ «آهی» به آسمان
پر کشید...

۸ آیا این
شکر نعمت است؟

۱۰ جایگاه شناسی «اردوی راهیان
نور» و «هیأت» در تربیت انسان
تراز انقلاب اسلامی



۱۴ حضور هیأتی ها
در اردوهای جهادی

۱۶ انقلاب مجازی
هیأتی ها

۲۰ عقیق یک کشف مهم
در حوزه رسانه بود



۲۶ غلامرضا از شهادت خود
خبر داشت

۳۰ عاقبت قرآن
بدون اهل بیت (علیهم السلام)

۳۶ وارد شدن افراطی به سیاست
و دسته بندی ها به منبرها
ضربه زده است



هیأت رزمندگان اسلام

ماهنامه فرهنگی - مذهبی هیأت رزمندگان اسلام
سال دهم، شماره ۱۰۷، رجب ۱۴۳۶، اردیبهشت ۹۴
قیمت: ۳۰,۰۰۰ ریال
صاحب امتیاز: هیأت رزمندگان اسلام
رئیس شورای سیاست گذاری:
حجت الاسلام والمسلمین اسماعیل سعادت نژاد

مدیر مسئول:
محمدصادق آهنگران
سر دبیر:
هادی شریفی
مدیر اجرایی:
محمدصادق زارعی

۴۲ مداح باید عامل به سیره
واخلاق معصومین (علیهم السلام) باشد

۴۸ خنثی بودن برای شعر
مرگ وجدان است

۵۴ هیئات باید سیاسی باشند
ولی اهل سیاسی کاری نباشند

۶۰ کمتر دیده ام مداح قرآن را
تبلیغ و ترویج کند

۶۲ بعثت رسول اکرم صلی الله
علیه و آله

۶۸ قبر حضرت زینب (س)
کجاست؟

۷۶ نهمین سوگواره نواها
واشعار آیینی برگزار گردید

۸۰ تشییع سه شهید گمنام
در فاطمیه بزرگ تهران



همکاران این شماره:

قاسم صرافان، محمد غفاری، ابوالفضل عرفانیان، محمد زاهدنیا
محمدعلی سافلی، جمشید قنبرپور و همکاران سایت هیأت

نشانی: تهران، میدان فاطمی، نبش خیابان فلسطین و زرتشت، جنب بانک
صادرات، پلاک ۵۵۴، واحد ۵

تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۶۰۴۳۰

نمابر: ۰۲۱-۸۹۷۸۰۳۱۳

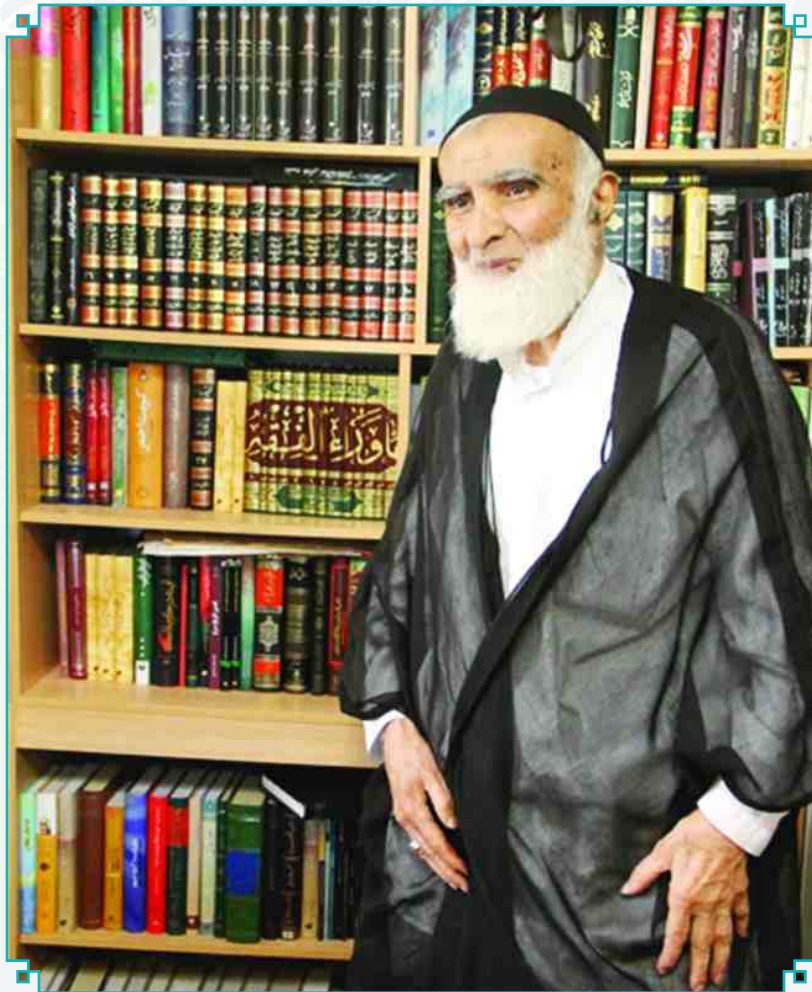
سامانه پیام کوتاه: ۲۰۰۹۵۱۶

صندوق پستی: ۱۱۱-۱۵۷۱۵

نشانی الکترونیکی: zareei.mohamad@gmail.com

www.eheyat.com

پایگاه اینترنتی:



مروری بر زندگانی و سوابق پدر معنوی مداحان «حاج علی آهی»

آهی به آسمان پرکشید...

در آخرین لحظات تهیه و چاپ ماهنامه خبر درگذشت مرحوم حاج علی آهی پدر معنوی جامعه مداحان اعضای تحریریه ماهنامه را سوگواری کرد. ماهنامه هیأت ضمن تسلیت به جامعه مداحان کشور و همچنین بازماندگان ایشان مروری بر زندگانی نامه ایشان دارد.

به دلیل بیماری در منزل بستری بود. این پیر غلام اهل بیت (ع) که تاروهای آخر عمر خود همچنان به شاگرد پروری و تربیت مداحان جوان و حضور در جلسات هفتگی خانه مداحان و بیان نکات آموزشی مشغول بود و همواره در این مجالس باوقار جلوی در می نشست و خود را صاحب عزا می دانست

«حاج علی آهی» رئیس هیأت مدیره خانه مداحان اهل البیت علیهم السلام؛ پیر غلام با اخلاص و مهربانی، باسواد، با اخلاق و با ادب اهل بیت (ع) و پرچمدار عرصه ستایشگری بود. او سال ها نزد علمای بزرگ تلمذ کرده و در عرصه شعر و مداحی صاحب نظر بود. استاد آهی که ۸۷ سال داشت، مدتی بود که

و در مصیبت اهل بیت عصمت و طهارت اشک می ریخت. این چهره نام آشنای عرصه ستایشگری روز گذشته پس از تحمل یک دوره بیماری در سن ۸۷ سالگی در بیمارستان شهید هاشمی نژاد به دیدار یار شتافت و به ارباب بی کفنش حضرت سیدالشهدا (ع) ملحق شد.

مختصری از زندگانی نامه

● نام و نام خانوادگی: علی آهی
● وجه تسمیه شهرت: پدر ایشان (مرحوم حاج قربانعلی آهی)، متولد دهستان «آه» بوده است. «آه» به مجموع شش پارچه آبادی گفته می شده که امروز مشهور به شهر آبعلی است و در ۶۰ کیلومتری شمال شرقی تهران، جاده تهران-آمل قرار دارد.
● متولد: ۱۴ آبان ۱۳۰۷ هـ.ش، تهران، بازارچه پامنار (یکی از محله های قدیم و اصیل تهران).

وی دارای سه فرزند پسر به نام های حسین - حسن - محمد و سه فرزند دختر می باشد. استاد حاج علی آهی برای رساندن پیام مکتب اهل بیت (ع) سفرهایی به عربستان سعودی - عراق - سوریه - مصر - بحرین - کویت - ترکیه - اردن هاشمی و لبنان داشته است.
● تحصیلات: تحصیلات متداول مکاتب قدیم و تحصیلات حوزوی (تا آستانه درس خارج) را نیز اخذ کرد.

اساتید

● در ادبیات عرب، منطق، فقه، اصول، تفسیر، رجال و حدیث از محضر حضرات آیات: حاج سید علی اصغر میر دامادی، حاج شیخ احمد مجتهدی، حاج سید محمد ضیاء آبادی و...

● در منظومه مآلهادی سبزواری: از محضر آیت الله حاج سید رضی شیرازی.

● در نهج البلاغه: از محضر آیت الله حاج سید محمود طالقانی.

● در کلام از آیت الله حاج میرزا حسن لواسانی.

● در معارف ادعیه از محضر و درس آیت الله میرزا محمدعلی شاه آبادی (استاد بنیان گذار کبیر انقلاب اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره))

● در اخلاق و علوم اعتقادی در شعر و شاعری از محضر آیت‌الله حاج شیخ جواد خراسانی (تهران)، آیت‌الله العظمی سید محمدهادی میلانی (مشهد)، آیت‌الله حاج میرزا جواد تهرانی (مشهد)، آیت‌الله العظمی سید ابوالقاسم خویی (نجف اشرف)، آیت‌الله العظمی سید محمدرضا گلپایگانی (قم)، آیت‌الله حاج شیخ علی نمازی شاهرودی (مشهد)، آیت‌الله العظمی سید محمد وحیدی (قم)، آیت‌الله العظمی شیخ حسین وحید خراسانی (قم)، شهید آیت‌الله سید عبدالحسین دستغیب (شیراز) و... بهره برد. (قابل ذکر است که بین اساتید یادشده، مرحوم آیت‌الله حاج شیخ جواد خراسانی، عمده‌ترین سهم را در تعلیم و تربیت استاد آهی داشته‌اند).

تدریس

● علوم حوزوی (تألمعتین): در مدرسه آیه‌الله مجتهدی (از سال ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۷)، مدارس‌های عمومی و خصوصی دیگر در رسائل و مکاسب و کفایتین.

● علوم اعتقادی در شعر و شاعری: در انجمن‌های ادبی، محافل آیینی، محافل خصوصی و تخصصی و... (از سال ۱۳۴۲ تاکنون).

● فن مقدس مداحی، مقتل خوانی و علوم مرتبط دیگر: در جوامع مداحان تهران و شهرستان‌های مختلف، و نیز جلسات تخصصی متعدد که ماحصل بخشی از این تلاش، پرورش و معرفی بیش از یک صد مداح زبده به هیأت‌های مذهبی کشور است که بسیاری از ایشان از مشاهیر گذشته و حال می‌باشند.

اجازات در امور حسبیه و نقل حدیث

● از آیات عظام و مراجع کرام تقلید: حضرت امام خمینی (ره)، سید ابوالقاسم خویی، سید عبدالهادی شیرازی، سید محسن حکیم، سید محمود شاهرودی، سید محمدرضا گلپایگانی، سید عبدالله شیرازی، سید محمدهادی میلانی، سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی، سید علی حسینی خامنه‌ای.

فعالیت‌های سیاسی

● حضور فعال در حوزه مردمی در جنبش ملی شدن صنعت نفت به‌زعامت آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی (در آغاز جوانی).

● عضو هیأت مدیره «جمعیت اتحاد مسلمین» به‌سرپرستی آیت‌الله سید هدایت‌الله تقوی شیرازی (علیه فرقه ضالّه بهایت).

● عضویت در «جمعیت فداییان اسلام» به‌رهبری شهید حجت‌الاسلام سیدمجتبی نواب صفوی.

● همراهی با شهید آیت‌الله سعیدی، در فعالیت‌های سیاسی ایشان.

● فعالیت همه‌جانبه و مؤثر در خصوص لغو لایحه «انجمن‌های ایالتی و ولایتی».

● چاپ و توزیع گسترده اعلامیه‌های ضد رژیم (در مناسبت‌ها و موضوعات مختلف).

● سرایش، قرائت و توزیع اشعار سیاسی، ضد رژیم ستم‌شاهی

● مکاتبات فراوان با مراجع عظام (در امور سیاسی)، و نیز نامه‌رسانی‌های متعدد در این خصوص که بین علمای بزرگ تهران و مشهد و به‌واسطه ایشان، به همان جا می‌رسید.

● دست‌گیری‌های متعدد (از جمله در واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و ۱۷ شهریور ۱۳۵۷) توسط ساواک، و تحمل شکنجه‌های فراوان (دو فرزند ایشان — حسن و حسین آهی — نیز به جرم تبعیت از تحرکات سیاسی پدر، متحمل حبس و شکنجه شده‌اند).

● از مسئولین انتظامات مستقبلین، در سالروز ورود تاریخی امام خمینی به ایران (۱۲ بهمن ۱۳۵۷).

● پذیرش عضویت و مسئولیت در کمیته انقلاب اسلامی (تا سطح فرماندهی استان) به‌دعوت مرحوم آیت‌الله مهدوی کنی.

● حضور فعال در هشت سال دفاع مقدس و نیز پشتیبانی تدارکاتی و فرهنگی آن.

● تأسیس چند مسجد و حسینیه

● تأسیس چند کتابخانه (در تهران و آبلعی). کتابخانه شخصی ایشان، خود دارالکتب عظیمی است که بیش از بیست هزار جلد

کتاب را در خود جای داده است.

● تأسیس بنیاد دعبل خزاعی

● تأسیس صندوق قرض الحسنه الغدیر (در آبلعی).

● نامه‌نگاری‌های متعدد با رهبر معظم انقلاب و پیگیری‌های بی‌وقفه (از سال ۱۳۸۱ هـ.ش.) در خصوص برقراری بیمه تأمین اجتماعی برای مداحان و شاعران اهل بیت (ع) که سرانجام با مساعدت و دستور معظم‌له منجر به تأسیس «بنیاد دعبل خزاعی» شد. (۱۳۸۵ هـ.ش.).

● عضو هیأت امنا و هیأت مدیره بنیاد دعبل خزاعی.

● تأسیس خانه مداحان اهل‌البیت (ع) که پس از پیگیری‌های فراوان ایشان در خیابان فخرالدوله، عمارت فخرالدوله، به‌منظور پوشش امور فرهنگی و ارتقای سطح علمی مداحان اهل‌البیت (ع) به‌انجام رسید.

برخی از تألیفات استاد آهی

● مجموعه شعر «دیوان آهی»، ۲ مجلد در قطع جیبی، سال ۱۳۴۸ هـ.ش.

● مجموعه شعر «آینه نور»

● مجموعه شعر «انوار معرفت»

● توصیف صنایع شعر کهن فارسی و پیرایش آن با کلک بدیع

● فلسفه قیام امام حسین (ع) از دیدگاه عقل

● شعر و شاعری از نظرگاه قرآن، عترت و سنت

● درس‌هایی از علم کلام (نگرش تحلیلی درباره تصوف و تأثیرات آن در ادبیات آیینی).

● تنویر الافکار (مباحث اعتقادی در شعر).

● قافیه در شعر فارسی (نقد و بررسی قافیه، از آغاز تا امروز). این کتاب — با ویرایش استاد حسین آهی — به‌صورت آموزشی تدوین یافته که در نوع خود بی‌نظیر است.

● جزوات آموزشی متعدد با موضوعات: جبر و تفویض، تشبیه و تعطیل، تجسم، تجسد و... و نیز آشنایی با عقاید متصوفه مانند: صلح کل، وحدت وجود، حلول و اتحاد، ولایت نوعیه و... که به شعر و ادب پارسی و — متأسفانه به اشعار آیینی — راه یافته است.



بیانات رهبر معظم انقلاب پیرامون حرفه‌ی مداحی و برهنه شدن در عزاداری در دیدار با مداحان

آیا این شکر نعمت است؟

ان شاء الله در جاتش را عالی کند، به معنای حقیقی کلمه، پابند و متعهد و علاقه‌مند و بخصوص نسبت به جامعه‌ی مدّاح دارای احساس تعهد و مسئولیت بود. و هر سال ما ایشان را در اینجا زیارت می‌کردیم. رحمت خدا بر او باد؛ خدا ایشان را بیمارزد؛ خدا ما را هم بیمارزد!

سه مطلب را من عرض می‌کنم: یکی درباره‌ی شما است، درباره‌ی مدّاحی و درباره‌ی این حرفه‌ی بسیار شریف است؛ یکی درباره‌ی مسئله‌ی هسته‌ای است که امروز به یک مسئله‌ی رایج در کشور ما تبدیل شده است؛ یکی هم راجع به مسئله‌ی یمن است. این سه مطلب را من امروز به‌طور اجمال با شما عزیزان، و در واقع با ملت ایران، مطرح می‌کنم.

به همه‌ی عاشقان ولایت، عاشقان نبوت، عاشقان خاندان پیغمبر، دلباختگان فضیلت حقیقی. به شما عزیزان خوشامد عرض می‌کنم؛ یکایک شما دارای ارج و مقامی هستید که اشاره خواهم کرد و عرض خواهم کرد. قبل از شروع عرایض یاد مرحوم آقای آهی (رحمت‌الله علیه) مدّاح متعهد و پایمند و خیرخواه و پرتلاش را گرامی میدارم.

بنده مرحوم آهی را از سالهای اوایل دهه‌ی ۴۰ می‌شناسم. در مشهد یک جمعی از مداحان اهل بیت آمده بودند و ایشان فعال بود؛ البته آشنایی‌ای پیدا نکردیم اما من ایشان را شناختم و دیدم؛ سالهایتمادی ایشان را از دور می‌شناختم؛ بعد هم از نزدیک خدمت ایشان رسیده بودیم. خدا

همه ساله هم زمان با ولادت حضرت زهرا (س) مداحان کشور خدمت رهبر معظم انقلاب رسیده و در محفلی صمیمی نصایح ایشان را به گوش جان می‌شنوند. متن بیانات ایشان پیرامون مداحی در دیدار با مداحان در تاریخ ۲۰ فروردین ۹۴ در ادامه می‌آید:

بسم الله الرحمن الرحيم
والحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام
على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة
الله على اعدائهم اجمعين. اللهم صل على
فاطمة و ابیها و بعلها و بنیها عدد ما احاط
به علمك.
تبریک عرض می‌کنم این میلاد مسعود را

درباره‌ی مطلب اول؛ حرفه‌ی مدّاحی حرفه‌ی بسیار باشرافتی است؛ چرا؟ چون در طول تاریخ کسانی بودند که ستمگران را، ظالمان را، زورگویان را مدح می‌گفتند و مدح می‌کردند؛ امروز هم هستند. امروز هم در دنیا کسانی هستند که زبان می‌گشایند به مدح پلیدترین انسانهای عالم، یا قلم‌هایشان را با مزد — با مزدی کثیف و پلید — در این راه به کار می‌اندازند؛ شما به عکس، زبانتان، نفّستان، حنجره‌تان، قدرت هنری‌تان در خدمت مدح فضیلت است. خاندان پیغمبر خاندان فضیلتند؛ سر تا پا فضیلت. مادح خورشید مدّاح خود است؛ شما در واقع با مدح فضیلت خاندان پیغمبر، مدح خودتان را هم می‌کنید و در واقع شرافت این شغل را نشان می‌دهید. من چند سال قبل از این، در همین مجلس مربوط به فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) این شعر را از مرحوم صغیر اصفهانی خواندم:

در حدیث آمد که اندر لیلۃ الاسراء پیمبر
اشرانی دید، من خود اشری زان کاروانم
گر نداری باور و حجت همی خواهی نظر کن
بر کتاب مدح او در دست من کاین هست بارم
رحمت خدا بر صغیر اصفهانی. بنابراین
شما کتاب مدح فضیلت را در دست دارید؛ این شرافت بزرگی است؛ خوش به حال شما؛ قدر بدانید این حرفه را، این خصوصیات را و این فرصت را مغتنم بشمارید. این، نکته‌ی اول درباره‌ی مدّاحی.

نکته‌ی دوم؛ امروز جامعه‌ی مدّاح کشور، فرصت بسیار بزرگی را در اختیار دارد؛ شما مجالسی تشکیل می‌دهید؛ جمعیت‌های بزرگ، گاهی جمعیت‌های هزاران نفری و غالباً هم جوان جمع می‌شوند پای منبر شما و پای خواندن شما و مدیحه‌سرایی و مرثیه‌خوانی شما؛ از این فرصت بهتر؟ این همه مخاطب، این همه دل آماده‌ی شنیدن و نیوشیدن، این همه نفوس آماده‌ی تربیت شدن در اختیار شما هستند؛ این فرصت است؛ اغْتَنِمُوا الْفُرْصَ فَإِنَّهَا تَمُرُّ مَرَّ السَّحَاب. این فرصت را مغتنم بشمرید؛ از این فرصت بهترین استفاده را بکنید.

اینکه ما مجلس

عزاداری و مدح

سیدالشهدا را... تبدیل کنیم به یک نقطه‌ی سبک، به یک جایی که یک تعدادی جوان لخت بشوند، بپرند هوا، بپرند پایین و ندانند چه می‌گویند، درست است؟ این شکر این نعمت است که خدا به شما داده؟

نکته‌ی سوم؛ بهترین استفاده‌ی از این فرصت چیست؟ تبلیغ معارف دین؛ تبلیغ همان چیزی که این بزرگواران، این نشانه‌های عظمت و فضیلت برای خاطر آن، جانشان را کف دست گرفتند؛ این همه رنج بردند؛ این همه مصیبت کشیدند؛ حادثه‌ی عاشورا به وجود آمد؛ حوادث گریه‌آور صدر اسلام به وجود آمد. [اینها] برای چه بود؟ برای ترویج معارف دین بود. از این فرصت برای ترویج معارف دین، برای سوق دادن نسل جوان به عمل به دین، به عمل به شریعت، به عمل به مسئولیتهای بزرگ این دوران استفاده کنید. امروز کشور ما، ملت ما و دنیای اسلام محتاج درست فهمیدن، درست عمل کردن و ایستادگی کردن است. ملت ایران الگوست؛ در میان ملت، جوانان موتور حرکتند. این جوانها در اختیار شما هستند؛ یعنی شما با یک نگاه ملاحظه خواهید کرد که به یک معنا موتور حرکت دنیای اسلام، زیر کلید شما است. معارف دین را تبلیغ کنید.

آنچه را مردم احتیاج دارند و آنچه را این جوانها احتیاج دارند برای پاک بودن، برای پاک زیستن، برای سبک زندگی اسلامی، برای مسلمان شدن به معنای واقعی کلمه، برای عاقبت به خیری، به اینها یاد بدهید؛ این در اختیار شما است. کی ما در طول

تاریخ این همه مجلس داشتیم که در آنها این همه جوان جمع بشوند و دل‌هایشان را در اختیار شما بگذارند. در زمان ما و در دوره‌ی جوانی ما در مشهد اگر همه‌ی مدّاحها را می‌شمرند، از پنج شش نفر بیشتر نمی‌شدند، در تهران هم یک خورده بیشتر از این. این همه مجلس، این همه گوینده، این همه خواننده، این همه هنر، این همه صدای خوش، شعرا هم به کار می‌افتند و آنها هم شعر می‌گویند؛ از این فرصت استفاده کنید؛ این هم نکته‌ی بعدی.

و نکته‌ی آخر؛ پرهیز از انحراف، پرهیز از خرافه‌گرایی، پرهیز از مشکل‌تراشی در عقاید جوانها؛ گاهی ما یک کلمه‌ای می‌گوییم که یک گرهی در ذهن جوان مخاطب ما به وجود می‌آید؛ این گره را چه کسی می‌خواهد باز کند؟ این گرهی را که ما با بیان ناقص خودمان یا بیان غلط خودمان یا بی‌توجهی و بی‌مسئولیتی خودمان در ذهن این جوان به وجود می‌آوریم و عقیده‌ی او را دچار مشکل می‌کنیم، این گره چگونه باز خواهد شد؟ اینها مسئولیت است. اینکه ما مجلس عزاداری و مدح سیدالشهدا را — که عظمت او به خاطر شهادت است، عظمت او به خاطر فداکاری در راه خداست، عظمت او به خاطر گذشت است؛ گذشت از همه چیز، از همه‌ی خواسته‌ها، از همه‌ی مطلوبها — تبدیل کنیم به یک نقطه‌ی سبک، به یک جایی که یک تعدادی جوان لخت بشوند، بپرند هوا، بپرند پایین و ندانند چه می‌گویند، درست است؟ این شکر این نعمت است که خدا به شما داده؟ این صدای خوش نعمت است؛ این توانایی اداره‌ی مجلس نعمت است؛ اینها چیزهایی است که خدا به همه نداده است، به شما داده؛ باید این نعمتها را شکر بگذارید. بنابراین من جامعه‌ی مدّاح را از ته دل دوست میدارم؛ برایتان دعا می‌کنم؛ خداوند ان شاء الله به شماها توفیق بدهد، به شماها کمک کند؛ اما این را هم عرض می‌کنم که انتظارات از جامعه‌ی مدّاح، امروز در جامعه‌ی ایرانی و در کل نگاه منطقه‌ای، انتظار بالایی است.

جایگاه‌شناسی «اردوی راهیان نور» و «هیأت» در تربیت انسان تراز انقلاب اسلامی

این نوشتار به دنبال آن است که با مشخص کردن ویژگی‌ها و جایگاه دو ساختار تربیتی هیأت و اردوی راهیان نور، میزان، حدود و نوع تاثیر و اثر این دو را بر هم مشخص نماید. برای این منظور ابتدا به روشن ساختن هر یک از این دو ابزار پرداخته، آنها را از حیث محتوا و فرم مورد بررسی قرار می‌دهیم و در نهایت چگونگی روابط آنها با یکدیگر را مشخص خواهیم نمود.

چرا هیأت مهم است؟

هیأت در حالت کلی به جمعی خطاب می‌شود که جهت رسیدگی به اموری خاص دور هم جمع می‌شوند. یعنی معادل واژه‌هایی چون گروه، جمع و غیره. این واژه مدت زیادی است که ارتباط وثیقی با مجامع مذهبی شیعیان پیدا کرده است. به عبارت دیگر امروزه در کشور ما لفظ هیأت در اولین نگاه مفهوم مجمع عزاداری یا مولودی خوانی برای حضرات اهل بیت (ع) به ویژه حضرت اباعبدالله (ع) را به ذهن متبادر می‌سازد.

هیأت‌های مذهبی که در این نوشتار اختصاراً هیأت نامیده می‌شوند یکی از موفق‌ترین نمونه‌های مجامعی است که شیعیان به وسیله آن توانسته‌اند به پرورش نیرو و استحکام وحدت درونی بپردازند. اگر حوزه‌های علمیه را مرکز پرورش علمای دین، انتقال معارف اهل بیت و تربیت خواص بدانیم، بدون شک هیأت و روضه‌خوانی مرکز تربیت عمومی شیعیان بوده است.

شاید بتوان مدعی شد که هیأت‌ها در چند دهه اخیر در ایران محوری‌ترین نقش را در ایجاد و بقای انقلاب اسلامی بر عهده داشته‌اند. انتقال مفاهیم دینی و انقلابی همچون مبارزه با ظلم و استکبار توسط منابع

هیأت‌ها را می‌توان زمینه‌ساز اصلی ایجاد انقلاب اسلامی دانست. یقیناً حسین بن علی (ع) به مثابه یک الگوی تمام عیار مبارزه با ظلم، فساد و انحراف، الهام‌بخش اصلی مردم کشور در تحمل هزینه‌های برپایی حکومت دینی بوده است. در ادامه نیز محوری‌ترین مفهوم در سالهای دفاع از آرمان‌ها در جبهه‌ها حضرت اباعبدالله (ع) است و قالبی که این آرمان در آن برای مردم و رزمندگان ترسیم و قابل فهم می‌شود، قالب هیأت است.

سوال اینجاست که چرا قالب‌های دیگر چنین توانی را ندارند؟ به نظر می‌رسد همراه شدن عقلانیت و روشنگری در منابع هیأت‌ها با خلوص عواطف در روضه و پاکسازی نفس از رذایل توسط اشک، معجون عجیبی است که هیأت را به مجموعه‌ای آرمانی جهت تربیت و مبارزه تبدیل کرده است. ویژگی‌هایی که در فرم‌های دیگر نیز وجود ندارند.

راهیان نور، قالب‌ریزی دقیق از یک مفهوم

راهیان نور یکی از موفق‌ترین کلیدواژه‌ها و قالب‌هایی است که در سال‌های پس از دفاع مقدس توسط انقلاب اسلامی تئوریزه و عملی شده و خروجی‌های بسیار کارایی از آن دریافت شده است. این مفهوم پتانسیل‌های پنهانی از جامعه جوان کشور را نشان داد که شاید پیش از آن اینطور تلقی می‌شد که نسل جدید نخواهد توانست میراث‌دار امینی جهت حمل آرمان‌های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس باشد. راهیان نور نشان داد که به راستی نسل جدید خواهد توانست آرمان‌های انقلاب را به سبب منزل مقصود برساند؛ به شرط آن که بسترهای تربیت در اندازه‌های حداقلی مهیا باشد. این روزها راهیان نماد شکست ناتوی فرهنگی دشمن داخلی و

خارجی است؛ دشمنی که سالها جهت از بین بردن آرمانشهرهای جوانان مومن و انقلابی فعالیت کرده است. دشمنی که از تریبون‌های مختلف فریاد پایان مبارزه سر داده و آرمانشهر دهکده جهانی را در قالب‌های مختلف سخت‌افزاری و نرم‌افزاری برای جوان انقلابی ترسیم می‌کند. پ امروز همین جوان را در میان خاک‌هایی می‌یابد که قرار بود متروک بماند و آرمان پدیدآورش به فراموشی سپرده شود. کشش خاک مقدس جبهه‌های عجیب و خارق العاده‌ای امروزه توانسته است سالها مهندسی فرهنگی دشمن را در میان اقصای از جوانان بی‌تاثیر کند.

هیأت‌ها، برگزاردکنندگان راهیان نور

در ساده‌ترین نگاه، هیأت‌ها همچنان که پایگاه‌های بسیج را تغذیه می‌کنند، برگزاری اردوهای زیارتی راهیان نور را نیز در بسیاری از مناطق بر عهده دارند. قوت اجرایی فعالیت هیأت‌ها سبب می‌شود که بتوانند مسئولیت اجرای اردوهای راهیان نور را بر عهده بگیرند. اگر به هیأت به عنوان مرکزی برای تربیت اجرایی نیرو بنگریم، راهیان نور به سبب کار اجرایی سنگین و پیچیده‌ای که دارد، محملی جهت پخته شدن و آماده شدن نیرو جهت بر عهده گرفتن مسئولیت‌های بعدی در جامعه است. راهیان نور به سبب سبک خاص خود و حرکت مداوم کاروان در مسیرهای میان مناطق و بحران‌های اجرایی دائمی که برای آن اتفاق می‌افتد، سبب تقویت توان مدیریت بحران در برگزارکنندگان می‌شود.

ایجاد مشکل برای وسایل نقلیه، گم کردن مسیرها، هماهنگی تدارکات و تغذیه و سایر موارد از این دست از جمله حوادث رایج در حین برگزاری اردو است. در بسیاری از



یادمان شهدای شریانی - اردوی راهیان نور هیأت محبین اهل بیت (ع) شهر قم

معادله است که زنده شده و زنده می ماند. به عبارت دیگر راهیان نور به واسطه محتوایی به نام روضه و سبک برگزاری هیأتی توانسته است خود را به طور کامل مصداقی از خط سیر فلسفه تاریخی شیعه قرار دهد. از همین روست که می گوئیم محتوای اردوهای راهیان نور چیزی جز تجدید میثاق با سیدالشهدا نیست. همان محتوایی که فرمی به نام هیأت حمل کننده آن است.

کلیدواژه های هیأت در بطن راهیان نور

نمونه هایی فراوان می توان یافت که مدعای بالا را ثابت نماید. زائران منطقه عملیاتی فکه همواره با خاطره عطش رزمندگان گردان کمیل درس استقامت گرفته اند و عطش گردان کمیل معنا نمی یابد مگر با ذکر مصیبت عطش فرزندان ابا عبدالله (ع) در ظهر عاشورا. عطش در جای جای خاک جبهه در راهیان نور روضه می شود و به قلب زائر می ریزد چرا که عطش کلیدواژه بسیار اساسی در حادثه کربلا است و از آنجا که جبهه قرار است مصداق «کل ارض کربلا» شود، در راهیان نور هم مدام عطش در مقابل چشم زائر و خادم جولان می دهد. حتی در کناره رود اروند هم عطش حضوری جدی دارد. غواصانی که در میان دل آب تشنه جان سپردند! نه از نبود آب که از شرم لبان تشنه حسین (ع)؛ یا در عملیات آزادسازی مهران وقتی مشخص شد رزم عملیات اسم مقدس قمر بنی هاشم حضرت ابوالفضل العباس (ع) است، بسیاری از رزمندگان مقممه های خود را خالی کردند و این چنین کلیدواژه عطش عاشورایی در جبهه پابرجا می ماند و در راهیان نور همچنان به مسیر خود ادامه می دهد. هر آنچه در هیأت فرآوری و آماده استفاده مخاطب شده، در راهیان نور نیز مورد استفاده مخاطب قرار می گیرد. صدا البته جز عطش مصداق بسیاری می توان گواه بر این ادعا ذکر کرد.

«چادر مشکی» یا «چادر خاکی» نیز مفهومی کلیدی در هیأت هاست که در

دفاع مقدس به عاشورا است. عاشورایی که در متن جبهه ها همواره زنده بوده و آن دفاع را مقدس کرده است. سخنرانان و مداحان همواره بدنبال برقرار کردن پلی میان حادثه عظیم دفاع مقدس و صحرایی بنام کربلا و آرمانی به نام ابا عبدالله الحسین (ع) هستند. گویا رزمندگان دفاع مقدس اصحاب آخر الزمانی سیدالشهدا (ع) هستند که با تاخیری چند صدساله زنده شده اند تا بار دیگر «کل یوم عاشورا» را به نمایش بگذارند. اگر در فلسفه تاریخی شیعه از ظهر عاشورا به صبح ظهور خطی بکشیم بی گمان سالهای دفاع مقدس قسمت بسیار مهمی در این خط را پر خواهند کرد. به عبارت دیگر دفاع مقدس در معادله عاشورا- ظهور به طور کامل صدق می کند و اصلاً ظهور و بروز حادثه عظیم دفاع مقدس جز با وجود این دو مفهوم، معنایی نخواهد یافت. راهیان نور نیز به واسطه همین

دانشگاه ها، مسئولیت برگزاری اردوهای راهیان بر عهده هیأت های دانشجویی است و یا حداقل بخشی از این کار را فعالین هیأت ها انجام می دهند.

هیأت به مثابه محتوای راهیان نور

اما گذشته از همکاری های اجرایی که میان دو نهاد هیأت و بسیج جهت برگزاری اردوی راهیان نور برقرار می شود، روابط هیأت با راهیان را می توان به طرق مختلفی می توان مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. از زاویه ای راهیان نور قالبی است که محتوا و درون آن از هیأت مملو است. نگاهی کلی به شیوه برگزاری اردوهای راهیان نور و توقف در مناطق مختلف عملیاتی نشان می دهد که آن محتوایی که به مخاطب راهیان منتقل می شود چیزی جز هیأت نیست. برنامه اردوهای راهیان نور سرتاسر همراه با اتصال



یادمان شهدای شریانی - اردوی راهیان نور هیأت محبین اهل بیت (ع) شهر قم

روایت آن‌ها از دفاع مقدس ارتباطی با عاشورا برقرار نکند، تاثیر جدی بر زائر جوان خود نخواهند گذاشت. اگر شهدای دفاع مقدس به شهید کربلا متصل نشوند نه تنها راهیان نور به هدف خود نرسیده بلکه مسیر را اشتباه رفته است و نتیجه معکوس دریافت می‌کند. عموم خادمان راهیان نور این مسئله را کاملاً درک نموده‌اند و در گفتار و رفتار خود آن را منعکس می‌کنند. ارائه مفاهیم ملی گرایانه و خاک پرستانه از دفاع مقدس در راهیان نور هیچ جایی ندارد. حتی اگر کسی با چنین تصویری

جوانانی است که خود را به خاک می‌سپارند و بر زمین این مناطق علم روضه برپا می‌کنند. جای جای زمین طلائی همان محل انجام عملیات غرور آفرین خیبر، در طول روز و نزدیک غروب پر از هیأت‌هایی است که در حال روضه خوانی و سینه زنی هستند. همواره در راهیان نور روایانی موفق هستند و مفاهیم بنیادین دفاع مقدس را به طرز دقیق و جذابی به مخاطب منتقل می‌کنند که می‌توانند جایگاه دفاع مقدس را در معادله عاشورا - ظهور به طور دقیقی روشن کنند. روایانی که

راهیان نور خودنمایی می‌کند. علاوه بر اینکه ظواهر دختران جوان و زنان زائر جبهه‌ها محوریت عنصر چادر مشکی را در مناطق پررنگ می‌کند، برخی مناطق خود دارای بار معنایی حضور و نظارت مادر سادات، حضرت زهرا (س) است. بنگرید به منطقه عملیاتی شلمچه که در آن زمین عملیات کربلا چهار و کربلای پنج با رمز یازهرا (س) اجرا شده و نیز شهدای بسیار زیادی که در این منطقه تقدیم اسلام شده است. زائران راهیان نور در شلمچه بی‌شک یاد حضرت زهرا (س) می‌کنند چرا که حقیقتی که در تاریخ در این زمین شکل گرفته، حقیقتی است مرتبط با فاطمه زهرا (س).

زائران شلمچه همچون شهدای این منطقه، در شب موعودشان به مادر سادات متصل می‌شوند و این توسل میسر نمی‌شود مگر در هیأتی که بر خاک شلمچه برپا می‌شود و روضه زهرا (س) را به پامی‌کند. عزاداری برای مادر سادات با زمین شلمچه گره خورده و این گره نه توسط کاروان‌های راهیان نور، که به واسطه رزمندگان در سالها پیش ایجاد شده است. زائر جوان راهیان نور که هیچ چیز از جبهه و عملیات به خاطر نمی‌آورد، اما این ارتباط میان خاک شلمچه و چادر خاکی زهرا (س) را به شکل کامل درک می‌کند. چادر خاکی همچنان که در هیأت محور است در شلمچه و بسیاری از مناطق دیگر محوریت دارد. اگر نباشد روضه خوانی و برگزاری هیأت در خاک جبهه، راهیان نور از محتوا تهی خواهد شد. جمله «می‌روم تا انتقام سیلی زهرا بگیرم» که بر پشت لباس بسیاری از رزمندگان ثبت شده بود نشان از آن دارد که هیأت و جبهه و به تبع آن راهیان نور مفاهیمی جداناپذیر هستند.

به وضوح می‌توان دید که در جای جای مناطق عملیاتی جنوب و غرب کشور، «کربلا» حضوری جدی دارد. حضور کربلا در راهیان نور با واسطه‌گری هیأت به کمال می‌رسد. در ایام پایانی سال که اوج شرکت جوانان و دانشجویان در اردوهای راهیان نور را شاهد هستیم، مناطق مختلف عملیاتی میزبان



مراسمات عزاداری در دفاع مقدس



یادمان شهدای شریانی - اردوی راهیان نور هیأت محبین اهل بیت (ع) شهر قم

در راهیان نور مفهومی محوری گردد. آنان که با راهیان نور آشنا هستند، می دانند اگر روضه راز راهیان نور بستانیم، محصول فرهنگی دیگری جهت پر کردن خلا وجود آن نخواهیم یافت، حتی آنجا که زائر با شهید ارتباط برقرار می کند. بدین واسطه است که زائر شهید راز انصار سیدالشهدا (ع) می داند و خود نیز می خواهد چون شهید در این زمره قرار گیرد. روضه خوانی برای شهدا نیز قالبی است که سبک خود را از هیأت ها وام دار است.

❖ هیأت ها در راهیان نور و دفاع مقدس؛ تفاوت در چیست؟

براستی هیأت همان قدر در راهیان نور تاثیر گذار است و همان قدر متکفل اجرای وظایف در راهیان است که در جبهه ها بود. اگر نبود حضور هیأت ها در جبهه، چه بستر دیگری قرار بود رزمندگان تربیت کنند؟ هیأت همانقدر در راهیان مهم است که در شب عملیات مهم بود. آنان که اهل بررسی تاریخ دفاع مقدس هستند، می دانند که پیش از آغاز هر عملیات هیأت وظیفه داشت نیروها را آماده رزمی تمام عیار کند؛ رزمی برای مقابله با دشمن بیرونی و نفس زبون. این حسین است که می تواند میانه میدان نوجوان را در مقابل ارتش آموزش دیده و گارد سلطنتی متخصص خصم پیروز کند چرا که قاسم ابن الحسن (ع) آرمانی برای نوجوان رزمندگان ترسیم می کند که وی راز هر چه ترس و اضطراب است می رها کند. همچنان که سید شهیدان اهل قلم، سیدمرتضی آوینی تاکید می کند: «غایت خلقت جهان، پرورش انسان هایی است که در برابر شدايد بر هر چه ترس و شک و تردید و تعلق است غلبه کنند و حسینی شوند. هر چند جهاد فی سبیل الله بهترین عرصه ی پرورش کمالات انسانی است، اما خود از خورشید ولایت نور می گیرد. آنان که دیروز اهل جهاد بودند، امروز هر چند در تبعیت از مقام ولایت، اهل صبر و صلاحند، اما برکات خفیه ی جهاد را از یاد نبرده اند. باب جهاد اصغر مغلوق گشته است، اما باب جهاد اکبر هنوز مفتوح است.»

بر روی آنها سوار است، سبب پیدایش دفاع مقدس و راهیان نور شده اند. آیا می توان راهیان نوری بدون اهل بیت (ع) متصور شد؟ آیا می توان این حرکت عظیم و متحیرکننده را در قالبهای ناکارآمدی همچون ملی گرایی و حب وطن ترسیم کرد؟ آیا شهید بدون سیدالشهدا معنایی دارد؟ اگر حسین (ع) سیدالشهدا است پس الزاما شهدای دفاع مقدس بایدارتباطی وثیق با سالارشان داشته باشند. این ارتباط سبب می شود که هیأت به عنوان فرم متکفل انتقال مفهوم عاشورا،

وارد سفر راهیان نور شود، قطعا در پایان سفر خود خواهد فهمید که دفاع مقدس در قالبی جز عاشورا توان تفسیر ندارد. هیأت در انتقال و فهماندن این مسئله نقش به سزایی در اردوها ایفا می کند.

❖ آیا در نزدیکی این ارتباط اغراق می کنیم؟

چرا اینقدر اصرار داریم که هیأت و راهیان نور دو مفهوم جدایی ناپذیرند؟ دلیل روشن است. چرا که همان کلیدواژه هایی که هیأت



حضور هیأتی سلام علی هیأت آل ی

اوقتی شما در یک محیطی حاضر می شوید؛ در کویر، در کوهستان، در نقاط دور از دسترس، در میان مردم محروم مشغول کار می شوید، جوانی که در آنجاست، از شما الهام می گیرد و شما می شوید سفیر تلاش و کار و خدمت و جهاد و مجاهدت. «من احیایا فکانتما احیای الناس جميعا» شما دلها را زنده می کنید؛ فایده ی بزرگی است. فوائد فراوانی در این کار هست. این جریان عظیم را حفظ کنید. مقام معظم رهبری {

اگر در عصر جدید، رسانه ها به اشکال مختلف بر زندگی و افکار مردم سیطره یافته اند و به آن ها جهت می دهند، ما نیز نیاز به رسانه ای داریم که بتواند جامعه را منسجم و یکپارچه کند و همه را در قالب یک تنه واحد هدایت کند. از دیرباز در تاریخ اسلام بویژه مکتب تشیع مسجد و تکایای مذهبی ساز و کار یک رسانه را داشتند. اگر وظیفه ی رسانه ها انتقال پیام است، مساجد و هیئات این وظیفه را به خوبی انجام می دادند. بی دلیل نیست که بر فراز مساجد منابر ایستاده که روزانه پیام توحیدی اسلام و فراخواندن مردم به کارهای نیک را سر می دهد. هیأت ها نیز برای این شکل گرفتند که پیام عاشورا و نهضت ابا عبدالله الحسین (ع) را در جهان منتشر کنند.

به قول مقام معظم رهبری: «آن کسانی که سعی کردند اسلام را از مسائل اجتماعی و از مسائل سیاسی برکنار بدارند و آن را منحصر کنند به مسائل شخصی و مسائل خصوصی زندگی افراد - و در واقع نگاه سکولار به اسلام داشته باشند که تبلیغات دشمنان و دستهای دشمنان هم این بینش را در بین مسلمانان در طول سالیان دراز ترویج کرده است - جوابشان مسئله ی غدیر است.»^۱ پس مکتب غدیر با این گستردگی نیاز به رسانه ای دارد که قابلیت پوشش تمام ابعاد دین را داشته باشد و پیام های آن را منعکس کند. رسانه های ما در قالب هیئات باید این رسالت مهم را عهده دار باشند. باز نیز به قول مقام معظم رهبری: «هیأت ها نمی توانند سکولار باشند؛ هیأت امام حسین (ع) سکولار ما نداریم.»^۲

با قرار دادن این دو تعبیر حکیمانه مقام معظم رهبری در کنار هم به این نتیجه می رسیم مجموعه های مذهبی بویژه هیئات و حسینیه ها باید همواره لساناً و عملاً در این مسیر حرکت کنند. مسیری که هم به تبلیغ مکتب اسلام سیاسی و اسلام مجاهدت و اسلام رحمت می پردازد و هم دیدگاه ها و نظرات سکولار را از بین می برد.

از منابر پرشور و آگاهی بخشی که بخش اعظمی از عقاید و باورها و اطلاعات عمومی و دینی مردم را تشکیل می دهد تا تأثیرات معنوی آن بر روی عموم جامعه که تامین کننده عنصر معنویت است اما آن وجه که باطل کننده افکار سکولار و غربی است با فعالیت و حضور هیئات مذهبی در فعالیت های سیاسی و اجتماعی تامین می شود. از ابتدای تاسیس هیئات مذهبی که تجمعی از مومنان برای تعظیم شعائر الهی و احیای امر اهل بیت و نام و یادشان در جامعه بود نیز چنین کارکردی از آن ها مشاهده می شد. چنان که در نهضت مقدس اسلامی نیز می بینیم اکثریت هیأت های کشور، بازوی مهمی برای حضرت امام (ره) در پیش برد

انقلاب بودند.

احیای آئین های مذهبی و رنگ و بوی سیاسی گرفتن آن ها در جهت انتقال پیام اصلی عاشورا و ایستادگی در برابر ظلم و ستم که در سرنگونی رژیم پهلوی نقش اساسی داشت. علاوه بر فعالیت سیاسی هیأت ها، فعالیت های اجتماعی نیز در قالب امور خیریه و دستگیری از افراد نیازمند و حس همبستگی و اخوت از دیگر کارکردهای هیأت ها بوده که باید مورد توجه همگان قرار گیرد.

✦ اردوی جهادی و هیأت جهادی

یکی از عرصه های فعالیت های اجتماعی خدمت به خلق است که به تعبیر حضرت امام (ره) کمتر عبادتی به این بزرگی هست. در چند سال اخیر که اردوهای جهادی در قالب های دانشجویی و دانش آموزی شکل گرفته اند، عرصه فعالیت های اجتماعی مردم را گسترش داده است. امری که در سال های گذشته و از ابتدای انقلاب به همت جهاد سازندگی انجام می شد، امروزه شکل و تنوع گوناگونی یافته و تشکل های مومن و انقلابی در این راستا کارهای موثری



■ قرائت قرآن در اردوی جهادی دانشجویان سمنان به خراسان جنوبی

اسین، حین یعمرون...



بلاغ مبین

موسسه تبلیغی - جهادی بلاغ مبین نیز نام مجموعه مذهبی دیگری است که اردوهای جهادی را با حضور روحانیون برگزار می کند. این موسسه در دو گروه طلاب ایرانی و طلاب غیر ایرانی در منطقه خوزستان حضور دارد. به گفته حجت الاسلام مرادی، مسئول گروه های جهادی طلاب، گروه طلاب خارجی در حدود ۶۰ نفر از ۲۰ ملیت در منطقه شادگان حضور دارند که صبح ها به کارهای عمرانی مشغولند و بعد از ظهرها شب ها نیز به فعالیت های فرهنگی و نشست هایی پیرامون کار جهادی می پردازند. اردوی جهادی دیگری نیز با حضور طلاب ایرانی و دانش آموزان برگزار می شود که کار تبلیغ در ایام فاطمیه بر عهده این گروه است. به گفته ایشان، این گروه ۱۲ سال است که در منطقه اندیکای خوزستان فعالیت و هیأتی تحت نام ثارالله (ع) راه اندازی کرده است که در مناسبت های مختلف بویژه محرم ها مورد استقبال هزار نفری مردم واقع می شود. همچنین این هیأت به الگویی برای روستاها و دیگر هیأت های آن منطقه تبدیل شده و سبک و سیاق عزاداری در آن منطقه همان سبک و سیاق عزاداری های سنتی و صحیح است. امسال نیز با توجه به مناسبت فاطمیه، قرار است مراسم های مذهبی در قالب منبر و عزاداری با اهتمام جدی برگزار و همچنین پروژه ساخت دو مدرسه و دو مسجد و همچنین مسکن برای محرومان انجام گیرد.

اردوهای جهادی مظهر کامل احیای سیره اهل بیت علیهم السلام است که یک وجه آن خدمت به خلق است که از نگاه حضرت امام (ره) بزرگترین عبادت و از طرفی زمینه خودسازی و انس معنوی را فراهم می آورد. لذا چنین کارهای مبارکی که آثار معنوی فراوانی دارد حیفاست در بین هیأت ها و افراد مذهبی مورد توجه قرار نگیرد و ان شاء الله شاهد رونق و شکل گیری گروه های جهادی در هیئات مذهبی باشیم که هم از حیث نیروی فیزیکی و انسانی و هم از حیث مسائل فرهنگی و مذهبی نیروی بالقوه خوبی برای خدمت به محرومان و آبادانی کشورمان به حساب می آیند.

اردوهای هیأت در این شهرستان برگزار می شود { مراسم بزرگی بمناسبت شهادت حضرت زهرا (س) برگزار کنند و از تمامی شهرها و روستاهای این شهرستان در این مراسم شرکت داشته باشند. به گفته وی، این گروه در پروژه ساخت مدرسه و مسجد، در هر مسجد هیأتی را بنا می کنند و پس از واگذاری هیأت به اهالی آن منطقه، خود روستائیان به برگزاری مراسم های هیأت توجه دارند. به گفته یافتیان، در برنامه اردوهای جهادی این هیأت، بعد از ظهر ها و شب ها برنامه های فرهنگی برای خود جهادگران تدارک دیده اند که سعی می شود این برنامه ها در مسجد روستا باشد، چرا که با توجه به فعالیت های تفرقه افکنانه و هابیت، نقطه ثقل فعالیت های چند سال اخیر این گروه بر مسائل فرهنگی است.

هیأت دانشجویی آل یاسین جزو ۲ گروهی است که موفق به دریافت دستخط از جانب مقام معظم رهبری شدند و ایشان در سال ۸۲ پس از دیدار با اعضای این گروه و ارائه گزارشی از فعالیت های انجام شده، از خدمات آن ها تمجید کردند. چرا که در آن سال ها این هیأت فارغ از بحث های سیاسی و با توجه به امکانات کمی که دستگاه های اجرایی در اختیار آن ها قرار می دادند موفق به چنین کارهای پربرکتی شده بودند. امروزه نیز این هیأت با کمک بانیان مختلف و اعتماد نهادهایی مانند بنیاد برکت و ستاد اجرایی فرمان امام (ره) در مناطق تحت پوشش گام های موثری برداشتند.

هیأت دانشجویی آل یاسین، امسال علاوه بر برنامه های مذهبی فاطمی، برنامه ساخت سه مدرسه و سه مسجد را در دستور کار خود دارند که کارهای اولیه و اساسی آن در ایام نوروز انجام می شود و بهره برداری نهایی به احتمال زیاد تا پایان فصل بهار صورت می گیرد.

انجام داده اند. اما متأسفانه تاکنون پتانسیل و نقشی که هیأت ها می توانند در برپایی این اردوها داشته باشند مغفول مانده است. هیأت ها هم از بعد نیروی فعال و مذهبی در مسائل عمرانی و سازندگی و هم از حیث مسائل مذهبی و فرهنگی می توانند گام های موثری بردارند و چنانچه مردم مناطق محروم ببینند افراد مذهبی چگونه در مسائل اجتماعی در کنار امور سیاسی و مذهبی دخیلند، باور و اعتماد به مذهب در آن ها تقویت می شود. اما در این بین هستند هیأت هایی که از نیرو و توان خود برای خدمت به مردم استفاده نموده و بیرق اهل بیت علیهم السلام را در همه جا برافراشته اند.

سلام علی هیأت آل یاسین، حین یعمرون...

یکی از هیئات مذهبی که در این سال ها در کنار مسائل مذهبی ورود چشمگیری به مباحث اجتماعی و کمک به محرومین داشته هیأت دانشجویی آل یاسین است که از نوروز ۷۷ تاکنون در برگزاری اردوهای جهادی فعالیت دارد. اکثر شرکت کنندگان در اردوی جهادی این هیأت را دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشجویی تشکیل داده و یکی از ویژگی های این هیأت در اردوهای جهادی تنوع سنی و اندیشه ای است. این گروه جهادی از معدود گروه هایی است که همچنان نام هیأت را برای خود نگه داشته اند و به رغم پیشنهادات مختلف برای تبدیل آن به موسسه و یا سازمان، مسئولین آن همچنان تصمیم دارند تا بر نام اهل بیت علیهم السلام این اردوها را تشکیل دهند و همواره در تمام کارهای اردو سعی در بر جسته نمودن نام هیأت و بیرق اهل بیت (ع) دارند.

به گفته آقای یافتیان، مسئول روابط عمومی، شعار امسال این هیأت، جهاد فاطمی است که با توجه به ایام فاطمیه قرار است در منطقه زابل { که چند سالی است

انقلاب مجازی هیأتی‌ها

■ محمد زاهدنیا

رهبر معظم انقلاب: این فرصت تا امروز کی برای روحانیت وجود داشته؟ علاوه بر این، ابزارهای تسهیل‌کننده، مثل رایانه‌ها و ارتباطات اینترنتی و فضای مجازی و سایبری هم که الان در اختیار شماست. اگر بتوانید اینها را یاد بگیرید، می‌توانید یک کلمه حرف درست خودتان را به هزاران مستمعی که شما آنها را نمیشناسید، برسانید؛ این فرصت فوق‌العاده‌ای

است؛ نبادا این فرصت ضایع شود. اگر ضایع شد، خدای متعال از من و شما روز قیامت سؤال خواهد کرد: از فرصت این همه جوان، این همه استیصار، این همه میل و شوق به دانستن، شما برای ترویج معارف اسلامی چه استفاده‌ای کردید؟ (بیانات در ۹۱/۷/۱۹)

شبکه‌های اجتماعی در سراسر دنیا، با اهدافی از قبیل سازماندهی انواع گروه‌های اجتماعی با تکیه بر اشتراکات

مختلف و رسیدن به اهداف مشترک در حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... شکل گرفته است. در واقع توسعه مشارکت اجتماعی در قالب گفتگوهای متعدد و متقابل یکی از بارزترین اهداف این شبکه‌هاست. پس از ورود این شبکه‌ها در ایران، ابتدا مورد استقبال قشر خاصی قرار گرفت که از آن تحت عنوان زندگی دوم بهره می‌بردند. پس از گذر زمان و در اوایل سال ۸۹ حضور اقشار مذهبی ایرانی در اکثر شبکه‌های اجتماعی با هدف گذاری‌های مختلفی همچون گسترش مبانی دینی و تشکیل گروه‌های مذهبی گسترش پیدا کرده و تا به الان بسیار از بسیجیان، هیأتی‌ها و... در اکثر شبکه‌های اجتماعی و موبایلی حضور فعال دارند.

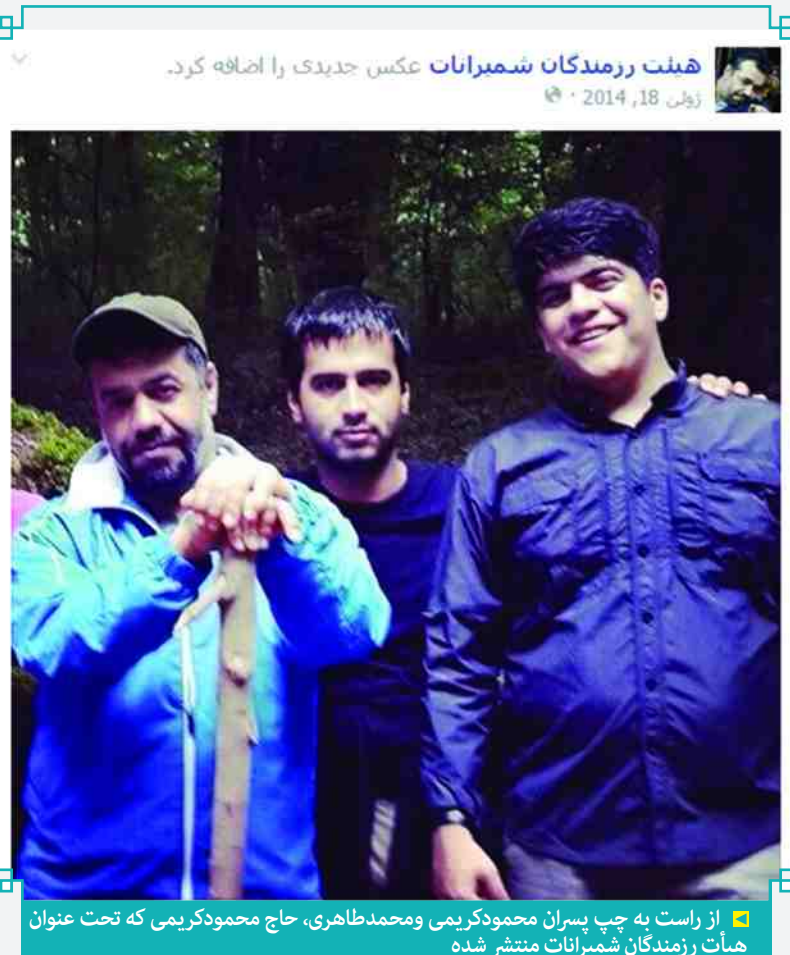
دغدغه‌های اقشار مذهبی در شبکه‌های اجتماعی که بیشتر در زمینه‌های اعتقادی بوده موجب شکل‌گیری گروه‌ها و صفحات در راستای تبلیغ مبانی دینی و اعتقادی گردید. از جمله بارزترین آنها می‌توان به رشد و گسترش صفحات و گروه‌هایی در راستای تبلیغ هیأت‌های مختلف در سراسر کشور و همچنین تبلیغ مداح و یا سخنران مد نظر کاربران بوده است.

هم‌زمان با رشد تبلیغات هیأت‌های مختلف کشور، برخی مداحان ترغیب به حضور فعال در برخی از شبکه‌های اجتماعی شده‌اند.

در واقع این نوع رغبت را می‌توان حاصل دو عامل نسبتاً مشترک دانست:

الف) مشاهده خیل عظیم پامنبری‌های مداحان در شبکه‌های اجتماعی که علاقه خود را نسبت به سخنران یا مداحی خاص با ایجاد صفحاتی با نام آن مداح ابراز می‌کردند.

ب) حضور دوستان و یا فرزندان مداحان در شبکه‌های اجتماعی که واسطه‌ای



از راست به چپ پسران محمود کریمی و محمد طاهری، حاج محمود کریمی که تحت عنوان هیأت رزمندگان شمیرانات منتشر شده

جهت خود مداحان می گردید، به عنوان نمونه پسران حاج محمود کریمی و محمد طاهری در برخی شبکه های اجتماعی من جمله اینستاگرام فعالیت داشته و به اشتراک گذاری تصاویر مراسم های هیأت های پدرانشان می پردازند.

❖ چه نوع هیأت هایی در شبکه های اجتماعی فعالیت می کنند:

الف) هیأت های معروف تهران و دیگر شهرها که مورد استقبال بسیاری از افشار مذهبی قرار گرفته اند، سعی در اطلاع رسانی به موقع پیرامون برنامه های هیأت و همچنین دریافت بازخورد از کاربران شبکه های اجتماعی می نمایند.

هیأت هایی هم چون هیأت رزمندگان شمیرانات، هیأت الرضا و... که برخی از آنها توسط کمپین های مردم نهاد تشکیل شده و برخی مدیریت برخی از صفحات هیأت توسط مسئولین و دست اندرکاران خود هیأت صورت می گیرد.

ب) هیأت های نسبتاً محلی که به دلیل حضور فعال جوانان در این گونه هیأت ها، تبلیغات و معرفی هیأت و همچنین مراسم های آن به شدت بیشتری نسبت به دیگر هیأت ها صورت می گیرد. به عنوان نمونه هیأت ریحانه النبی (در محله تجریش تهران) که معرفی آن در شبکه های مختلف اجتماعی و موبایلی اعم از: وایبر، فیس بوک، اینستاگرام و... به وفور دیده می شود. همین تبلیغات و به خصوص تصویربرداری های متعدد از مراسم هیأت موجب گردیده برخی از مداحان جوان نظیر محمدحسین پویانفر (مداح هیأت ریحانه النبی) مورد توجه بیشتر کاربران شبکه های اجتماعی قرار گیرد.

پ) هیأت های دانشجویی: طبیعتاً هریک از دانشجویان در مسجد دانشگاه خود اقدام به برپایی مراسم مذهبی تحت عنوان هیأت های دانشجویی می نمایند. این هیأت ها نسبت به موارد قبلی از

جمعیت کمتری برخوردار بوده و مختص به قشر خاصی (دانشجویان) می باشد. (هرچند که در برخی اوقات اساتید و یا افرادی خارج از دانشگاه نیز در این مراسم شرکت می کنند). در این هیأت ها اکثر مسئولیت های اجرایی بر عهده خود دانشجویان بوده و به همین منظور دانشجویان جهت اطلاع رسانی از مراسم ها و همچنین تشویق دیگر دانشجویان به حضور در هیأت، به وفور در شبکه های موبایلی و اجتماعی، اخباری را پیرامون مراسم های هیأت دانشگاه منتشر می نمایند. نقش شبکه های موبایلی نظیر واتس آپ، وایبر و تانگو در این نوع هیأت ها پررنگ تر به نظر می رسد. از آن جایی که دانشجویان در این شبکه های موبایلی گروه های دوستی از جمله (هم کلاسی ها؛ هم ورودی ها به عنوان نمونه ورودی های سال ۹۰؛ هم عقیده ها به عنوان نمونه بسیجیان و یا تشکل های دانشجویی و...) را تشکیل داده اند، بنابراین هر یک قادر خواهند بود

در کلونی شبکه های موبایلی به اطلاع رسانی و تشویق دانشجویان جهت حضور در مراسم هیأت اقدام نمایند. نکته حائز اهمیت در این باره حضور فارغ التحصیلان در این نوع مراسم هیأت دانشجویی بوده که بیانگر عشق و علاقه جوانان به این گونه هیأت های دانشجویی حتی پس از پایان تحصیل می باشد. هیأت دانشگاه امام صادق (ع) یکی از بارزترین نمونه های هیأت های دانشجویی بوده که باتوجه به مداحی میثم مطیعی در بیت رهبری و همچنین حضور حجت الاسلام پناهیان به عنوان سخنران مورد استقبال بسیاری از آحاد مذهبی به خصوص دانشجویان می باشد. میزان پراکندگی هیأت های دانشجویی در شبکه های اجتماعی (به خصوص شبکه های موبایلی) نسبت به موارد قبلی بیشتر بوده، چراکه هر گروه از دانشجویان در سراسر کشور که در مساجد دانشگاه های خود مسئولیت اجرایی پیرامون برپایی مراسم عزاداری بر عهده داشته اند،

مداح اهل بیت حاج میثم مطیعی

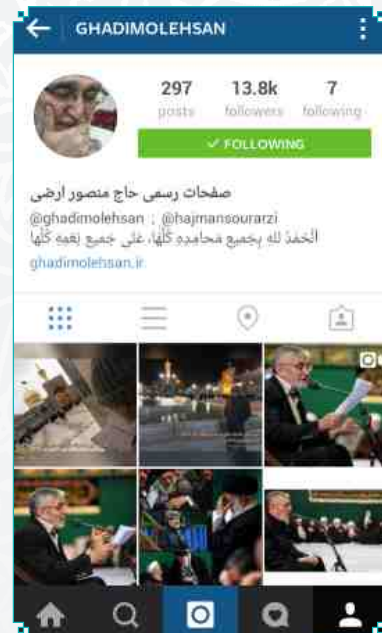
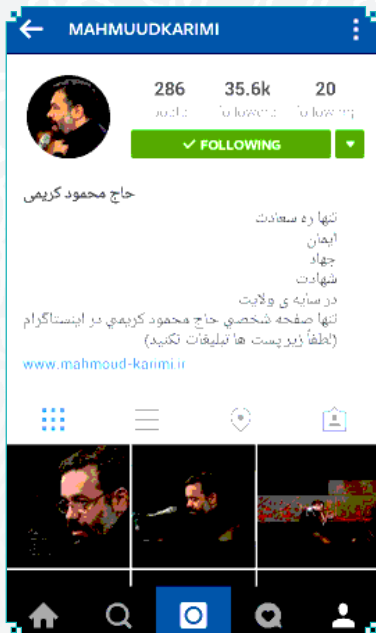
زائویه ۲۳ - ویرایش شد *

به اطلاع کاربران و عاشقان اهل بیت (ع) می رسانیم مراسم دعای کمال با نوای مداح اهل بیت حاج میثم مطیعی در رواق امام خمینی (ره) حرم مطهر رضوی (ع)، روز پنج شنبه مورخ شانزدهم بهمن نود و سه برقرار می باشد.



125 اشتراک گذاری • نظر دادن •

اطلاع رسانی مراسم دعای کمال توسط پامنبری های میثم مطیعی در فیس بوک



منظور معرفی مراسم های هیأت توسط کاربران صورت می گیرد. این گونه صفحات اجتماعی یا بوسیله طرفداران هیأت یا مداحی خاص شکل گرفته و یا توسط خود مسئولین هیأت ایجاد می گردد. آنچه در این بین به چشم خورده، تبادل نظرات و آرا در ذیل مطالب ارسالی در صفحات مخصوص به آن هیأت می باشد. به عنوان نمونه، کاربرانی که در مراسم های هیأتی خاص شرکت کرده اند، نظر خود را پیرامون چگونگی برگزاری مراسم ابراز داشته و یا در مواقعی انتقاداتی را ابراز می نمایند. تبادل نظرات متفاوت در اینگونه صفحات اجتماعی هیأت ها موجب گردیده تا افرادی که تازه حال در آن هیأت حضور نداشته اند، مایل به شرکت در مراسم عزاداری در آن هیأت شوند. نکته حائز اهمیت در این گونه شبکه های اجتماعی صرفا معرفی بیش از پیش هیأت به تمام کاربران به منظور جذب حداکثری می باشد. گاهی در شبکه های اجتماعی همچون فیس بوک دیده شده که پامنبری ها یا طرفداران یک مداح یا هیأتی خاص به تبلیغ هیأت جهت کسب لایک (پسند) بیشتر یم پردازند. در واقع این کاربران

نداشته باشد. اکثر مداح ها تصویری از خود یا هیأت مدنظرشان را در اینستاگرام منتشر می کنند.

❖ کارکردهای هریک از شبکه های اجتماعی در تبیین مراسم هیأت های کشور:

الف) استفاده از شبکه های اجتماعی فیس بوک، گوگل پلاس جهت ایجاد صفحات اطلاع رسانی به

پس از فارغ التحصیلی سعی در ادامه آن مراسم های مذهبی تحت عنوان هیأت های دوره ای در منازل خود و دوستان هیأتی نموده اند.

❖ حضور مداحان در شبکه های اجتماعی

کمتر مداح معروفی را می توان یافت که توسط خودش یا پامنبری هایش در یکی از شبکه های اجتماعی حضور مجازی



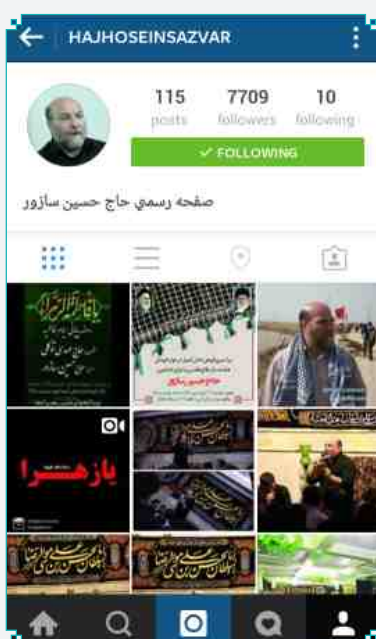


در پایان شایان ذکر است که ایجاد شبکه های ارتباطی توسط افشار مذهبی در انواع رسانه های اجتماعی موجب ترغیب بیشتر جوانان و همچنین تغییر اطلاع رسانی هیئات مختلف از تبلیغات خیابانی به تبلیغات مجازی شده است. همچنین تبادل نظرات توسط کاربران شبکه های اجتماعی موجب بهبود عملکرد مداحان و برگزاری مناسب تر مراسم های میلاد و عزاداری می گردد.

یا هیأتی تر در آن حضور داشته اند. در واقع گروه های موبایلی به منظور معرفی هیأت ها به تمام کاربران تشکیل نشده بلکه جهت تبادل نظرات پامنبری های یک هیأت خاص ایجاد می گردد. در این گروه های دوستی که پامنبری های یک هیأت را تشکیل می دهند، نسبت به چگونگی برگزاری مراسم و همچنین تصاویر دوستانه ای که در هیأت ها گرفته شده به بحث و نظر می پردازند.

نه تنها به تبلیغ هیأت مورد علاقه خود در شبکه های اجتماعی پرداخته بلکه به نوعی سعی در کسب محبوبیت بیشتر هیأت نسبت به دیگر هیئات می پردازند. **ب) استفاده از شبکه های اجتماعی همچون اینستاگرام:** این گونه شبکه ها صرفاً به انتشار تصاویر مراسم های عزاداری و یا جمع های دوستانه در هیأت تعلق داشته و بیشتر از دیگر شبکه های اجتماعی مورد توجه کاربران قرار می گیرد. از آن جایی که تصاویر نقش برجسته ای در نمایش یک مراسم مذهبی دارا می باشند، اینستاگرام توانسته نقش پررنگی در این زمینه داشته باشد. از آن جایی که اینستاگرام قابلیت دسترسی راحتی در گوشی های تلفن همراه داشته، هریک از کاربرانی که در یکی از هیأت ها حضور داشته بلافاصله پس از تصویربرداری، عکس مورد نظر خود را برای همگان منتشر می کند.

پ) شبکه های اجتماعی موبایلی: وجه تمایز شبکه های موبایلی همچون وایبر، واتس آپ، تانگو و... بادیگر شبکه های اجتماعی در ایجاد گروه های دوستانه خصوصی می باشد. درواقع در شبکه های موبایلی گستره معرفی هیأت ها کمتر بوده و در عوض اعضای فعال تر و



مجله همشهری آیه را به عهده دارم که از ابتدای سال ۹۱ با رویکرد سبک زندگی دینی مشغول تولید آن هستیم. در همه این سال‌ها در دو ژانر اجتماعی-شهری و دینی فعالیت کردم. اجتماعی به دلیل آنکه ورود من به مطبوعات با مطالب اجتماعی و بعضاً شهری بود و تقریباً آخرین فعالیت جدی‌ام در این حوزه سردبیری نشریات فرهنگ شهر و همشهری مسافر بود. اما به واسطه دغدغه‌های دینی و البته تحصیلات حوزوی خدا این لطف را کرد که توفیق فعالیت رسانه‌ای در حوزه‌های دینی را هم کسب کنیم، مانند همین همشهری آیه که عرض کردم.

هیات برسیم به ایده سایت عقیق. ایده این مجموعه از کجا شکل گرفت؟

همان‌طور که عرض کردم من و برخی از دوستان مطبوعاتی همفکر، همواره دغدغه یک فعالیت رسانه‌ای در حوزه هیات را داشتیم. احساس می‌کردیم روح و نشاطی در فضای هیات وجود دارد که رسانه‌ها از آن غافل مانده‌اند. برای مثل مایی که از کودکی در هیات رشد کرده‌ایم و به قول معروف اگر هیاتمان دیر شود احساس کمبود و خلأ می‌کنیم، یک وظیفه بود که در این حوزه هم فعالیت کنیم، اما واقعاً به ایده قالب اجرایی این فعالیت رسانه‌ای نرسیده بودیم. فقط می‌دانستیم که می‌خواهیم برای هیات‌ها کار کنیم. این یک طرف معادله بود. از سوی دیگر، برای خیلی از ما پیش آمده که یک شب دلمان بخواهد به یک هیات برویم، اما ندانیم که در آن شب چه مجلس‌هایی در گوشه و کنار شهر برگزار می‌شود. یک سال در ایام مبعث که بیشتر ذاکران اهل بیت طبق سنت قدیمی خود به پابوس امام هشتم (ع) می‌روند، با یکی از دوستان در تهران بودیم و مدام در فکر اینکه کجا هیات برگزار می‌شود تا در آن شرکت کنیم. سوال اصلی‌مان آن شب این بود که «مشب هیات کجا برویم؟» و به نتیجه رسیدیم که اگر بخواهیم در فضای هیات‌ها یک کار رسانه‌ای



صیادی، مدیرمسئول سایت عقیق :

عقیق یک کشف مهم در حوزه رسانه بود

سایت عقیق یکی از آن سایت‌هایی است که در یک سال اخیر مخاطبان هیاتی زیادی را به خود جذب کرده است و به نوعی پایگاه اطلاع رسانی هیئات مذهبی شده است. در همین راستا گفت و گویی داشتیم با رضا صیادی مدیرمسئول این سایت که در ادامه می‌خوانید:

هیات قبل از آنکه وارد موضوع گفت

و گو شویم و درباره فعالیت رسانه‌ای در فضای هیات‌ها صحبت کنیم، شاید بهتر باشد که مخاطبان ما کمی بیشتر با شما و سوابقتان آشنا شوند.

بنده حدوداً ۳۰ سال دارم و بیش از ۱۰

سال است که به شکل جدی در حوزه رسانه فعالیت می‌کنم. در این سال‌ها در روزنامه‌ها و مجلات بسیاری فعالیت کردم به عنوان‌هایی چون خبرنگار، دبیر سرویس، دبیر تحریریه، معاون سردبیر و سردبیر. امروز هم در موسسه همشهری سردبیری

بکنیم، بهترین حالت این است که سایتی راه بیندازیم که در آن به همین سوال مردم جواب دهد. یعنی اساساً ایده سایت عقیق از همین سوال «امشب هیأت کجا برویم؟» بیرون آمد.

هیأت و بعد همین ایده کم تکمیل شد؟

بله، ابتدا خط اصلی را پیدا کردیم و بعد به برکت مشورت با بزرگان و خبرگان، ایده پخته‌تر شد. اما از همان روز تصمیم گرفتم، عقیق یک سایت خبری-کاربردی باشد. یعنی هم اخبار و تصاویر را بازتاب دهد و هم راهنمایی باشد برای پیدا کردن مجالس. و این دو هدف، رویکردهای اصلی عقیق شد تا به امروز؛ سایتی برای هیأت مورد نظرمان را انتخاب کنیم، برای آنکه روی نقشه شهر جانمایی هیأت‌های کوچک و بزرگ را نشان دهد، برای آنکه بانک اطلاعاتی هیأت‌ها را کامل کند، برای آنکه از مجالس اهل بیت (علیهم السلام) گزارش و تصویر و صوت تهیه کند، برای آنکه ما را با سبک زندگی بزرگان دین آشنا کند، برای آنکه از جلسات اخلاق شهرمان غافل نشویم، برای آنکه معرفت مان را به قرآن و عترت بیشتر کنیم و در نهایت برای آنکه سایتی باشد برای همه هیأت‌ها.

هیأت بعد از آن کار را عملیاتی کردید؟

همان روزها که به ایده اصلی سایت رسیدیم، جلسات متعددی را برای پرداخت ایده و سروشکل دادن به کار برگزار کردیم. با افراد صاحب نظر بسیاری چه در حوزه هیأت و چه در حوزه رسانه مشورت کردیم. همگی اذعان داشتند که ایده بکر است و بسیار جای کار دارد. ما هم با روحیه بیشتر بخش‌های مختلف را تعریف می‌کردیم و نقشه راه سایت را می‌کشیدیم. مسائل مختلف بسیاری که شاید چندین ماه قبل از بالا آمدن سایت از ما وقت گرفت. مثلاً درباره نام سایت شاید بیش از ۴ جلسه

گاه‌ها چند ساعته گپ می‌زدیم. پیدا کردن یک اسم خوب که تکراری نباشد و البته دامینش نیز آزاد باشد، بسیار سخت بود. در نهایت به اسم عقیق رسیدیم، چون در روایات داریم اولین سنگی که ولایت امر المومنین را پذیرفت عقیق بود، از سوی دیگر یکی از نشانه‌های مومن نیز عقیق است. من خودم همیشه می‌گفتم عقیق یک اسم گرافیکی هم هست، یعنی بلافاصله یک رنگ خاص را به ذهن می‌آورد که از همین رنگ هم برای طراحی قالب گرافیکی سایت بهره بردیم.

هیأت تیم اولیه راه اندازی سایت چه کسانی بودند؟

در بخش اجرا من بودم و آقای مهدی ملکپور که همین حالا به عنوان دبیر تحریریه سایت عقیق باهم همکاری هستیم، اما در بخش ایده و راهبرد سراغ یکی از دوستان بزرگوaram می‌رفتم که بسیار در حوزه رسانه صاحب نظر است و چند سالی است که توفیق همکاری با ایشان را در مجموعه‌های فرهنگی مختلف دارم. تقریباً نسخه اولیه با همکاری همین سه نفر بالا آمد. چند ماهی از فعالیت ما گذشت و به ایده‌های دیگری هم رسیدیم مانند آنکه برای راهنمایی

مخاطب یک نقشه هم در سایت داشته باشیم تا هیأت‌ها را روی نقشه جانمایی کنیم. از روز اول من تأکیدم بر این بود که بخش «هیأت کجا برویم» باید یک بخش کاربردی باشد، به همین دلیل به ایده نقشه رسیدیم. مدتی بعد هم آقای محسن اخلاقی که از دوستان قدیمی من است را هم به همکاری دعوت کردم و ایشان هم در طول یک سال همکاری کمک‌های بسیاری به ما کرد و حالا هم در سنگر دیگری به نام سایت وارث در این مسیر خدمت می‌کند. به هر حال از ابتدای سال ۹۱ عقیق به صورت طول چند ماه توانست جایگاه موثری در فضای هیأت‌های کشور پیدا کند.

هیأت آن اوایل با چه مشکلاتی روبرو بودید؟

در مسیر راه اندازی فراز و نشیب‌های بسیاری داشتیم. روزهای اول باید برای هیأتی‌ها توضیح می‌دادیم که عقیق چیست و قرار است چه کار کند؟ اساساً ورود یک رسانه به مجالس اهل بیت (ع) با واکنش‌هایی روبرو می‌شود؛ خاصه مجالس عزا که جنسش «بی‌ریایی» است و این را می‌توان از خاموش شدن چراغ‌ها فهمید.



▲ نقشه هیأت‌های تهران در سایت عقیق

ماهی ماهی / آرشو / جستجو / پرونده / نظرسنجی / خبرنامه / شبکه یوتیوب / ان و ...

AGHIGHIR

صفحه نخست | گزارش تصویر | آرشو گفت و گو | سرویس صوت | شعر آیینی | ثبت هیئات | استان ها

سید علی موسوی: مخلمی ولی فقیه هبیب

پروژه شده در: ۲۲ فروردین ۱۳۹۲ - ۱۸:۰۶

نفر یک

جشن میلاد حضرت زهرا(س) با سخنرانی، استاد حسین انصاریان برگزار شد
 غوغای حاج محسن طاهری و حاج احمد واعظی در حسینیه هدایت

فراسم جشن شام میلاد حضرت زهرا(س) با سخنرانی حجت الاسلام شیخ حسن انصاریان در حسینیه هدایت برگزار شد. در این مراسم که که با تلاوت قرآن توسط استاد کریم منصوری آغاز شد، حاج محسن طاهری و حاج احمد واعظی به مولودی خوانی پرداختند.

مستندی درباره
 سه دهه ارتباط صمیمی
 مداحان اهل بیت با رهبر انقلاب

آرشو صوت
 ۹۳ محرم

اینجا ببینید
 تهیه شده در موسسه فرهنگی عقیق
 AGHIGHIR

خیمه بر پا شده
 سامانه ثبت هیئات بر روی نقشه عقیق

بازگشت اعلان هیات
 برپای هیات خود را در این صفحه آپلود کنید
 تا در بانک بزرگ عقیق تعقیبی داده شود

تالیفات در عقیق

مداخاتی حاج سید مهدی میرداماد در هیئت تارالله قم

مداخاتی حاج سید مهدی میرداماد در هیئت تارالله قم

اختتامیه کنگره شعر فاطمی «شعده سال نور» برگزار شد

سرود / حاج محمدرضا طاهری و حاج احمد واعظی
 مبارزه دور گیلواره گ او ماه و یاد حضرت فاطمه الزهرا(س) / هیأت ستاره

ملک ایتزرمیلان در لباس احرام / عکس
 دعوت زائران «عمره» به بازخوانی روضه «توبه»
 معافیت جدید مجلس برای مساجد
 ماجرای مباحثه شیخ طوسی و محقق حلی
 نامه کارگردان «سردار» به سرلشکر سلیمانی
 مرحوم آقای آقی، افتخار جامعه مداحی بود
 پیام استاد انصاریان به هیئتی ها

آرشو | بروید | آرشو | بنمید | آرشو | بنمید

میلاد حضرت زهرا(س) هیئت گجا برویم؟ (20 فروردین به روز شد)

سرود / حاج محمدرضا طاهری و حاج احمد واعظی
 مبارزه دور گیلواره گ او ماه و یاد حضرت فاطمه الزهرا(س) / هیأت ستاره

روحیه فعالیت در هیات را داشتند هم پس از عقیق وارد گود شدند. از همان روز نخست که عقیق راه اندازی شد، برایمان قابل پیش بینی بود که این حوزه بکر خبری، در انحصار عقیق نخواهد ماند و به مرور رسانه های دیگر هم فعالیت های مشابهی را انجام خواهند داد. اصلا چه افتخاری از این بالاتر؟ قصد ما این است که شاعر حسینی روز به روز پررنگ تر شود و چه خوب خواهد شد که روزی عقیق، ده ها سایت مشابه داشته باشد. عقیق «نخستین» پایگاه خبری هیات ها محسوب می شود، اما یقینا دیگر «تنها» سایت خبری در این حوزه نیست. امروز بسیاری از خبرگزاری های، هیات رابه مثابه یک سرویس خبری مهم می دانند و به شکل جدی اخبار محافل مذهبی را پوشش می دهند و خدا را شکر امروز خودمان را در این عرصه تنها نمی بینیم، چرا که هر کدام

مانند عقیق وارد این حوزه شدند، نظر شما در این باره چیست؟

بینید! پس از فعالیت سایت عقیق در هیات ها، اتفاقی افتاد که من فکر میکنم یک کشف مهم در حوزه رسانه بود چون حوزه خبری و رسانه های هیأت کشف شد. می دانیم که رسانه ها سرویس بندی دارند، مثلاً فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، ورزشی و ... خیلی جاها تخصصی تر می شوند و به زیر شاخه ها هم بها می دهند. ما به این نتیجه رسیدیم که هیأت یک حوزه رسانه ای است که جامع همه موارد است، هم محتوا دارد و هم حتی می توان نگاه ژورنالیستی داشت. مدتی گذشت و چند تا از خبرگزاری ها به ما پیشنهاد دادند که ما می خواهیم سرویس هیأت راه بیندازیم. البته این یک محدودیت هایی داشت و در اجرا به توفیق نرسیدند، اما طبیعتا برخی رسانه ها که

اما همه اینها به مرور زمان حل شد و خدا را شکر امروز بیشتر مجالس کوچک و بزرگ و جاهت فعالیت رسانه ای چون عقیق را پذیرفته اند و به همین دلیل است که استقبال از این سایت روز به روز بیشتر می شود. از سوی دیگر خودمان هم برای جمع آوری اطلاعات و راه اندازی ساز و کار تهیه محتوا با موانعی روبرو بودیم. ما با بچه هایی این کار را شروع کردیم که با نیت جهادی وارد کار شدند. بچه های ما در آن اوایل، راه می افتادند در خیابان ها تا با موبایل عکس بگیرند و این «هیأت کجا برویم؟» را درست کنند. این مسئله ای که الان خیلی ساده شده به این سادگی شکل نگرفته، بلکه با یک پروسه زمان بر و بسیار سخت شروع شده است.

هیأت امروز رسانه های دیگری هم

از آنها پرچم دیگری از مجالس سیدالشهدا هستند و عقیق وظیفه خودش را حمایت از آنها می‌داند. البته یک نکته دیگر را هم باید در این بحث بگویم. من فکر می‌کنم رسانه هیأت خودش چند شاخه دارد، ما الآن چند نوع رسانه هیأت داریم، یک وقت از رسانه مکتوب صحبت می‌کنیم مثل خیمه و مجله هیأت که یک نگاه آئینی و مناسکی دارد. اما یک موقع درباره فضای مجازی صحبت می‌کنیم که احتمالاً قرار نیست به اندازه یک مجله عمق داشته باشد، یعنی جنسش اقتضا میکند و طبیعتاً دایره مخاطبانش بیشتر می‌شود. اینجا دیگر ممکن است مخاطب غیر هیأتی هم بیاید داخل سایت و صدای حاج منصور را هم داند و گریه کند و برای ما هم کامنت بگذارد که ما نمونه هایش را دیده ایم، می‌خواهم بگویم وقتی نوع مواجه شدن با مخاطب اینطوری باشد حتماً اشخاص می‌آیند که یک استفاده‌ای کنند. فکر می‌کنم که این حوزه حوزه‌های است که پاسخگوی همه نیازها می‌تواند باشد، چون که هیأت با همه کار دارد و رسانه‌اش هم می‌تواند با همه کار داشته باشد.

هیأت چرا برخی رسانه‌ها نتوانستند پس از شما در این حوزه فعالیت کنند؟

فکر می‌کنم رسانه باید آداب ورود به هیأت را بداند. یعنی قداست این ساحت و انتظارات این محیط را بشناسد و بعد وارد شود. رسانه‌ها نگاهشان وقتی رسانه‌ای است احساس می‌کنند که استاد یوم با هیأت هیچ فرقی نمی‌کند. بعد وارد می‌شوند و نمی‌دانند که باید چکار کنند چون که با فضا آشنا نیستند. رسانه‌ای می‌تواند وارد این محیط شود که این آداب را بشناسد و جنس هیأت را بداند، برای همین است که خیلی از رسانه‌ها با بودجه‌ای که داشتند آمدند و در این فضا سرمایه‌گذاری کردند و تبلیغ کردند؛ ولی به دو ماه نکشید که تعطیل شد، یا خودشان متوجه شدند که هیأت نسبت به رسانه گارد عجیبی دارند.



هیأت در آماده سازی مطالب سایت تا چه اندازه به محتوا و معارف اولویت می‌دهید؟

سعی مان همیشه بر این بوده که از محتوا دور نشویم، یعنی همین خلاصه منبرهایی که الان منتشر می‌کنیم شاید خیلی کلیک خور نباشد و واقعاً هم کار سختی است پیاده کردن آن‌ها ولی سعی میکنیم که به هیچ وجه محتوا را فدا نکنیم. ما گزارش تصویری هایمان را داخل متن می‌گذاریم، یعنی مخاطب ابتدا از محتوا عبور کند.

در مسیر راه اندازی فراز و نشیب های بسیاری داشتیم.

روزهای اول باید برای هیأتی‌ها توضیح می‌دادیم که عقیق چیست و قرار است چه کار کند؟ اساساً ورود یک رسانه به مجالس اهل بیت (ع) با واکنش‌هایی روبرو می‌شود؛ خاصه مجالس عزاکه جنسش «بی‌ریایی» است و این را می‌توان از خاموش شدن چراغ‌ها فهمید

هیأت فکر می‌کنم اوایل فعالیت هیأتان به شما برچسب می‌زدند که قصد دارید فعالیت سیاسی کنید، درست است؟

بله و این بسیار آزار دهنده بود. فارغ از گاردهایی که در هیأت‌ها نسبت به ما بود، دوسه تا انگ آن اوایل به ما می‌زدند که شما وابسته به فلان جا هستید و بودجه تان از فلان سازمان می‌آید یا کار تبلیغاتی برای انتخابات می‌کنید و... در صورتی که ما از ابتدا مستقل بودیم و هستیم. اتفاقاً یکی از آقایانی که به ما نزدیک بود می‌گفت که اینها از شهرداری بودجه می‌گیرند، به او گفتم که شما من را می‌شناسید من در همشهری آیه سردبیرم؛ آنجا زیر نظر شهرداری است و هیچ باکی هم از گفتنش ندارم. اما در عقیق دارم کار خودم را میکنم و هیچ وقت از شهرداری برای عقیق پول نگرفته‌ام. بعد از گذشت دو سه انتخابات برای همه معلوم شد که ما کار سیاسی نمی‌کنیم و زمان مسائل را حل کرد.

هیأت امروز هزینه‌های سایت شما چطور تامین می‌شود؟

در این مدت با افرادی آشنا شده‌ایم که

ویات برنامه‌تان برای آینده چیست؟
ما وارد یک اقیانوسی شدیم که خودمان
پیش‌بینی نمی‌کردیم اینقدر جای کار
داشته باشد. شاید امروز تمام کارهایی
که کردیم، نصف آن افقی که می‌بینیم



راستش را بخواهید، هر چه پیش می‌رویم، حوزه فعالیت عقیق بیشتر می‌شود. امروز می‌توان عقیق را به اندازه چند سایت خبری فعال، وسعت داد. انشأً خلاصه منبرها، گزارش‌های تصویری از هیات، جمع کردن

من معتمد که رسانه هیأت مثل هیأت باید مستقل باشد و اگر هم قرار است کسی کمک کند به هیچ وجه نباید این نگاه را داشته باشد که دخالتی در این جریان نکند. برای ما پیش آمده که افراد سرشناسی در هیأت با عنوان حمایت از جریان فرهنگی هیأت خواسته اند به ما پول بدهند، اما ما می دانستیم این آقا بعدها در این زمینه ذی نفع است و فردا می خواهد اعمال نظر کند. به همین دلیل به هیچ وجه از آنها پولی نگرفتیم چون استقلال سایت ما فروشی

نیست. همین‌الآن اگر بخواهم بشمارم شاید واقعاً ۱۰ ایده جدید در این فضا دارم، اما اولین کار ما این است که کار فعلی مان را با توجه به بضاعت‌های مالی و شرایط خاص خودمان به یک ثباتی برسانیم. یعنی مخاطب دیگر بداند اگر الان دهه اول محرم نزدیک است، می‌تواند مراجعه کند به جدول ما و اطلاعات بگیرد. اما قطعاً بحث توسعه فعالیت‌ها هست. مثلاً حوزه شعر آئینی یکی از ارکان هیأت است، البته در این حوزه چندتا سایت فعالیت می‌کنند و ما هم مدتی است که وارد این بحث شدیم. در ابتدا می‌خواهیم بیشتر این فضا را درک کنیم و بعد بیاییم جدی‌تر به شعر آئینی بپردازیم. به نظر واقعاً جا برای کار خیلی زیاد است و این موضوع رسانه هیأت آنقدر بکر و دست نخورده بوده که اگر ۱۰ سایت دیگر هم راه بیفتند می‌تواند در این زمینه کار کند. خیلی‌ها به ما می‌گویند که شما برنامه‌تان چیست؟ حقیقتش این است که من فکر می‌کنم که هیأت‌الآن می‌تواند یک سایت جامع بسیار بزرگ و پویا داشته باشد و همه کارها در آن انجام شود، اما همه کارهای خوب دنیا را قرار نیست ما انجام دهیم، می‌خواهم بگویم که همه این کارها خوب است اما ما ظرفیت‌مان یک حدی دارد. خیلی دغدغه داریم که یک ظرفیتی ایجاد شود تا بتوانیم وارد حوزه‌های جدید بشویم. زورمان، پولمان، جانمان، تا امروز به اینجا رسیده. ایده‌های خوب زیادی داریم اما اینها توان، انرژی و ظرفیت می‌خواهد که هنوز به آن نرسیده ایم.

هیأت اما با این حال چه برنامه‌هایی برای توسعه فعالیت عقیق دارید؟

ما در حال حاضر در حال آماده‌سازی دو سایت دیگر هستیم که در دل عقیق بالا می‌آید و فعالیت می‌کند؛ اول «عقیق راهنما» این سایت یک سامانه جامع برای همان بخش هیأت کجا برویم است. یعنی فرم‌های کاملی برای هیأت‌ها در نظر گرفتیم تا بیايند و برنامه‌های سالیانه

سعی مان
همیشه بر این بوده
که از محتوا دور نشویم، یعنی
همین خلاصه منبرهایی که الان
منتشر می‌کنیم شاید خیلی
کلیک خور نباشد و واقعاً هم کار
سختی است پیاده کردن آن‌ها
ولی سعی میکنیم که به هیچ
وجه محتوا را فدا نکنیم

خود را اعلام کنند و برنامه‌ها بدون معطلی به جدول اضافه می‌شود. سامانه نقشه نیز در این بخش تعاملی شده و هیأت‌ها خودشان باید روی نقشه، پرچم هیأت‌شان را نصب کنند و ما فقط تایید می‌کنیم. این سایت بر روی دامنه rahnama.aghigh.ir هم اکنون فعال است و پس از فعالیت آزمایشی رونمایی رسمی خواهد شد. دومین سامانه نیز عقیق تی وی است که با نشانی tv.aghigh.ir هم اکنون بالا آمده و به عنوان پایگاه اختصاصی اشتراک ویدئوی هیأت فعال شده است. اهل فن می‌دانند که راه اندازی سایت اشتراک ویدئو نیاز به زیرساخت‌های بسیار قوی و پهنای باند بالا دارد که به لطف امام حسین (ع) توانستیم آن را فراهم کنیم. البته تا کنون تبلیغ چندانی برای معرفی این دو سامانه نکرده‌ایم و ان شاءالله بزودی هر دو را رونمایی رسمی خواهیم کرد.

هیأت مستند شرح مدح که توسط سایت عقیق ساخته شده بود، از رسانه ملی پخش شد. درباره آن مستند هم توضیحاتی بدهید.

فکر می‌کنم این مستند تا کنون خیلی‌ها دیده‌اند و احتمالاً دریافته‌اند که حرف اصلی آن مستند نقش رهبر انقلاب در تعیین راهبرد هیأت‌ها بود. حدود ۳ ماه

فعالیت فشرده برای آن کار انجام شد و انصافاً همکارانم از دل و جان مایه گذاشتند. خدا را شکر بازتاب‌هایی که از این کار داشتیم به شدت مثبت و امیدوار کننده بود و سعی خواهیم کرد حتماً در قالب موسسه عقیق علاوه بر سایت در این حوزه‌ها نیز فعالیت جدی داشته باشیم، اما در این مدت خیلی‌ها از من پرسیده‌اند که مداحانی که در این مستند با آنها گفت‌وگو شد با چه معیاری انتخاب شدند. ما سعی کردیم از هر قشر و دسته‌ای یک نماینده را انتخاب کنیم. مثلاً از طیف مداحان پیشکسوت که به جامعه مداحان سنتی کشور تعلق دارند استاد سازگار انتخاب شد. از مداحان شناخته شده و شهر کشور که چهره رسانه‌ای تری دارند، سراغ حاج محمد رضا طاهری رفتیم. از مداحان جوان که به فرموده آقا رویش‌های این حوزه هستند سراغ آقای میثم مطیعی رفتیم. از شهرستانی‌ها استاد کلامی زنجانی را انتخاب کردیم و در نهایت حاج منصور ارضی به دلیل آنکه سال‌ها مداح اصلی بیت رهبری بود، در این مستند حضور داشتند. اما هیچ کدام از این افراد قهرمان فیلم ما نبودند. سوژه و محور اصلی رهبر انقلاب بود و به توجه به تاییم فیلم مجبور بودیم سراغ افراد محدودی برویم که این عزیزان انتخاب شدند.

هیأت در پایان اگر نکته‌ای دارید، بفرمایید.

حرف آخر اینکه از مخاطبان هیأتی مجله شما می‌خواهم که برایمان دعا کنند تا در این مسیر مقدس، پایمان نلغزد و از جاده تقوا خارج نشویم. خودمان خوب می‌دانیم که کار امروز ما نواقصی دارد و باید به مرور زمان برطرف شود، حتماً ارزیابی‌مان کنید، اشکالاتمان را بگویید که بسیار نیازمند نگاه تیزبینانه مخاطبان فهیم هیأتی هستیم.

هیأت متشکرم از وقتی که به ماهنامه هیأت دادید و برایتان آرزوی موفقیت می‌کنم.

■ گفتگو: محمدزاهدنیا

هیات به عنوان اولین سوال خودتان را معرفی کرده و بفرمایید که چند شهید در راه اسلام و انقلاب تقدیم کرده اید؟

بسم الله الرحمن الرحيم. این جانب حسینعلی برات سرمدی، پدر سه شهید به نام های محمود، منصور و غلامرضا بیات سرمدی هستم. البته جنازه منصور هنوز پیدا نشده و مفقود الاثر می باشد. در زمان جنگ از ۷ پسر، پنج تن از آنها به نام های: منصور، محمود، غلامرضا، ناصر و مسعود در جبهه های جنگ حضور فعال داشته و در بسیاری از عملیات هادر کنار هم بودند.

هیات از آقا منصور تا به الان خبری نشده؟ شما چه تلاش هایی برای یافتن پسر مفقود الاثر تان کردید؟

منصور سال ۶۱ در عملیات رمضان مفقود الاثر شد. زمانی که خبر مفقودیش را به ما دادند، حدوداً ۱۷ سالش بود. پس از گذشت سالها از خبر مفقودی منصور؛ سال ۷۲ با ما تماس گرفته شد تا برای شناسایی منصور به معراج شهدا برویم. من همراه با حاج خانم به معراج شهدا رفتم ولی بلافاصله پس از رویت تابوت، حاج خانم گفتن که این جنازه منصور من نیست. همان موقع بنده عرض کردم که در تابوت به جز تکه های استخوان که چیزی وجود ندارد! روی چه حساب چنین حرفی می زنی؟ به من گفت: من جنازه پسر را می شناسم و این جنازه منصور من نیست. خلاصه با اصرارهای بنده، ما جنازه را تحویل گرفته و دفن کردیم. همان شب که جنازه را دفن کرده بودیم، منصور به خواب یکی از عروس هایمان آمده و با لبخندی گفت: آن جنازه ای که دفن کردید من نبودم. حدوداً تا دو سال منصور به خوابمان آمده و تاکید می کرد که به دنبال من برگردید و مرا پیدا کنید.

هیات شما در این مدت دو سال چه کار کردید؟

من به این فکر افتادم که به سراغ نامه های منصور بروم. در همین حین نامه و پلاکی



گفت و گو با پدر شهیدان سرمدی (پدر دو شهید و یک مفقود الاثر):

غلامرضا از شهادت خود خبر داشت

از کوچه پس کوچه های نازی آباد عبور کردیم تا به یک خانه نسبتاً قدیمی رسیدیم. در کنار درب خانه پیرمردی به رسم ادب ایستاده منتظر ما بود. حاج آقای بیات سرمدی، پدر دو شهید و یک مفقود الاثر که در طول مصاحبه بیان شیرین و خودمانی داشت و بدون تکلف سخن می گفت. حاج آقای قصه ما، دوبار به دیدار خصوصی رهبر معظم انقلاب رفته و تنها دغدغه اش در حال حاضر بد حجابی و بی بندوباری های موجود در جامعه می باشد.

که تحت عنوان پلاک منصور به ما داده شده بود را به چند تن از فرماندهان سپاه نشان داده و پرس و جو کردم که آیا می توان متوجه شد که پلاک متعلق به چه سالی است؟ به من گفتند که حدوداً می توان تشخیص داد. از آن جایی که در این پلاک اسم لشکر خورده است، این پلاک متعلق به سال های پس از ۶۵ می باشد، چراکه تا قبل از این سال هنوز لشکری در سپاه و ارتش وجود نداشت. خب ما تعجب کردیم، چرا که منصور در سال ۶۱ مفقود الاثر شده بود. خیلی پیگیری کردم تا این تناقض را درک کنم. در آخر با پیگیری ها مداوم متوجه شدم که بنده خدایی که مسئول پیگیری مفقودالاثرها در معراج شهدا بوده برای خوشحالی دل ما، اسامی را تغییر داده و تحت عنوان منصور جنازه را به ما تحویل داده بود.

هیات پس از اینکه موضوع را متوجه شدید، چه واکنشی نشان دادید؟

البته قبل از هر چیزی این نکته را متذکر شوم که حاج خانم، بعد از مشاهده جنازه متوجه این ماجرا شده بود. با اینکه جنازه را دفن کرده بودیم به همگی می گفت که این جنازه پسر من نیست. پس از اینکه متوجه شدیم اسامی را تغییر داده اند، من به معراج شهدا رفته و از مسئولین آن جا خواستم که اسم منصور را در لیست مفقودالاثرها به صلیب سرخ بدهند، تا دوباره به دنبالش بگردند.

پس با این اوصاف آقا منصور هنوز پیدا نشدند؟

خیر، هنوز که خبری نشده است. البته گویا جدیداً می خواهند از ما تست دی ان ای بگیرند تا در صورت شناسایی جنازه ها بتوان آنها را تطبیق داد. البته این قرتی بازی ها را من قبول ندارم (همراه با خنده) چرا که اگر منصورم شناسایی شود، خودم می



تصویر منصور که به گفته پدرش در زمان جنگ، آرپی جی زن بوده است

توانم تشخیص بدهم و نیازی به تست و این حرف ها نیست.

هیات حاج آقا، زمانی که خبر مفقودالاثر شدن منصور را برایتان آوردند، غلامرضا و محمود شهید شده بودند؟

نه هنوز برادرانش در جبهه می جنگیدند. با این سوال، یعنی به طور کامل نحوه شهادت محمود و غلامرضا رو توضیح ندهم؟ (همراه با خنده)

هیات خیر حاج آقا. بفرمایید نحوه شهادت محمود و غلامرضا چگونه بوده؟

اول از همه نحوه حضور غلامرضا را در جبهه توضیح می دهم. غلامرضا در دوران راهنمایی تحصیل می کرد. یک روز، نامه ای سفید برای من آورده بود که امضایش کنم، به من گفت نامه حضور به بسیج بوده، من به غلامرضا گفتم، این نامه که چیزی داخلش نوشته نشده، پاسخ داد: فرمانده بسیج از دوستان نزدیک من هستش، شما

امضا کنید، بعداً نوشته ها را اضافه می کنم. خلاصه ما بعداً متوجه شدیم که نامه به منظور سه ماه دوره آموزشی جهت اعزام به جبهه ها بوده، وقتی از آموزشی برگشت می خواست به جبهه ها برود. خب طبیعتاً به خاطر سن کمش اجازه حضور به جبهه ها نمی دادن، به همین منظور بعدها متوجه شدیم که با کپی شناسنامه برادر بزرگترش (یوسف) اعزام شده بود. البته این نکته را هم اضافه کنم که غلامرضا قد بسیار بلندی داشت، به همین منظور کمتر کسی به پایین بودن سنش جهت حضور در جبهه ها دقت می کرد.

پس از عملیات کربلای ۵ که اکثر پسر ها با هم در جبهه حضور داشتند، به منظور عید نوروز همگی به منزل برگشتند. گویا غلامرضا در کربلای ۵ ترکش خورده بود، ولی به ما چیزی نمی گفت، وقتی از او پرسیدیم چرا لنگ می زنی؟ پاسخ داد که از ماشین افتادم و پام پیچ خورده است. غلامرضا، پول عیدی هایی که در نوروز جمع کرده بود، برای بازدید از بیمارستان جانبازان خرج کرد. غلامرضا، تنها شهید خانواده ما بوده که قبل از حضور در جبهه از شهادت خود با خبر بود. غلامرضا خواب دیده بود که همه در یک زمین فوتبال در حالی بازی کردن هستند و اجازه حضور وی را به بازی نمی دهند، نهایتاً در انتهای بازی به او خبر رساندند که می تواند وارد زمین شده و فوتبال بازی کند. فردای آن شب متوجه این امر شد که همه افرادی که در حال فوتبال بازی کردن بودند شهید شده اند به جز غلامرضا! به همین منظور مطمئن شده که در عملیات بعدی شهید می گردد.

در همین راستا وصیت نامه خود را قبل از اعزام به جبهه نوشته و به یکی از بچه های پایگاه مسجد می دهد تا پس از شهادتش به ما برساند. در همان وصیت نامه ذکر کرده

چگونه گذشت و چه فعالیت هایی داشتند؟

همه پسران من (چه آنهایی که جبهه رفته و چه جبهه نرفته ها) دوران کودکی و نوجوانیشان در مساجد و هیأت را می گذشت. در واقع تحت مکتب امام حسین (ع) در مساجد رشد پیدا کردند. همین آقا محمود ما، از ۷ سالگی هم مکبر و هم موذن مسجد ابوالفضل جوادیه بوده و در اکثر قرائت های قرآن شرکت می نمود.

هیأت اجازه دهید به زمان حال برگردیم. به نظر شما چرا پس از گذشت سالها از دوران دفاع مقدس، آن خلوص نیت و پاکی میان مسئولین و فرماندهان جنگ فراموش شده و در حال حاضر هر روز شاهد خبری از تجمل گرایی ها، اختلاس ها، رشوه ها و... توسط برخی مسئولین ذی ربط در رسانه ها هستیم؟

یک جمله معروفی این مداح ها و سخنران ها دارند که همیشه در ذهن من حک شده است. می گویند: زمانی که شما ۴۰ شب، نماز شب بخوانید دیگر نمی توانید آن را ترک کنید. چون این نماز شب و آثارش، جزوی از وجودتان شده است. پیرامون مفاسد اقتصادی و تجمل گرایی و غیره نیز همین گونه می باشد. در واقع زمانی که شما مسئولیتی یا مدیریتی را قبول کرده و در جایگاه خود کوچک ترین پول حرامی را به خانه می برید، به مرور زمان این پول ها جزوی از وجود شما می گردد و به آن عادت کرده و حق مسلم خودتان می دانید.

اینکه مشاهده می کنیم در رسانه ها اخباری پیرامون مفاسد اقتصادی مطرح شده به دلیل کاهش معنویت در میان مسئولین و عادت به پول هایی است که با ذهنیتی نادرست حق مسلم خود می دانند.

هیأت شما به عنوان خانواده ای که فرزندانان را در راه نظام انقلاب فدا کرده اید، با مشاهده مفاسد اقتصادی و یا گرانی هایی که وجود دارد، نسبت به انقلاب ناامید نشده اید؟



کتاب های شهید مطهری صفحه فلان ذکر شده و من این کتاب ها را مطالعه کرده بودم. خلاصه مسئول گزینش اقناع شده و محمود به جبهه ها اعزام شد. اینقدر علاقه به تحصیل در این پسر وجود داشته که اوایل ترم دانشگاه در رشته الهیات، کتاب ها را تهیه کرده و پایان ترم به دانشگاه جهت امتحان بر می گشت.

هیأت یعنی در طول جنگ کتاب ها را مطالعه می کرد؟

بله، هر زمان وقت آزادی در جبهه ها نصیبش می شد، به مطالعه می پرداخت. البته محمود به دلیل سطح معلومات بالایی که داشت در جبهه ها وظیفه هایی همچون تبلیغات مبانی دینی نیز بر عهده داشته است. نهایتاً هم در یکی از عملیات ها به نام ماهوت که وظیفه ضبط صدای توپخانه دشمن را بر عهده داشته، با برخورد یکی از توپ ها به محل اسکان محمود به مقام شهادت نائل گردید. البته آن طور که هم رزمان محمود تعریف کرده اند، وی در ۱۷ بهمن ۶۶ زخمی شده و در ۲۷ بهمن ماه، به دلیل وخامت شدید در ۲۵ سالگی دار فانی را وداع گفت. اینم قصه آخرین شهید خانواده بیات سرمدی بود.

هیأت حاج آقا شما صرفاً به زندگی آقا پسر ها در دوران جبهه و جنگ پرداختید. دوران کودکی و نوجوانی فرزندان حسینعلی بیات سرمدی،

که من آخرین اعزام به جبهه ها بوده و شهید خواهم شد. در نهایت غلامرضا در عملیات کربلای ۸ در شلمچه، درست زمانی که ۷ روز به ۱۴ سالگیش مانده بود، در سال ۶۲ به مقام رفیع شهادت رسید. خبر شهادت غلامرضا را سه نفر از اهالی جوادیه برای من آوردند، ابتدا گفتند که یکی از پسرات زخمی شده، ولی من باور نکرده و گفتم دروغ می گویند؛ شهید شده است. مادرش خواب دیده یکی از پسرانمان را از دست داده ایم.

هیأت گویا آخرین شهید خانواده سرمدی، آقا محمود بودند. ایشان چگونه شهید شدند؟

بله. محمد بزرگترین پسر من بود که به این مقام رفیع نائل گردید. محمود از زمانی که سپاه افتتاح گردید، اسم نویسی کرد تا تحت لوای سپاه به جبهه ها اعزام شود. ابتدا گزینش سپاه، محمود را جهت حضور در این ارگان رد کرده بود. محمود به منظور اعتراض به محل گزینش سپاه رفته و علت را جویا شد. مسئول گزینش به اون گفت: ما سوال هایی پیرامون گروه فرقان در مرحله گزینش از شما پرسیدیم و اکثر سوال ها را به طور کامل جواب دادید. پاسخ دقیق این سوالات را از کجا می دانستید، مگر اینکه خودتان جزو این گروه فرقان باشید؟! محمود به مسئول گزینش پاسخ داد که نوشته های من در

اتفاقا گاهی مردم توی بازار و خیابان به من می گویند مثلاً پرتقال یا مرغ هر روز گران تر شده و شما آن زمان فرزندان را بیهوده به جبهه ها فرستادید. به واقع آنها درک صحیحی از علل حضور رزمندگان به جبهه ها ندارند. فرزندان من و خود شخص حسینعلی برات سرمدی فقط و فقط جهت حفظ و اعتلای نظام مقدس جمهوری اسلامی و لبیک به فرمان امام خمینی (ره) وارد وادی جنگ و جهاد شده اند. یک زمانی ما حق وحوش به آمریکایی ها پرداخت می کردیم و در حال حاضر آنها سعی در مذاکره با ما می باشند. ما از ذلت به عزت رسیده ایم، این عزت کسب شده به خاطر خون شهدایی است که جان خود را فدا کرده اند. ببینید ما نیز انتقاداتی جهت بهبود وضع اقتصادی مطرح می کنیم ولی نه اینکه به طور کلی نا امید بشویم. اتفاقا بنده در دیدار خانواده های شهدا با رهبر معظم انقلاب برخی از انتقادات در حوزه اقتصادی را مطرح کردم.

هیات پس شما دیدار نسبتاً خصوصی هم با رهبری داشتید. این دیدار در چه سالی بوده و چه خاطره ای از آن زمان ها دارید؟

به لطف الهی خانواده برات سرمدی دوبار به دیدار رهبری رفته است. اولین بار سال ۸۴ در هنگامه انتخابات ریاست جمهوری (زمان ریاست جمهوری آقای خامنه‌ای) در بیت رهبری به دیدار ایشان رفتیم. در صف انتظار برای صحبت با رهبری بودیم که حاج خانم به بنده گفتند: حسینعلی حرف های تندی به آقایان ما داشت. ایشان همه چیز را می دانند. من گفتم حاج خانم یک سری مسائل هستند که بنده وظیفه خود دانسته مطرح کنم و اگر نکویم در آن دنیا باید جواب پسران شهیدم را بدهم. خلاصه وقتی که شرف یاب شدیم؛ به آقا گفتم: آقا جلوی این بی بندو باری ها را بگیرید! ببینید چه بلایی بر سر دختران ما می آوردند، ببینید چه پوششی دارند؟! این اولین موضوعی بود که برای حضرت آقا عنوان نمودم. دومین مساله نیز تورم بود، گفتم: این مسئولین

فعلی در حالیکه تورم ۲۰ درصد است، فقط حقوق ها را ۱۰ درصد افزایش می دهند. لطفا رسیدگی کنید.

هیات مقام معظم رهبری چه جواب هایی دادند؟

آقا با لبخندی پیرامون مسائل اقتصادی گفتند چشم. پیرامون بی بندوباری نیز فرمودند دعا بفرمایید مسئولین مومن و انقلابی بر مسند ریاست قرار بگیرند.

هیات دومین دیدار شما با رهبری در چه سالی صورت گرفت؟

دومین دیدار سال گذشته بوده که توسط حاج آقای رحیمیان به منظور دیدار با رهبری معرفی شدیم. ماشین فرستادن درب منزل ما و این بار خانه خود مقام معظم رهبری حضور پیدا کردیم. در واقع دیدار دوم کمی خصوصی تر بود. به خوبی یاد دارم که دومین نفر به منظور صحبت با آقا بودم. گفتم عرض کوچکی دارم، شما سکاندار کشتی دین و نظام جمهوری اسلامی هستید، خواهش می کنم مراقب این وزرای دولت جدید باشید، آقا باخنده ای پاسخ فرمودند چشم.

هیات چرا پیرامون وزرای دولت



از راست به چپ منصور، غلامرضا، محمود بیات سرمدی

حساس شده بودید؟

خب بنده احساس می کردم برخی منتصبین در وزارتخانه ها، سابقه خوبی نداشتند و حتی در فتنه حضور داشته اند.

هیات حاج آقا به فتنه ۸۸ اشاره کردید، به نظر شما چرا رهبر معظم انقلاب پس از فتنه ۸۸ پیرامون خواص بی بصیرت به سخنرانی پرداختند؟

ببینید. به نظر من همه اتفاقات در فتنه ۸۸ هماهنگ شده بوده، یعنی کشورهای خارجی با برخی از رجال سیاسی ارتباط گرفته و از طریق این افراد در میان مردم نفوذ پیدا کردند. در واقع هدف این کشورها براندازی نظام جمهوری اسلامی بوده است. این کشورها برنامه ریزی دقیقی کرده و هزینه های زیادی بدین منظور صورت داده و متأسفانه برخی مسئولین سابق کشور هم در این زمینه همراهی کرده اند.

هیات خیلی ممنون جناب سرمدی که وقت خود را در اختیار ما قرار دادید. به عنوان آخرین سوال شما چه انتظاری از مسئولین در حال حاضر دارید؟

فقط جلوی بی بندو باری ها را بگیرید. والسلام



سلسه مباحث اخلاق آیت الله حائری شیرازی؛

عاقبت قرآن بدون اهل بیت (علیهم السلام)

آیا می خواهید ببیند چه کسی اخسرين اعمال است و بیش تر ورشکسته است؟ کسانی که در دنیا کار می کنند و فکر می کنند که کار خوبی انجام می دهند. این ها عملشان به آخرت منتقل نمی شود. «الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» گمراه شده معیشان در حیات دنیا «وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا» خیال می کنند که دارند کار خوب می کنند الان مثلاً داعش می گوید ما بیست هزار اروپایی را مسلمان کرده ایم. آن هم مسلمان جان

تکفیری قرآن را بدون اهل بیت (ع) معنا می کنند. قرآن کریم را گشوده اند عالیشان هم هر چه از قرآن فهمیده بدون این که با اهل بیت (ع) ارتباطی برقرار کنند عمل می کنند، جان بر کف هم عمل می کنند خیال می کنند که کار خوبی انجام می دهند و خیال می کنند که جز خودشان همه بر باطل و حق همین است که خودشان عمل و فکر می کنند قرآن هم می گوید: «الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا»

السلام علیکم جمیعاً و رحمه الله اعوذ بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم، بسم الله الرحمن الرحيم و صلى الله على محمد و آل محمد و اهل بيته الطيبين الطاهرين. به مناسبت شهادت حضرت زهرا (س) بحثی را داشتیم که وارد موضوع ولایت و محبت شدیم و گفتیم قرآن منهای اهل بیت (ع) و قرآن با اهل بیت (ع) هریک کاربرد جداگانه دارند.

جایگاه اهل بیت (ع) را در قرآن بررسی کنید. امروز هم می بینید که گروه های

بر کف که برای اسلام کشته می‌شود شما چند نفر را مسلمان کرده‌اید؟ این توهّمات را دارند از اول حضرت محمد (ص) فرمود «انی درک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی» دو چیز گرانبها را بین شما به یادگار گذاشتم، کتاب خدا و خانواده‌ام، عترم جبرئیل هم به من گفت «انهما یفترقا حتی یردا علی الحوض» کتاب و اهل بیت (ع) از هم جدا نخواهند شد تا بر حوض کوثر به هم ملحق بشوند. کسانی هم که با اهل بیت (ع) همراه نیستند با قرآن همراه نخواهند شد. ممکن است حافظ قرآن هم باشند اما همراه قرآن نیستند. حجاج بن یوسف حافظ کل قرآن بود. او می‌خواست روز عید قربان یحیی بن یعمر را به جای گوسفند و گاو و شتر به جرم این که گفته بود امام حسن و امام حسین (ع) ذریه پیغمبرند قربانی کند. می‌خواست روز عید قربان این بنده خدا را برای رضای خدا سر ببرد. چون گفته بود حسن و حسین (ع) ذریه پیغمبرند. شعبی می‌گوید: من گفتم اگر شتر و غیره را قربانی کنی بهتر است - چون به او گفته بود بیا قربانی من را امروز ببین - ایشان گفت: متوجه شدم می‌خواهد یک شیعه را بکشد، گفتم امیر اگر طبق سنت عمل کنید، شتر، گاو یا گوسفند بهتر نیست؟ گفت: تو اول حرف‌های او را بشنو بعد اظهار نظر کن. در گوشی به من گفت بعد دستور داد یحیی را بیاورند. او را آوردند. به او گفت: «انتم زعیم اهل العراق» آیا تو عراقی‌ها را رهبر هستی؟ قال لا انا فقیه گفت: نه من فقیه آنها هستم، مسائل را از من می‌پرسند و من جواب می‌دهم گفت «من فقهک انک تزعم ان الحسن و الحسین من ذریه رسول الله؟» آیا این از فهم و فقه توست که می‌گویی حسن و حسین (ع) ذریه پیغمبر (ع) هستند؟ مگر نمی‌دانی ذریه از ناحیه پدر است نه از ناحیه مادر. این‌ها پسر دختر پیغمبرند. این که به یحیی گفته بود «نزع» خیال می‌کنی؟ حال ببینید یحیی در حالی که زیر پایش سفره چرمی

امروز

هم می‌بینید که
گروه‌های تکفیری قرآن را
بدون اهل بیت (ع) معنا می‌کنند.
قرآن کریم را گشوده‌اند
عالمشان هم هر چه از قرآن
فهمیده بدون این که با اهل بیت
(ع) ارتباطی برقرار کنند عمل
می‌کنند

و بالای سرش سیاف = شمشیرزن، آدم قوی بازویی که با یک ضرب سر او را قطع می‌کند در جایگاه حکومت هم حجاج بن یوسف نشسته که اگر با اشاره ابرو بگوید کار را تمام کن او سر را جدا می‌کند. غل و زنجیر هم به گردش است گفت تو خیال می‌کنی حسنین ذریه پیغمبرند! یحیی بن یعمر گفت: «ما ... ذلک بل اقولہ حقاً» من که خیال نمی‌کنم که حسن و حسین (ع) ذریه پیغمبرند اعتقاد حقیقی من این است. این‌ها را خدا دوست می‌دارد. «کلمه حق عند امام جائز» بیش‌ترین ثواب از آن حرف حق در مقابل یک پیشوای ظالم است. او گفت خیال می‌کنی؟ گفت خیال

کسی به

امام گفت محبین
شمارا دیده‌ام کسی را که زنا و
شرب خمر می‌کند آیا می‌توانم
بگویم او فاسق است؟ گفت نه.
گفت: پس چه بگویم؟ گفت: بگو
عمل او زشت است ولی خودش
آدم خوبی است. خوب بودن به
محبت است

نمی‌کنم بلکه اعتقاد حقیقی‌ام این است. گفت از کجا می‌گویی؟ «من این تقول ذلک؟» قال: «من کتاب الله». حجاج حافظ کل قرآن بود. قرآن را مرور کرد گفت: از کدام آیه می‌فهمی که حسن و حسین ذریه‌اند؟ او آیه مباحله را خواند. گفت: منظور این آیه است «تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَکُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَکُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَکُمْ تَمْ نَبْتَلُ فَتَجْعَلْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» گفت ایمن آیه دلالتش خوب است. او می‌دانست حسن و حسین (ع) همراه جدشان بودند و به همین‌ها ابناء گفته شده است. اما من منظورم این آیه نیست. مرور دیگری روی قرآن کرد دید آیه دیگری نیست. یقین کرد که دستش خالی است. چیزی ندارد که به آن استناد کند. گفت: اگر آیه‌ای آوردی که دلالت بر این امر نداشت، همین جا سرت را از تنت جدا می‌کنم.

امروز روز عید قربان است و تو را قربانی می‌کنم اما اگر دلالت داشت آزادت می‌کنم، چهار هزار درهم یا دینار هم به تو هدیه می‌دهم. گفت آیات سوره مریم را بخوان «فَلَمَّا اعْتَزَلَهُمْ وَ مَا یَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ هَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ یَعْقُوبَ» این اشاره به کیست: «اعْتَزَلَهُمْ» گفت ابراهیم (ع) وقتی ساره را با پسر رها کرد خدای متعال در عوض، اسماعیل اسحق و یعقوب را داد. گفت ادامه بده «وَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُودَ وَ سُلَيْمَانَ» گفت ذریه کی هستند؟ گفت «وَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُودَ وَ سُلَيْمَانَ وَ أَيُّوبَ وَ یُوسُفَ وَ مُوسَى وَ هَارُونَ» بعدش «وَ زَكَرِيَّا وَ یَحْيَى وَ عِيسَى وَ إِلْيَاسَ» گفت: عیسی (ع) ذریه کیست که این‌جا گفته؟ گفت ذریه ابراهیم (ع) گفت چطور عیسی ذریه ابراهیم (ع) است «وَلَمْ یَكُنْ لَهُ» عیسی (ع) که بابا نداشت؟ مریم (ع) مادرش از ذریه ابراهیم (ع) بود. گفتی عیسی (ع) هم ذریه است. یحیی گفت: مریم (ع) نزدیک‌تر به ابراهیم (ع) است یا فاطمه (س)؟ عیسی (ع) به ابراهیم (ع) نزدیک‌تر است یا حسین و حسین (ع)؟ مریم (ع) تا ابراهیم (ع)

چهار هزار سال فاصله است. وقتی فرزند او ذریه ابراهیم (ع) می شود. فاطمه (س) دختر بلافضل پیغمبر است فرزند او ذریه نمی شود؟ او می خواست یحیی را به خاطر این که گفته حسن و حسین (ع) ذریه پیغمبرند قربانی کند! حال می فهمد که قرآن هم همین را گفته است. قرآن می گوید: عیسی (ع) ذریه ابراهیم (ع) است. شعبی می گوید به چهره حجاج نگاه کردم و «کانه علقم حجرا» چنان اوقات او تلخ شده بود که چرا چنین چیزی در قرآن آمده است. گویی یک سنگ در گلویش گیر کرده بود اما چاره ای نداشت باید به وعده اش وفا کند گفت: غل و زنجیر از او برگیرید و آزادش کنید. بعد گفت برو این شاءالله که خیر از عمرت نبینی. پول ها را هم به او داد و گفت این شاءالله برایت برکت نکند. پس حجاج حافظ قرآن بود اما می خواست کسی را که گفت حسن و حسین (ع) ذریه پیغمبرند را سربرد. چرا؟ چون با اهل بیت دشمنی دارد. حضرت محمد (ص) اهل بیت (ع) را هم مثل قرآن به یادگار گذاشته است. این ها می گویند قرآن منهای اهل بیت. امشب می خواهم در این زمینه صحبت کنم که اهل بیت (ع) چه نقشی در کنار قرآن کتاب الله دارند. چرا مثل کتاب الله هستند؟ دین ظاهری و باطنی دارد. کسی به امام گفت محبین شما را دیده ام کسی را که زنا و شرب خمر می کند آیا می توانم بگویم او فاسق است؟ گفت نه. گفت: پس چه بگویم؟ گفت: بگو عمل او زشت است ولی خودش آدم خوبی است. خوب بودن به محبت است. معرف انسان این است که ببینی چه چیز را دوست می دارد؟ «... من احب» هر کس با آن که دوستش می دارد در قیامت محشور می شود. قرآن کریم می فرماید: «يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ النَّاسِ بِإِمَامِهِمْ» ما در قیامت هر قومی را به نام امامشان صدا می کنیم. هر کس فرعون را دوست می داشته وقتی می گویند فرعونیان بیایند همراه فرعون می آیند. هر کس شاه را دوست می داشته

کسانی هم که با

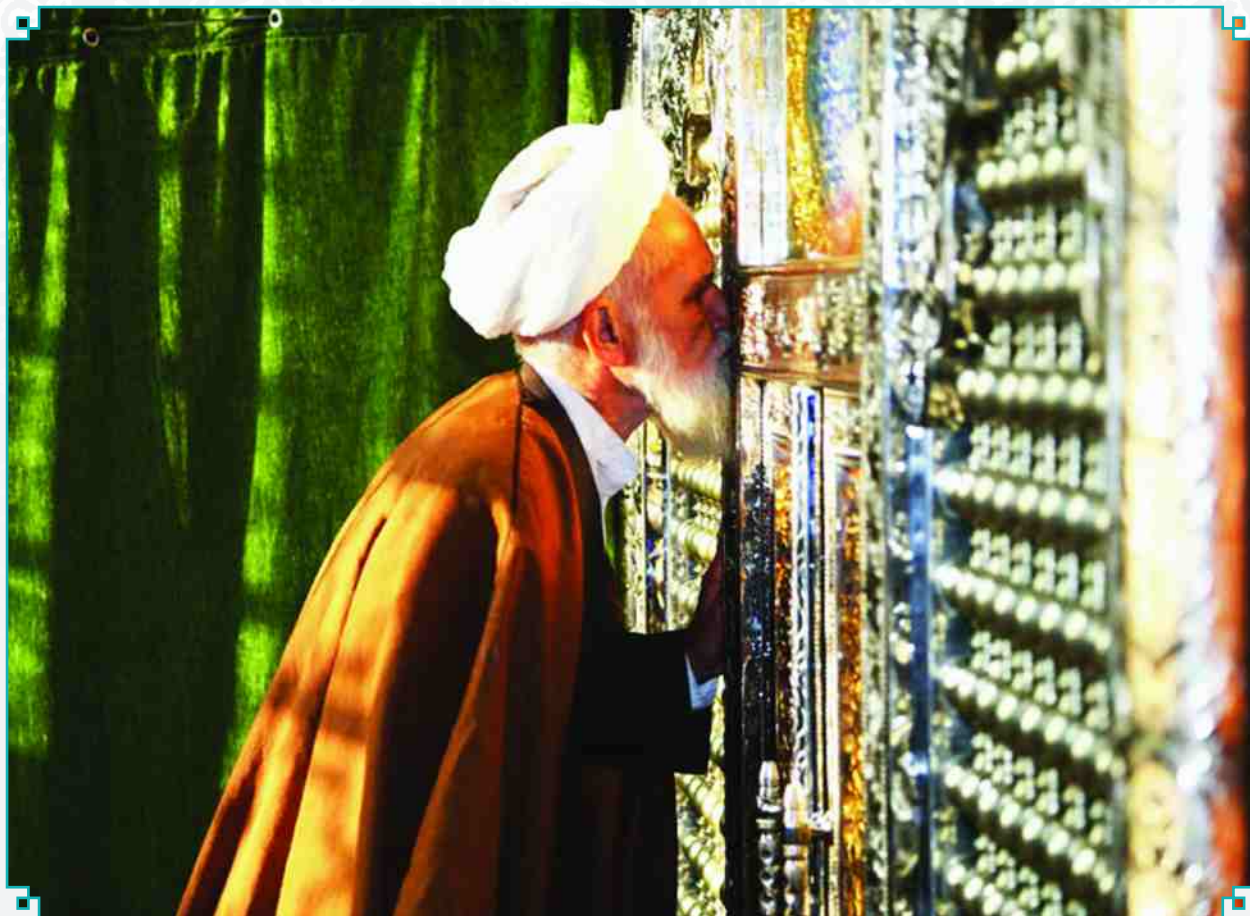
اهل بیت (ع) همراه

نیستند با قرآن همراه نخواهند شد. ممکن است حافظ قرآن هم باشند اما همراه قرآن نیستند. حجاج بن یوسف حافظ کل قرآن بود. او می خواست روز عید قربان یحیی بن یعمر را به جای گوسفند و گاو و شتر به جرم این که گفته بود امام حسن و امام حسین (ع) ذریه پیغمبرند قربانی کند

است وقتی می گوید شاه دوست ها بیایند آنان همراه شاه می آیند. همین طور است دوست داران آمریکا ... هر کسی به کسی علاقه داشته او امامش می شود و با او هم محشور می شود. علی (ع) این آیه را خواند: «يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ النَّاسِ بِإِمَامِهِمْ» و گفت: در قیامت می گویند اصحاب موش خرما بیایند، اصحاب سوسمار بیایند. حال شما می گوید چگونه امام کسی سوسمار شده است؟ هفت نفر ظاهر از یاران و نزدیکان و جنود علی (ع) بودند و منافق ولی باطنا با معاویه بودند. این ها می خواستند به نماز جمعه علی (ع) بیایند، از محلی که می خواستند بیایند تا آن جادر مسیر صحرا بود یک مقداری در صحرا یک سوسمار یا موش خرمایی بود یکی از این ها با سنگ زدش. بعد این را به یکی چوبی آویزش کرد. وقتی می رفتند با علی (ع) بیعت کنند بگویند: «السلام عليك يا امير المؤمنين». موش خرما را زد سر چوب و دو دستش را جلو برد و گفت: «السلام عليك يا امير المؤمنين» که علی (ع) را مسخره کند. نفر بعدی هم آمد گرفت و گفت: «السلام عليك يا امير المؤمنين» هفت نفرشان این کار را کردند. آمدند مسجد وقتی حضرت صحبت می کرد گفت: «يَوْمَ

نَدْعُو كُلَّ النَّاسِ بِإِمَامِهِمْ» هر امتی را با امامش صدا می کنند. گفت در قیامت هفت نفر را صدا می کنند می گویند امت موش خرما بیایند. هفت نفر هستند که می آیند. این ها به همدیگر نگاه می کردند که کی رفت ما را لو داد. ببیند به مسخره گرفتند و خدا جدی می گیرد. هر کسی در قیامت با امامش محشور می شود. چرا این طوری است به خاطر این است که شما می گویند کهربا، آهن ربا آهن ربا غیر آهن چیز دیگر را جذب می کند؟ نه، مس، طلا، روی هیچ فلزی حتی استیل را هم نمی گیرد. فقط آهن را جذب می کند. آن ها هم خوب ربا هستند «الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ» پاکان با پاکان، ناپاکان هم با ناپاکان. این آدم شارب خمری دیده اما می دانسته که محب اهل بیت (ع) است. شما سوال می کنید مگر می شود محب اهل بیت (ع) شرب خمر بکند؟ مگر می شود محب اهل بیت (ع) زناکار باشد؟ یا کسی که زنا می کند چطور می شود محب اهل بیت (ع) باشد؟ این سوال دقیقی است، علت دارد. اگر چه این دو گناه زنا و شرب خمر کرده، اما شاید صفات دیگری از جنود عقل، آن صفات در او بارز است. بین گناهان فرق است.

دوره رژیم شاه، دانشجویی با دختری آشنا بود، دختر از این دانشجو حامله شد پدر و مادر متوجه شدند او را زیر فشار گذاشتند که با چه کسی رابطه داشتی؟ کسی را معرفی کرد، او را گرفتند بردند زندان. کسی آمد پیش قاضی، گفت: چنین کسی را که زندانی کرده اید بخاطر این اتهام و رابطه با آن دختر. گفت: بله. گفت این جریان مربوط به من است. او را آزادش کنید قاضی گفت اگر تو این قدر باشرافت هستی که نمی خواهی کسی به جای تو زندان برود چطور این کار زشت را کردی؟ اگر تو آدم لایبالی هستی و کارهای زشت می کنی چطور حاضر نیستی که ببینی بی گناهی جای تو به زندان افتاده



با او خیلی بحث کرد تا شاید او از این حرف دست بردارد و اگر از روی هوی و هوس و شعار است یا اگر از روی ایمان هم هست مشخص شود. گفت تو با این کار دست کاسبی می کردی من آن را قطع کردم. گفت حکم خدا را اجرا کردی. من نباید این کار را می کردم. گفت به خاطر همین است که توفیق بین دوست و دیگران نمی گذاری و حکم خدا را اجرامی کنی. هر چه با او بحث کرد او سر حرف خود ماند. علی (ع) دید ایمان واقعی دارد گفت انگشت هایت را به من بده. او انگشت هایش را داد. حضرت آن ها را سرجایش گذاشت و دست به روی آن ها کشید و دعایش کرد انگشت ها به حال اول برگشت. پس آدمی که این قدر محب اهل بیت (ع) است چرا دزدی کرد؟ این یک لغزش است که گاهی وارد می شود اما محبت رکن انسان است. این

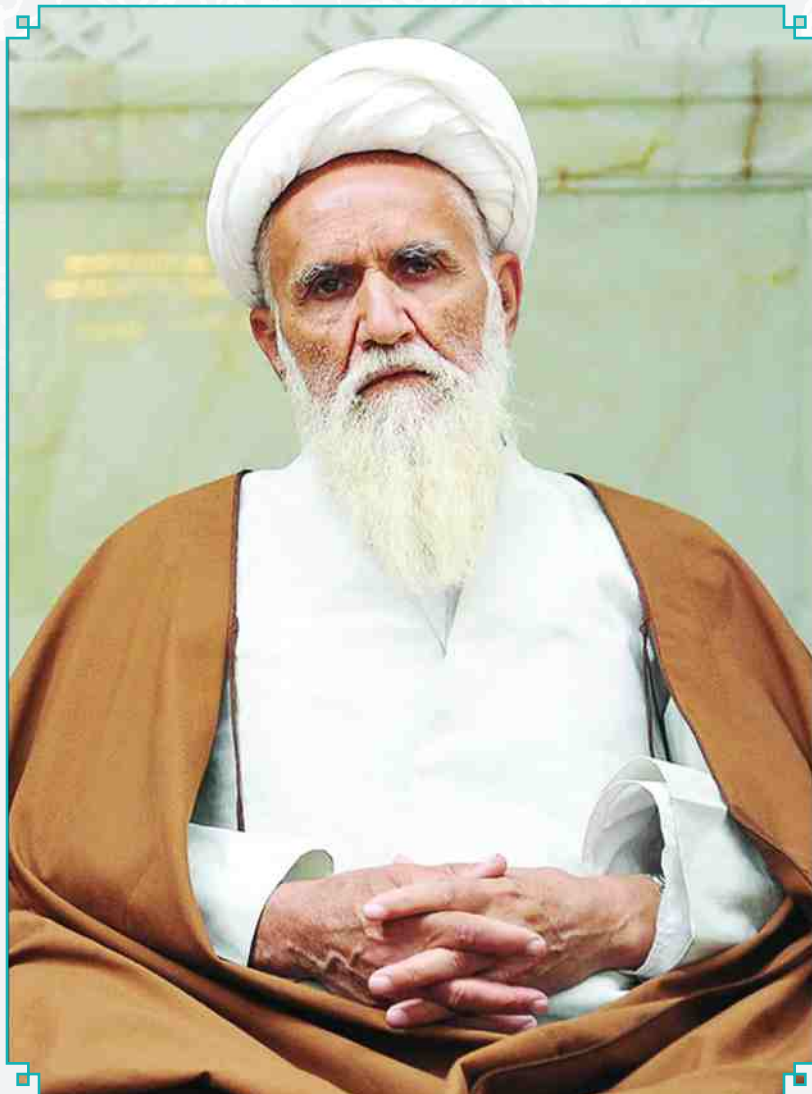
چرا دزدی می کند؟ این دو چگونه با هم می شود؟ کسی به علی (ع) گفت: این شخص به نفع شما شعار می دهد. حضرت علی (ع) گفت: او را بیاورید ببینم. حضرت

کسی به

امام گفت محبین

شما را دیده ام کسی را که زنا و شرب خمر می کند آیا می توانم بگویم او فاسق است؟ گفت نه. گفت: پس چه بگویم؟ گفت: بگو عمل او زشت است ولی خودش آدم خوبی است. خوب بودن به محبت است

است. گفت: آقای قاضی این دو مساله فرق می کند. من نامرد نیستم، با این دختر دوست بودم دیگر از دستم در رفت نمی خواست این جور بشود پیش آمد. نامردی یک چیز و لغزش یک چیز دیگر است. گاهی از کسی شرب خمری، لغزشی سر زده گناه بزرگی است. زنا گناه بزرگی است اما اتفاق می افتد. در جلسات قبل گفتیم: شخصی را آوردند نزد حضرت علی (ع) او دزدی کرده بود جرمش که ثابت شد حضرت انگشتانش را قطع کرد. این شخص آمد انگشت هایش را در دست چپش گرفت و رفت روی یک بلندی ایستاد و گفت: امروز صالح ترین، پاک ترین، درست کار ترین و عادل ترین حاکم عالم دست مرا قطع کرد. او به نفع امیرالمومنین (ع) شهادت می داد. شما می گوئید اگر او دزد است چه جوری به علی (ع) ارادت دارد؟ و اگر ارادت دارد



«وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَى» جز با کسالت نماز نمی خوانند. «وَلَا يَنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارْهُونَ» انفاق نمی کنند مگر این که ناراحتند از این که انفاق نمی کنند. محبت موجب قبولی عمل می شود. خدا را دوست داشتن عصاره اعمال انسان است. نماز و روزه و جهاد را اگر برای ریا انجام ندهد خدا که بخواهد مزدش را بدهد جذبی می کند این جذبه محبت می شود. محبت مزد اعمال است. وقتی انسان با اخلاص کار کرد خدا به او محبت می کند. یعنی چطور؟ جذبی می کند. وقتی انسان پاک شد مجذوب خدا می شود. چون خدا پاک است «وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ» مردی گفت: دعا کن یک زن خوبی نصیبم شود گفتم تو چشمت را کنترل کن به نامحرم نگاه نکن طیب می شود و «وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ» طیب شو تا طیب به تو بدهند. حال که اسم طیب آمد بگو یک که طیب چاقو کش بود چطور شد که در زمان رژیم پهلوی بعد از نیمه خرداد ۱۳۴۲ او را گرفتند و به دست ساواک به شهادت رسید. هر چه کردند که او دست از چاقو کشی بردارد برنداشت. مشورت کردند گفتند ببریدش زیارت سیدالشهدا (ع) اگر دلش تکان خورد از او قول بگیرید که چاقو کشی نکند دیگر روی حرف و قسم امام حسین (ع) حرفی نمی زند. این ها همه کار کرده بودند موثر نشده بود. این کار را هم کردند.

به او گفتند می خواهیم تو را ببریم زیارت سیدالشهدا (ع) طیب گفت من کجا و زیارت سیدالشهدا (ع) کجا؟ من آلوده هستم. با این حرف این ها مطمئن شدند. برای او ویزا گذرنامه و بلیت گرفتند. او را راهی کردند. طیب وقتی چشمش به گنبد سیدالشهدا (ع) افتاد مثل زن فرزندمرده ضجه می زد و گریه می کرد. وقتی رسید به ضریح نشست دست و سرش را گذاشت در پنجره های ضریح و چنان اشک می ریخت که از هوش رفت دوباره به هوش آمد. به او گفتند طیب این جا کجاست؟ گفت: این جا ضریح سیدالشهدا (ع) است. گفت: بگو به

بلکه محبت جهاد را مطرح می کند. «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ» اگر فرزندان، پدرانتان و عشیره تان و ... نزد شما محبوب تر از خدا و رسول و جهاد در راه اوست اگر خانه تان و یا تجارت تان که می ترسید کساد بشود عزیز تر است اگر این ها عزیز تر از خدا و رسول و جهاد در راه خداست یعنی حب جهاد، نه خود جهاد. ملاک جهاد از روی حب است نه جهاد از روی اگره درباره نماز می گوید:

قدر فرق دارد اعتقاد امام ها درباره محبت مردم درباره محبت بی اطلاع هستند که کسی به امام صادق (ع) عرض کرد. «هل الحب من الدين» آیا (چنان که نماز و روزه جزء دین است) دوست داشتن هم جزء دین است؟ امام فرمود: «هل الدين الا الحب» اگر محبت را برداری چیزی از دین باقی می ماند؟ من گفتم می خواهم در این رابطه صحبت کنم که چرا پیامبر می گوید «كتاب الله و عترتي» به خاطر این است که محبت خدا اساسی ترین عبادت است. خدا را دوست داشتن. حتی جهاد را وقتی مطرح می کند خود جهاد را مطرح نمی کند

سیدالشهدا (ع) دیگر چاقو نمی کشم. گفت: به سیدالشهدا (ع) دیگر چاقو نمی کشم. بیست سال چاقو نکشید. یک روز به او چاقو زدند. او ارب خود را در شب یازدهم روی منجنیق جلو مردم آورد و به او گفت: اسم تو حسین است، به امام حسین (ع) قول دادم چاقو نکشم. بیست سال چاقو نکشیدم تو نامرد به نامردی به من چاقو زدی من چاقو به تو نمی زنم ولی نزد دوستان دو سیلی به تو می زنم. سیلی زد ولی در عمرش دیگر چاقو نکشید چرا؟ چون امام حسین (ع) را دوست می داشت با این که چاقو کش بود؟ یک صفت خوبی داشت هیچ وقت چاقو به نامردی نکشید وقتی می دید کسی ظلم می کند نمی توانست طاقت بیاورد بعد هم که دید این کار حرام است به امام حسین (ع) قول داد و این کار را نکرد. بعد هم امام خمینی (ره) به او گفت فردا (قبل از عاشورا) دسته سینه زنی را حرکت بده. به فرما امام خمینی (ره) دست را حرکت داد زیر شکنجه شهیدش کردند. شکنجه برای این که بگویند من پول گرفتم گفت من به سید تهمت نمی زنم پولی نگرفته ام چون نگفت شکنجه اش کردند و او را کشتند. من می خواهم بگویم محبت، عصاره اعمال انسان است اگر عمل درست بشود نتیجه اش محبت است. اگر نماز آدم قبول بشود اهل بیت (ع) پیدا می کند اگر توبه آدم قبول بشود محبت اهل بیت (ع) پیدا می کند؛ انسان با ادعا محبت پیدا نمی کند باید پاک باشد تا پاکان جذبش کنند و می گویند این چاقو کش که پاک نبود چطور مجذوب شد؟ باید حساب در کارش باشد اگر این چاقو کشی را برای پول می کرد آدم نمی شد این چاقو کشی را برای دفاع از مظلوم و مقابله با ظالم می کرد آن هم غلط است اما اشتباه می کرد. وقتی به امام حسین (ع) قول داد دیگر این اشتباه را نکرد، ادم شد. پس می شود، کسی امام علی (ع) را دوست ندارد اما از او غفلتی هم سر بزند، دزدی هم بکند مثل آن دزد مورد اشاره پیامبر (ص) گفت: «انی تارک فیکم

قرآن کریم

می فرماید: «يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ النَّاسِ بِأَمَانِهِمْ» ما در قیامت هر قومی را به نام امامشان صدا می کنیم. هر کس فرعون را دوست می داشته وقتی می گویند فرعونیان بیایند همراه فرعون می آیند. هر کس شاه را دوست می داشته است وقتی می گویند شاه دوست ها بیایند آنان همراه شاه می آیند. همین طور است دوست داران آمریکا... هر کسی به کسی علاقه داشته او امامش می شود و با او هم محشور می شود

الثقلین کتاب الله و عترتی»، محبت اهل بیت (ع) محبت خداست: «من احبکم فقد احب الله». چه جور است که محبت این ها محبت خداست؟ به من بگو این چراغ ها از کجا نور می گیرند. برق از شبکه می گیرند، شبکه از یک شبکه اصلی می گیرد تا به مرکز می رسد. خد هم همین است اهل بیت (ع) سیم وسط هستند؛ از یک طرف به خدا وصل اند، از طرف دیگر هم امت به آن ها وصل اند. قرآن آیین نامه کار است، اهل بیت (ع) برق شما را درست می کند. شما وقتی نماز می خوانید گویا

کسی به

امام صادق (ع)

عرض کرد. "هل الحب من الدین" (آیا) چنان که نماز و روزه جزء دین است) دوست داشتن هم جزء دین است؟ امام فرمود: "هل الدین الا الحب" اگر محبت را برداری چیزی از دین باقی می ماند؟

لامپ دارید، وقتی روزه می گیرید گویی بخاری برقی دارید وقتی حجت را به جا می آوری مثل این که یخچال برقی داری. این ها مانند وسایل برقی اند محبت تو همان برق است. کتاب الله وسایل برقی را برایت جور می کند اگر بدان عمل کنی عترت برق به تو می دهد. اگر این چراغ سالم من سوچ را برنم روشن می شود. اگر سیم را قطع کنم برق نیاید روشن نمی شود. اگر برق باشد ولی لامپ نباشد باز هم روشنی نیست. یعنی هم چراغ (عبادات) را می خواهم و اهل بیت (ع) را به خاطر جریان برق! با دو کلمه مطلب امشب را خلاصه کردم: چراغ برق، قرآن کریم چراغ است، اهل بیت (ع) برق است. هر وقت خواستی خلاصه منبر امشب را به دست بیاوری بگو: چراغ برق: «کتاب الله و عترتی» کسانی کتاب را قبول کردند عترت را قبول نکردند، در نتیجه چراغ ها همه خاموش شد. یخچال درست کردند برق نداشت همه غذاها در آن فاسد شد. اگر برق قطع شود وقتی فریزر را باز کنید از بوی آن باید ماسک زد. فرض کنید یک ماه برق قطع شده فریزر شما هم پر از گوشت و خوراکی بوده در را که باز کنید بوی آن شما را متاثر می کند. بعضی نمازها آن ها هم همین طور است اگر دقت کنید: مصلحت نیست که از پرده برون افتد راز ورنه در مجلس رندان، خبری نیست که نیست

نمی خواهم خیلی بیش تر حرف بزنم و بیش تر پرده دری کنم. این هم دیدم که به فاطمه (س) ظلم شده گفتم از حقش پاک شوم. چرا می گفت: فاطمه (س) پشت در ایستاد، زن حامله ۶ ماه دارد نباید در میان دودها بایستد، در را آتش زدند در خانه رفت. در را همین طور گرفته بود برای بچه ۶ ماهه خطرناک است. مادر بچه اش را دوست دارد آن موقع دستگاهی نبود که بفهمند بچه پسر است یا دختر؟ پیغمبر (ص) گفته بود بچه ات پسر است اسمش را هم محسن گذاشته بود. و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین



گفت و گوی خواندنی با حجت الاسلام والمسلمین زائری:

وارد شدن افراطی به سیاست و دسته بندی ها به منبرها ضربه زده است

اگر بخواهی در چند کلمه ایشان را تعریف کنی باید بگویی صریح، صادق و دوست داشتنی. روحانی که صراحتش شاید زبانش باشد و البته از آنجا که سابقه ویژه ای در مطبوعات دارد میانه خوبی هم با این قشر داشته و رسانه را نیز به خوبی می شناسد. مجموعه سرچشمه هم که چند سال اخیر فعالیتش را آغاز کرده است به خوبی توانسته با مدیریت ایشان در فاصله کوتاهی بدرخشد و هر شب گویی هیاتی در این مجموعه برپاست. مدتی است دغدغه ترویج سبک زندگی اسلامی و هیاتی وی را وارد مقوله عملی این مساله کرده و همین بهانه ای شد برای اینکه به گپ و گفتی با گپ و گفتی خواندنی با حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا زائری پردازیم.

بسیار مناسبی است و نقش روحانیت در جامعه کمرنگ و بی رنگ نمی شود. متن جامعه مامتن دینداری است و منبر از اصلی ترین وسایل ارتباطی است و با قشرهای

دین و مجالس حسینی در میان مردم و موقعیت ممتاز و قابل توجهی که روحانیت در این مجالس دارد می توان گفت علیرغم همه نگرانی ها و آسیب ها باز هم جایگاه

هیات در حال حاضر وضعیت روحانیت و وعاظ را در جامعه چگونه می بینید؟

بسم الله الرحمن الرحيم. با توجه به جایگاه

مختلف مردم بیشترین رابطه را دارد و در طول تاریخ ما همین باعث شده تا روحانیت بیشترین و نزدیکترین ارتباط را با توده ها داشته باشد. البته رقابت شبکه های ماهواره ای و وسایل ارتباطات جمعی و تغییر سبک زندگی مردم باعث شده است که اندکی از این نقش کسته شود اما با تمام این تفصیل باز هم چون جامعه ما از اساس جامعه دینی است همیشه نقش روحانیت در آن حفظ خواهد شد هر چند که حفظ این جایگاه از آسیب ها و تهدید ها و استمرار این موقعیت مستقیماً به خود روحانیت مربوط است.

آیات وضعیت ارتباط روحانیت با مردم را چگونه می بینید؟ آیا شکاف ارتباطی به وجود آمده و این جایگاه تضعیف شده است؟

ببینید منبر جایگاهی دارد که باید حفظ شود و روحانیون باید این جایگاه و ارتباط را حفظ کنند اما رقابت با منبر زیاد شده و توقع مردم و مخاطبان بسیار بالا رفته و سطح علمی خطبا هم تا حدی پایین آمده است بنابر این می توان گفت جایگاه منبرها در معرض آسیب دیدن است. میانگین مخاطب سی سال پیش مخاطبی با سطح سواد پایین تر بود اما حال در پای یک منبر، چندین دکتر و مهندس می نشینند و می توان گفت محتوای منبرها، به سرعت افزایش سواد و توقع مخاطبان رشد نداشته است. ضمن اینکه زبان روحانیت زبان عالمانه و حوزوی و طلبگی است. این چالش برای اهل سنت و حتی مبلغین تبشیری مسیحی نیز پیش آمده و چیزی نیست که مختص ما باشد و از اقتضائات دنیای جدید و تحولات اجتماعی است، اما باز با این حال می توان گفت هنوز روحانیون بین مردم در موقعیت نسبتاً خوبی قرار دارند و اگر چه به خاطر تبلیغات سوء و سمپاشی های دشمن و برخی مشکلات اقتصادی موجود و یا برخی رفتارهای خود روحانیون ممکن است عده ای دید خوبی نسبت به روحانیون نداشته باشند و مدام بدگویی کنند اما همان ها هم گاه در

دارند روحانیت است.

آیات به نظر شما روحانیون تا چه حد در وعظ عملی نسبت به وعظ زبانی موفق بوده اند؟ حدیثی داریم که می فرماید «کونوا دعاة الناس بغیر السننکم» که باغیر از زبان خود، مردم را به دین دعوت کنید.

بله حدیث دیگری هم داریم که می فرماید: «کونوا دعاة لنا صامتین» که به همان وعظ عملی توصیه می کند، ببینید نظام تربیت طلبگی به دلیل ساختاری که دارد متن محور و کلام محور است و این یک مشکل جدی است که در مسیر رشد طلاب و روحانیون اثر دارد و متأسفانه ساختار فعلی حوزه ها برای تربیت فقیه شکل گرفته نه برای تربیت مبلغ که این در درازمدت اثر خودش را می گذارد که در بهترین حالت روحانیون ما برای ارائه بهتر متن هایی که آموخته اند موفق خواهند بود نه برای جذب مخاطب با شیوه های عملی و اثر گذار در متن زندگی روزمره و بر اساس واقعیت های جاری در متن جامعه و مخاطب جوان و لذا مثلاً برای فراگیری روانشناسی مخاطب و جامعه شناسی محیط تربیت نمی شوند و آموزش نمی بینند. در حالی که هیچ چیز مانند وعظ عملی تاثیر گذار نیست و یک برخورد یک عالم می تواند خیلی موثر تر باشد تا وعظ و خطابه او. آقای قرائتی تعریف می کردند که تعدادی از شاگردانم را نزد یکی از علما فرستادم که ظاهراً مرحوم آیت الله انصاری شیرازی بوده اند، می گفتند آنها پس از بازگشت از محضر آن عالم خیلی به ایشان اظهار ارادت می کردند و شیفته اش شده بودند، دلیلش را پرسیدم گفتند در میان دیدار ایشان از اتاق خارج شدند و بعد از چند دقیقه برگشتند پس از اتمام جلسه متوجه شدیم که ایشان رفته اند پارچه نمذاری روی کفش های ما بیاندازند که آفتاب آنها را داغ نکند که پس از پوشیدن اذیت شویم، خلاصه همین یک رفتار آن عالم آنها را جذب خود کرده بود.

ساختار فعلی

حوزه ها برای تربیت

فقیه شکل گرفته نه برای

تربیت مبلغ که این در درازمدت اثر خودش را می گذارد که در بهترین حالت روحانیون ما برای ارائه بهتر متن هایی که آموخته اند موفق خواهند بود نه برای جذب مخاطب با شیوه های عملی و اثر گذار در متن زندگی روزمره و بر اساس واقعیت های جاری در متن جامعه و مخاطب جوان و لذا مثلاً برای فراگیری روانشناسی مخاطب و جامعه

شناسی محیط تربیت نمی

شوند و آموزش نمی

بینند

بزنگاههای زندگی باز به سراغ روحانیون می آیند و از آنها کمک می گیرند. بعنوان مثال در مجتمع مسکونی که مستاجر هستیم قبلاً همسایه ای داشتیم که خانمی بدحجاب بود و هر وقت من را می دید چه بسا نگاه تندی هم می کرد، یک روز دیدم که با ظاهری بسیار نگران در خانه ما آمده است و متوجه شدم که به تازگی مادر خود را از دست داده و خوابی آشفته درباره او دیده و آمده بود سوال می کرد که تعبیرش چیست و من حالا چه باید بکنم و برای آرامش روح مادرش کمک می خواست منظورم این است که این افراد هم در شرایط حساس باز تنها مرجعی که

تغییر

رویکر هیئات

از روحانی محوری به

مداح محوری یکی از عمده آسیب

هایی است که متوجه هیأت ها شده

چرا که معتقدیم این رویکرد در طولانی

مدت به ما و کارکرد خود هیأت ها

هم ضربه خواهد زد و نتیجه اش این

خواهد شد که هیأتی های ما از بنیه

دینی قوی و عمق

معرفتی برخوردار

نباشند

هیات یعنی مردم آنچه در کتابها از رفتار پیشوایان دین می خوانند باید در رفتار یک روحانی ببینند

بله، مردم به این لباس می گویند لباس پیغمبر، برای همین این طور اعتقاد و اعتماد دارند. در خاطرات مرحوم فلسفی نقل شده که ایشان از قول مرحوم پدر بزرگوارشان حضرت آیت الله تنکابنی عالم بزرگ تهران می گویند ایشان شبی بعد از مسجد و منبر تاخیر کرد و وقتی هم آمد گریان بود، اهل خانه که از تاخیر ایشان نگران بودند سوال کردند که دلیل گریه چیست؟ فرمود من که داشتم می آمدم دیدم زنی با ظاهری آشفته نزد آمد که یکی از پاهایش هم کفش نداشت، متوجه شدم از خانه بیرون آمده که زباله را دم در بگذارد و یک لنگه کفشش از پایش در آمده و داخل جوی آب افتاده و آب آن را با خود برده و مدتی از این کوچه به آن کوچه دنبال کفش رفته اما نتوانسته کفش را بگیرد و بعد ناگهان دیده که راه خانه را هم گم کرده و حال مانده که چگونه خانه اش را پیدا کند و هنگام برگشت به شوهرش چه بگوید که این همه تاخیر داشته و چه کند و از این رو وقتی مرا دیده هراسان و نگران به من روحانی پناه آورده است و من او را به خانه اش رساندم و اکنون من دارم برای این می گیرم که فکر کردم خدا چه امانتی را به دست ما داده که این همه مردم به ما و لباس ما اعتماد دارند و اگر خدای ناکرده روزی کسی از ما ذره ای از این اعتماد سوء استفاده کند چه اتفاقی خواهد افتاد!

هیات یعنی مردم به قول معروف لباس پیغمبر را می بینند نه شخص را؟

بله اما مشکل این است که امثال من بیشتر از آنکه به شیوه عملی اهل بیت تربیت کنند به عادات محیط خاص طلبگی تربیت می کنند و بیش از آن که سیره اهل بیت در تعاملات اجتماعی شان برای ما الگو باشد از کتابهای فقهی و اصولی و فضای محیط اطراف و جو عمومی و عرف رایج و حاکم تأثیر می گیریم که مثلاً شأن طلبگی چیست و روحانی باید

اما به نظر من
عمده دلایل دوری از
روحانی مطالبی است که
در منبرها عنوان می شود و محتوای خود
منبرها، دلیل دیگرش هم این است که
گاهی بعضی منبرها گرایش افراطی به
سیاست دارند و به صورت افراطی در
مسائل سیاسی وارد می شوند. وارد
شدن افراطی به سیاست و ورود به دسته
بندی ها و جزئیات سیاسی به منبرها
ضربه زده است

چگونه باشد برای همین کمتر امثال مرحوم سید مهدی قوام رضوان الله علیه را داریم، به عنوان مثال یکی از دوستان تعریف می کرد که شاخه گلی به یکی از علما دادم و ایشان بسیار ناراحت شدند یعنی که چرا به من روحانی جلوی جمع گل می دهی و کار سبکی است. من بعد از شنیدن این ماجرا فکر کردم دیدم تنها عکسی که ما از علما در این زمینه در ذهنمان است عکسی است از مرحوم آقای نجفی مرعشی رضوان الله علیه قبل از فوتشان در بیمارستان که شاخه گل دست ایشان است و علما کلاً این مساله را

در احادیث هم داریم که عالم در زمان غیبت معصوم مانند

پدر و پناهگاهی برای مردم است و مردم
باید در کنار او پناه بگیرند نه اینکه با ورود
به جزئیات مسائل روز و دسته بندی ها
عده ای را از خود طرد کند. روحانی کافل
ایتام آل محمد علیهم السلام است. پدر
هیچ گاه با فرزندش در دسته بندی های
سیاسی وارد نمی شود بلکه سعی می
کند تا می تواند او را جذب
خانه و خانواده کند

چیز مناسبی نمی دانند که گل بخواهند هدیه بگیرند، اما مثلاً داریم که خدمتکار امام صادق علیه السلام به ایشان دسته گلی هدیه داد و ایشان خوشحال شدند و گل را بو کردند و خدمتکار را هم به عنوان تشکر از این هدیه در راه خدا آزاد کردند اما گاه روحانی ما بیش از آنکه از این حدیث درس بگیرد از عرف عمومی متأثر است.

هیات خوب اجازه بدهید برگردیم به بحث منبر و هیأت و جایگاه و نقش روحانی، در رویکرد هیأت ها اخیراً می بینیم از روحانی محوری به مداح محوری تغییر پیدا کرده است. قبلاً مثلاً می گفتند برویم مجلس فلان واعظ الان می گویند برویم مجلس فلان مداح. دلیل آن را چه می بینید؟

ببینید این یکی از عمده آسیب هایی است که متوجه هیأت ها شده و جا دارد که یک پرونده ویژه بر روی آن تشکیل داد و بحث کرد چرا که من معتقدم این رویکرد در طولانی مدت به ما و کارکرد خود هیأت ها هم ضربه خواهد زد و نتیجه اش این خواهد شد که هیأتی های ما ز بنیه دینی قوی و عمق معرفتی برخوردار نباشند. مثل اینکه به بچه ای به جای شیر مادر و غذای مقوی فقط شیر خشک بدهند که شاید ظاهر اچاق تر هم بشود اما در طولانی مدت مشکلات ذهنی و جسمی متوجه آن نوزاد خواهد شد. نتیجه این گونه رویکرد هم این است که افراد بیشتر احساس محور می شوند تا اندیشه محور و این ضرر دارد و موجب تضعیف بنیانهای معرفتی می شود. در احادیث داریم که اگر کسی به خاطر این و آن وارد دین شود به خاطر دیگری نیز از دین خارج خواهد شد. حالاً البته دلایل متفاوتی ممکن است موجب این رویکرد شده باشد که بخشی از آن به اقتضات شرایط اجتماعی جدید برمی گردد و در عین حال رسانه ها مخصوصاً صدا و سیما هم نقش دارند و یکی از دلایل هم این است که گاه منبرها آنچنان قوی و جذاب نیستند که جوانان را جذب



به جزئیات مسائل روز و دسته بندی ها عده ای را از خود طرد کند. روحانی کافل ایتم آل محمد علیه السلام است. پدر هیچ گاه با فرزندش در دسته بندی های سیاسی وارد نمی شود بلکه سعی می کند تا می تواند او را جذب خانه و خانواده کند.

هیات این به معنای هیات سکولار نیست؟

نخیر، این را با فرض تبیین و تثبیت اصل ارزشها و کلیات می گویم، عرض کردم به نظر من باید از ورود به جزئیات پرهیز کرد. یک روحانی و منبری باید از کلیات نظام و رهبری دفاع کند و مسائل را از آن زاویه بررسی کند. افراطی می شود ورود به جزئیات مسائل و تفریطش می شود هیات سکولار که هر دو نامناسب است.

هیات مثلاً درباره یک مساله ای مثل فتنه ۸۸ باید چگونه موضع بگیرد؟

بله این نکته هم هست و قطعاً شخصیت روحانی در این زمینه موثر است اما در گذشته هم گاه علما همین گونه بودند و بعضاً در مجالس فرصتی برای ارتباط با مخاطبان نبود اگر چه در خارج از آن ارتباط تنگاتنگی داشتند. اما به نظر من عمده دلایل دوری از روحانی مطالبی است که در منبرها عنوان می شود و محتوای خود منبرها، دلیل دیگرش هم این است که گاهی بعضی منبرها گرایش افراطی به سیاست دارند و به صورت افراطی در مسائل سیاسی وارد می شوند. وارد شدن افراطی به سیاست و ورود به دسته بندی ها و جزئیات سیاسی به منبرها ضربه زده است. یک منبری برای مردم باید مانند پدری مهربان عمل کند و نباید با ورود به دسته بندی ها و جزئیات مسائل سیاسی به نقش پدرانه خود ضربه بزند. در احادیث هم داریم که عالم در زمان غیبت معصوم مانند پدر و پناهگاهی برای مردم است و مردم باید در کنار او پناه بگیرند نه اینکه با ورود

خود کنند و افراد گاه نسبت به منبرها بی تفاوت شده اند و ما کلاً برای تربیت و توجه به جایگاه خطابه کم لطفی کرده ایم در حالی که تربیت منبری قدرتمند و اثرگذار مثل مرحوم کافی خیلی ارزش و ضرورت دارد و نقش یک منبری توانمند را هیچ کسی دیگر نمی تواند ایفا کند

هیات به نظر شما این به خود شخصیت و عملکرد آن روحانی نیز برمی گردد؟
بعنوان مثال یک روحانی که در مسجد نماز می خواند بعد از نماز چند دقیقه ای با مردم صحبت می کند و حال آنها را جویا می شود و با روحانی دیگری بعد از خواندن نماز مسجد را ترک می کند؛ الان مرسوم است که واعظ سر ساعت می آید و سر ساعت یا چند دقیقه دیرتر می رود و تماسی هم با مخاطبان ندارد اما تماس مداح با مخاطب بیشتر است.

مخاطبش را هم از دست ندهد یا اینکه بین مخاطب و موضعش کدامیک را باید انتخاب کند؟

ببینید این موضع گیری ها باید هوشمندانه صورت بگیرد با دفاع از نظام و رهبری و کلیات نظام و عدم ورود به جزئیات با هوشمندی و تدبیر مناسب به نوعی که هم از نظام و رهبری حمایت کند و هم در مقابل فتنه موضع بگیرد و هم خیلی جزئی وارد نشود که البته مصادیق باید به تناسب محیط و مخاطب و ظرفیت و هوشمندی خود شخص تعریف شود که جمعیت منبر را پراکنده نکند و به جای یک مجلس پر رونق و با شکوه ما به یک مجلس ضعیف و بی رمق برسیم.

هیات صحبت جمعیت منبرها شد. آیا به نظر شما شلوغ بودن منبر مهم است یا اینکه باید به کیفیت حضار توجه کرد. پیامبر (ص) در حدیثی به امیر مومنان می فرمایند که اگر یک نفر به دست تو هدایت شود از تمام آنچه آفتاب بر آن می تابد بر تو بهتر است.

شلوغی مسلمان مهم نیست ولی طبیعتاً بهتر است که پای منبر افراد بیشتری بنشینند اما این نه به آن معنی است که حالا جایی دعوتان کردند که کم تعداد بود ناراحت بشویم و قبول نکنیم. بنده ممکن است برنامه ای در تلویزیون داشته باشم که چند میلیون از آن استفاده کنند و یا هیاتی بروم که ۱۵ نفر نشسته باشند. درست نیست که کسی هیات را به خاطر تعداد افرادش برود یا به خاطر کمبود افراد به یک هیات نرود. بلکه تکلیف آن موقع تلویزیون است و تکلیف حالا تعداد کمی از افراد. بارها برای خودم پیش آمده که یک شب دو تا منبر داشته ام یکی با جمعیت بسیار زیاد و یکی هم با جمعیت بسیار کم، خوب حالا من باید روحیه ام طوری باشد که هر دو را بر اساس وظیفه نوکری یکسان ببینم و برایم فرقی نکند. آقای جواد محقق نقل می کردند که پدر بزرگوارشان وقتی از نجف به همدان

موضع گیری

ها باید هوشمندانه

صورت بگیرد با دفاع از نظام و

رهبری و کلیات نظام و عدم ورود به

جزئیات با هوشمندی و تدبیر مناسب

به نوعی که هم از نظام و رهبری حمایت

کند و هم در مقابل فتنه موضع بگیرد

و هم خیلی جزئی وارد نشود که البته

مصادیق باید به تناسب محیط و

مخاطب و ظرفیت و هوشمندی

خود شخص تعریف

شود

می خواهی در خانه ات نگهش داری بقیچه را پس بده! ایشان از خواب که بلند شدند، زیاد نگذشته بود و سریع خود را به منبرشان رساندند و تا آخر عمر مراقب بودند در منبر حتی ذره ای سستی نکنند.

هیات وضعیت اخلاق را در هیات ها و پای منبری ها چگونه می بینید؟ به نظر شما تغییری ایجاد شده؟ بعنوان مثال سالها قبل یک سری پامنبری خاص داشتیم که مجالس مرحوم حضرات آقایان حق شناس، مجتهدی، تهرانی یا خوش وقت می رفتند. به نظر تان این طیف افراد حالا بی پناه شده اند؟ گذشته از آن حالا می بینیم جماعتی از هیاتی ها را که به دنبال این هستند که بعد از هیات کجا بروند قلیان بکشند یا رواج برخی ادبیات نامناسب را در گفتارهای بینیم.

اولاً عرض کنم که ضمن اعتراف به جای خالی بزرگانی مثل آیت الله حاج آقا مجتبی تهرانی و آیت الله حق شناس و آیت الله خوشوقت و امثال این بزرگان باید توجه داشته باشیم که الان هم بزرگوارانی چون حضرت آیت الله ضیا آبادی و جناب استاد حاج علی اکبری و حاج آقای ارفع و آیت الله حائری شیرازی و برخی دیگر از بزرگان هستند و واقعا جلسات با برکتی دارند، همین الان جلسه حضرت استاد حاج علی اکبری ک فضا و حال و هوایی دارد که من فکر می کنم از آن جلسات و محافلی که ما در دوره جوانی می رفتیم کم ندارد، ثانیاً نباید یک چیزی را از یاد ببریم که واقعیت غیر قابل انکار است و آن اینکه شرایط جدید جامعه و کل دنیا در این وضع فعلی هیچ وقت در طول تاریخ سابقه نداشته و من بی تعارف معتقدم دینداری در طول تاریخ بشر هیچگاه به اندازه زمان حاضر سخت نبوده و خیلی چیزها با بیست سی سال قبل فرق کرده، واقعا آن معنویت و نورانیتی که فضای زمان جنگ بود الان از کجا می شود پیدا کرد؟ در عین حال این همه تهدید و

بر می گردند منبرشان رونقی نداشت و به همین دلیل تصمیم گرفتند که باز گردند به منطقه خودشان. استادشان مرحوم آخوند ملاعلی رضوان الله علیه که سبب را جویا شدند ایشان گفتند که اینجا زیاد افراد مرا نمی شناسند و بهتر است به محل خودمان باز گردم، مرحوم آخوند می فرمایند شما همین جا بمان. همان شب خواب دیدند که در خانه به صدا در آمد و پیرمردی مقابل در بود و بقیچه ای را به ایشان داد و گفت این هدیه حضرت زهرا سلام الله علیهاست برای شما. در عالم خواب بقیچه را که باز کردند پر از نور بود. از خواب که بیدار شدند همان روز کسی سر راه جلوی ایشان را گرفت و گفت روحانی مجلس ما نیامده و اگر ممکن است شما برای مجلس ما تشریف بیاورید. ایشان به آن مجلس که مجلس شلوغی بود رفتند و کم کم در شهر شناخته شدند و منبرهای پر جمعیتی می رفتند. تا اینکه سالها بعد یک روز صبح جمعه که برای نماز بلند شدند برفی شدید آمده بود بود طوری که با خود گفتند الان اصلاً کسی از خانه خود بیرون نمی آید در این هوای سرد و برای همین دوباره خوابیدند. در خواب دیدند همان پیرمرد آمد مقابل در و گفت حضرت زهرا سلام الله علیها گفته اند که ما آن هدیه را ندادیم که در خانه خودت نگه داری، اگر

فشار و توطئه که از در جریان جنگ نرم از طریق اینترنت و شبکه های ماهواره ای و امثال اینها هست کجا زمان جنگ بود؟ خوب شرایط خیلی فرق کرده و همین وظیفه ما را احساس تر و سنگین تر می کند، اینجا نقش مدیران هیأت ها و بزرگترهایی مثل روحانیون یا ذاکراین است که نقش پدری داشته باشند و رفتار خودشان طوری باشد که آسیب ها را کمتر بکنند و بتوانند برای جوان ترها هم نقش هدایت کننده داشته باشند.

هیأت منبر مناسب از نظر شما چه شاخصه هایی باید داشته باشد؟

در منبر به طور طبیعی یک اصولی هست که مهمترینش تناسب با نیاز و فضای مخاطب است و اثرگذار بودنش به آن بستگی دارد و عناصری هم هست که به جذاب شدن منبر کمک می کند از محتوای قوی و غنی تا صدای منبری و تسلطش به مخاطب تا گرم بودن روضه اش، اما قبل از همه اینها یک اصلاتی باید در منبر باشد که با اخلاص و توسل حاصل می شود، باید خود صاحب مجلس ابتدا منبری را به نوکری پذیرفته باشد که اگر این شد آن وقت منبر می شود منبر مرحوم شیخ جعفر شوشتری و گرنه گفت: شاهد آن نیست که مویی و میانی دارد، بنده طلعت آن باش که آنی دارد. اگر این آن را خودشان به کسی مرحمت کردند یک یا حسین گفتنش دلها را هوایی می کند و گرنه هر چه هم سعی کند فقط ممکن است در کوتاه مدت یک رونق ظاهری پیدا کند. البته این نکته معنیش بی توجهی به اصول و قواعد حرفه ای نیست و همان طور که عرض کردم منبر هم مثلاً هر کار دیگری در عالم یاد گرفتن و تمرین کردن و تجربه و تعلیم می خواهد و سالها زحمت می خواهد تا کسی به جایگاه معتبر و مورد توجه عموم برسد.

هیأت چرا قرآن در هیأت ها مهجور است؟ و چه باید کرد برای خروج قرآن از این مهجوریت؟

این دیگر مظلومیت قرآن است و باید صادقانه اعتراف کنیم که از کوتاهی و غفلت خود ماست، البته خوشبختانه در سالهای اخیر کارهایی صورت گرفته تا جایی که برخی هیأت ها در ماه مبارک رمضان یا ماه محرم برنامه ثابت قرآن دارند و حتی در تبلیغاتشان نام قاری را کنار نام منبری و مداح ذکر می کنند یا گاه مثلاً کلاس تعلیم قرآن در هیأت دارند و این کارها همه به توجه بیشتر نسبت به قرآن کریم کمک می کند مثل برخی جلسات که مسابقه قرآن دارند و برنامه هایی این طور برگزار می کنند.

هیأت با توجه به اینکه شما بر روی نحوه ترویج سبک زندگی اسلامی تحقیقات و تجربیاتی داشتید، برای ترویج سبک زندگی هیأتی چه نکاتی را باید در نظر بگیریم؟

مهم ترین نکته در اینجا همان رویکرد «اللهم اجعل محیای محیا محمد و آل محمد» است که در زیارت شریفه عاشورا می گوئیم، اتفاقاً هدف اصلی از هیأت این است که زندگی ما را شکل بدهد و جهت بدهد و در رفتار و زندگی ما تغییر ایجاد کند و اصلاً قرار است هیأت و مجالس حسینی ما را برای زندگی حسینی آماده کند، برای همین باید به ترویج مجالس روضه خانگی و تقویت شعائر دینی کمک کرد که این مجالس بتواند زمینه را برای اصلاح رفتار اجتماعی ما فراهم کند. البته یک جهت مهم این بحث سبک زندگی تولیدات مورد نیاز این مخاطب است از لباس مشکی تا انواع محصولات متناسب با این فضا که کارهایی هم پراکنده صورت گرفته مثل کارهایی که خود ما در مجموعه محیا انجام دادیم ولی به هر حال هنوز خیلی راه نرفته باقی ست.

هیأت خوب برویم سراغ هیأت رزمندگان، شما وضعیت هیأت رزمندگان را چگونه می بینید؟

بعد از پایان جنگ، رزمنده هایی که در جبهه ها هیأت تشکیل می دادند اقدام به تشکیل

هیأت هایی در شهر ها کردند و آرام آرام هسته هایی شکل گرفت که منجر به تاسیس هیأت رزمندگان اسلام شد و کار بسیار خوبی بود و در شهرستانها هم به خوبی جواب داد و الان می بینیم که هیأت های بسیار خوب و منسجمی در سراسر کشور به نام هیأت رزمندگان تشکیل می شود که از شاخصه های خوبی در مدیریت هیأت، سخنرانی و مداحی برخوردار است و مورد استقبال مردم قرار گرفته و مجالس عظیم و شکوهمندی در که در شان اهل بیت علیهم السلام باشد در آنها تشکیل می شود. البته نکاتی هم باید در نظر گرفت که مثلاً این هیأت ها وابسته به شخص یا جریان خاصی نباشند و هیأت شخص محور نشود. معمولاً هیأت هایی که از چند چهره در مداحی، سخنرانی یا مدیریت استفاده می کنند و هیأت با مشارکت هفت، هشت نفر اصلی برپاست بسیار کم آسیب ترند تا هیأت هایی که به یک شخص چه مداح و چه روحانی و چه مدیر وابسته اند و در صورت نبود آنها کار زمین می ماند. نکته دیگری هم که وجود دارد همان بحث خطر ورود افراطی به مسائل سیاسی است که احساس می کنم گاه در برخی هیأت ها موجب لطمه شده است و آسیب وارد کرده که این هم باید انشالله رعایت شود تا هر چه بر بار تر هیأت ها بر گزار شوند.

هیأت اگر نکته ناگفته ای دارید بفرمایید؟

خیلی ممنون، از شما متشکرم و از مجله هیأت که به خوبی توانسته کار تشکیلاتی هیأت رزمندگان را تکمیل کند و وسیله ارتباطی خوبی باشد با هیأت های سراسر کشور که بسیار کار خوبی است و فضای هیأت های حسینی و مجالس عزاداری بیش از اینها به کار های رسانه ای نیاز مند است و این قدر این حوزه گسترده است که هر چه از این کارها بشود جادارد.

هیأت متشکریم از فرصتی که در اختیار ما قرار دادید.



حاج احمد نیکبختیان:

مداح باید عامل به سیره واخلاق معصومین (علیهم السلام) باشد

محترم هم با همین شتاب رشد نمایند. الحمدلله حمایت های مقام معظم رهبری خیلی تاثیر گذار بوده، طبیعتاً اگر شعرا کارهای خوبی عرضه نمایند و مداحان و ذاکران هم از شعرهای خوب و قوی و فنی استفاده کنند، شاهد شکوفائی و تحولات مثبتی در هیئات خواهیم بود.

اما در این رابطه چند نکته حائز اهمیت است. اول باید نهاد یا سازمانی برای آن تاسیس شود؛ در حال حاضر موسسات مختلفی مثل خانه مداحان، مجموعه قدیم الاحسان و... هستند که در این زمینه فعالیت می کنند اما بحث بود که برای آن دانشگاهی تاسیس شود و

بحمدالله در کشور ما بواسطه عشق و علاقه جوانان به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام شاهد شکوفائی و حضور مداحان جوان در این عرصه هستیم. در وادی شعر آئینی شاهد وضعیت خوب و رشد چشمگیری هستیم. شعرای خوبی تربیت شده اند. در این عرصه، جلسات شعر زیاد شده است، شاعران جوان خوبی رشد کرده اند. در شعر مرثیه، مدح و مولودی و بیان مناقب و فضائل اهل بیت (س) و هم در سبک های مداحان این شکوفائی اتفاق می افتد به شرطی که به همین قوتی که شعرای اهل بیت رو به جلو هستند ادامه دهند و مادحین

حاج احمد نیک بختیان که بیشتر ظهور مداحی های وی را در دهه اخیر در هیأت رزمندگان غرب تهران و در معیت حاج سعید حدادیان می توان دید از مداحانی است که در میان مخاطباناش به خلق نیکو زبانزد است؛ اگر چه سابقه قرآنی کارنامه وی بسیار بر این نکته تاثیر گذار بوده است. متن زیر مصاحبه ماهنامه هیأت با وی می باشد:

هیأت وضعیت تربیت مداحان و شعرای آئینی جوان را در کشور چگونه می بینید؟

دروس و کتب درسی تدوین شود اما در حال حاضر بزرگان ستایشگری اهل بیت (علیهم السلام) فعالیت های آموزشی در این زمینه دارند که به نظر حقیر موثرترین آن ها مجموعه قدیم الاحسان می باشد.

آیات گرایش جوانان به مداحی را چه طور ارزیابی می کنید؟

در حال حاضر استقبال جوانان از مداحی بسیار بروز و ظهور پیدا کرده و پرشور است، جوان ها به مداحی خیلی علاقه دارند اما باید توجه داشته باشند که نگاهشان به مداحی نشر سیره اهل بیت (ع) و شناساندن بیشتر و بهتر این خاندان به عموم مردم باشد، نه نگاه دیگر.

آیات به نظر شما کسی که سراغ مداحی بخواهد برود چه خصوصیتی باید داشته باشد؟ آیا جنبه علم را در مداحی بیشتر می بینید یا ذوق و سلیقه و هنر را؟ یعنی دانشگاه و کلاسهای مداحی بیشتر تاثیر گذار است یا درونیات و استعداد یک مداح؟

مسلمان در درجه اول مداحی باید از درون جوشیده باشد، صدای خوش داشته باشد و البته مطالعه بسیار تاثیر گذار است؛ صرف اینکه نوار مداحی گوش بدهد کافی نیست. مداح باید روی معنویات زیاد کار کند، با ایمان باشد. اخلاص در او هست، تقوا هست، واجباتش را درست و به موقع انجام می دهد و سعی می کند محرمات را ترک کند و معصیت و گناه نکند. بعد از آن باید دنبال فن مداحی هم برود. برود دنبال مداحی اصولی، یاد بگیرد که چه شعری بخواند و چگونه بخواند و چه آهنگی را انتخاب کند.

مثلا مرحوم آقای آهی را که زندگی نامه شان را مطالعه می کنی پر است از حضور در مباحث و کلاسهای مختلف و تلمذ در محضر اساتید بزرگ که نزد آنها تعلیم

دیده است و صرفا فقط فن مداحی را فرا نگرفته بلکه تاریخ اسلام، ادبیات عرب، اخلاق و... خیلی از درسهای دیگر را نزد اساتید بزرگی مثل مرحوم آیت الله شاه آبادی فرا گرفته است. این خیلی مهم است

مرحوم

آقای آهی می گفت:

یک استاد می تواند دانشجورا تعریف کند ولی یک دانشجونی می تواند استاد را تعریف کند، حالا ما چه طور می توانیم اهل بیت (ع) را با این همه اوصاف تعریف کنیم؟ چه بسا مداحانی هم بودند که صدای خوبی نداشتند اما با گفتن یک یا حسین (ع) خالصانه، اشک مردم سرازیر می شد

که مداح استاد دیده باشد و فقط در یک زمینه و تک بعدی نباشد. وجود استاد در فراگیری مداحی بسیار مهم است و یک اصل اساسی است.

آیات ضمن اینکه مداح باید توجه داشته باشد برای چه کسانی می خواند. مرحوم آقای آهی می گفت: یک استاد می تواند دانشجورا تعریف کند ولی یک دانشجو نمی تواند استاد را تعریف کند، حالا ما چه طور می توانیم اهل بیت (ع) را با این همه اوصاف تعریف کنیم؟

داشتن تقوا و اخلاق اسلامی برای مداح بسیار مهم است، مداح باید متواضعانه خود را از جنس مردم بدانند. در کنار اینها باید فن مداحی را هم بدانند، مقام معظم رهبری بارها اشاره داشتند که مداحی یک هنر است.

مرحوم آقای آهی می فرمودند: چه بسا مداحانی هم بودند که صدای خوبی

نداشتند اما با گفتن یک یا حسین (ع) خالصانه، اشک مردم سرازیر می شد.

آیات بله فکر کنم منظور ایشان «آقایا حسین» کرمانشاهی بوده که اول مجالس دعوت می کردند که فقط یک یا حسین بگویند؟

بله اما الان مداحان دیگری هم داریم که نفس گرمی دارند و با یا حسینشان اشک ها سرازیر می شود. بعنوان مثال مجلسی بودیم که مداحان زیادی افاضه فیض کرده بودند و جمعیت بواسطه طولانی شدن جلسه خسته شده بودند، حاج آقای ارضی که آمد و همان اول «السلام علیکم یا اهل بیت النبوه» را گفت یک دفعه صدای گریه تمام مجلس را فرا گرفت، این اثر نفس و شب زنده داری ها و ... است.

کیفیت خوب، شعر خوب، مطلب درست خواندن و درست تفهیم کردن، همه گیر و همه پسند بودن شعر خیلی مهم است. سن و تحصیلات و موقعیت جمعیتی که مداح برای آنها می خواند هم مهم است. گاهی مداح در مدرسه می خواند، گاه دانشگاه، گاهی هیات های خاص و یا گاهی هیات های عام، همه اینها شعر و سبک و نحوه اش متفاوت است. ذائقه افراد با هم فرق دارد.

حاج منصور می گفت مداح باید قبل از مداحی پای درس عالم و سخنران بنشیند و حتما با وضو باشد. قبل از خواندن خودش قطره اشکی بریزد و با حال متفاوتی بالای منبر برود.

این انتخاب شعر و انتخاب آهنگ متأثر از آن ایمانش است. یعنی اگر ایمان داشته باشد، سعی می کند شعری را انتخاب کند که در شأن اهل بیت باشد و در آن وهن اهل بیت و مذهب نباشد. آهنگی انتخاب کند که توهین به اهل بیت نباشد. همه این ها ریشه اش در ایمان است. مداح اگر ایمان نداشته باشد ممکن است که هر شعری را بخواند. هر آهنگی را بخواند. هر کجا برود بخواند. به هر مجلسی تن بدهد.

اینها خیلی مهم است و ریشه در ایمان مداح دارد. اگر مداح متدین بود تمام این چیزها را رعایت می کند و از آن طرف هم خداوند متعال به او تفضل می کند. اهل بیت به او نگاه می کنند و دستش را می گیرند.

توفیقاتی که خداوند به مداحان می دهد بر اساس همین ایمانشان است. خدا می بیند که این دارد خوب جلو می آید و خوب بندگی می کند به او جایزه می دهد. این توفیقات هم مداح را بالا می برد. پس نتیجه می گیریم که ابتدا و شروع کار و پیش شرط و ریشه اصلی مداحی ایمان است.

هیات به نظر شما آنچه که الان در مجالس بیشتر به آن اولویت داده می شود سخنرانی است یا مداحی؟ یعنی مخاطب بیشتر دنبال مداح است یا سخنران؟

مردم دنبال کسب معرفت هستند و آشنائی با سیره اهل بیت علیهم السلام و اصلا وارد اینگونه بحث ها نباید بشویم. اما شرایط متفاوت است. یادم هست در ماه رمضان چندین سال قبل وقتی در هیات رزمندگان غرب تهران از قاریان برجسته کشور جهت تلاوت پیش از مداحی استفاده می کردیم، خیلی ها می آمدند قرائت قاری را بشنوند. حال هم برخی می آیند فقط قرآن و سخنرانی را استفاده کنند و قبل از مداحی می روند یا یک سری می آیند برای سخنرانی و مداحی یا فقط مداحی. سلیقه ها و طبع افراد متفاوت است. این بدین معنا نیست که جلسه سخنران محور است یا مداح محور. مردم دنبال کسب معارف اهل بیت علیهم السلام هستند و سلاقی متفاوت است.

هیات خیلی کوتاه از تفاوت ها و سختی های این عرصه با قدیم بگوئید.

مداحان چندین ماه قبل از محرم شروع به آماده کردن شعر و سبک می کنند، ممکن است از شش ماه یا نه ماه قبل این کار را انجام بدهند.

هیات صحبت قرآن شد، چه راهی را برای استقبال از جلسات قرآن در هیئات پیشنهاد می دهید.

در جلسات اگر مداح و سخنران پای قرائت قرآن بنشینند و به آن توجه کنند و مردم را در سخنرانی و مداحی تشویق به استفاده از قرآن کنند خیلی تاثیرگذار است و در جلساتی که بیشتر بر مداحی استوار است و مداح معروفی دارد، اگر خود مداح پای سخنرانی و قرائت قرآن بنشیند خیلی تاثیرگذار است. اینکه یک جوان ببیند مداح یا سخنران محبوبش پای قرائت قرآن نشسته خیلی مهم است. مداح خودش باید قرآن را خوب بخواند و حداقل مسلط به روخوانی و روانخوانی قرآن باشد و در معانی قرآن نیز تدبر نموده و در کل مأنوس با قرآن باشد. اگر مداح با قرآن و اهل بیت (ع) انس نداشته باشد و قرآن و ادعیه را نتواند خوب بخواند قطعاً مداح خوبی نیست.

هیات شاخصه های شعر خوب را چه چیزی می دانید؟

در شعر خوب باید از الفاظ خوب استفاده شده باشد، استعاره ها و تعابیرش قابل فهم باشد، مفهومش درست باشد و دروغ و خلاف واقع و سند جعلی نداشته باشد. بعضاً می بینیم که در اشعار غلو می شود که به کلی مردود است. تعالی دهندگی در شعر، ذوق و سلیقه و استناد به آیات و روایات نیز خیلی مهم است. شعر باید روان باشد و هر سطحی از مخاطب که بشنود آن را بفهمد و ارتباط بگیرد. در عین حال باید بار معنوی خوبی هم داشته باشد. بعضی از اشعار عامیانه که خوانده می شود اصلاً مناسب نیست. همانطور که گفتم دانشجو نمی تواند

مداح خودش باید قرآن را خوب بخواند و حداقل مسلط به روخوانی و روانخوانی قرآن باشد و در کل مأنوس با قرآن باشد. اگر مداح با قرآن و اهل بیت (ع) انس نداشته باشد و قرآن و ادعیه را نتواند خوب بخواند قطعاً مداح خوبی نیست.

البته الان خیلی کار برای مداحی سخت تر از قدیم شده، یادم می آید که حدود ۲۰ سال پیش هر سال فاطمیه یک هیات می رفتم که یکی از بزرگواران به مداحی می پرداختند که از دنیا رفتند و خداوند روحش را قرین رحمت کند، ایشان شش سال یک شعر را می خواندند و تکرار می کردند اما الان بواسطه حضور تکنولوژی و اینترنت و هزاران مطلب دیگر و انتقال سریع اشعار و سبک های مراسمات به جامعه، برای هر مجلسی باید شعر خودش را بگویی و شعر تکراری هم نخوانی، برای یک جلسه خواندن، کلی استرس و تلاش برای سبک و شعر جدید داریم. خیلی از

در جلسات اگر مداح و سخنران پای قرائت قرآن بنشینند و به آن توجه کنند و مردم را در سخنرانی و مداحی تشویق به استفاده از قرآن کنند خیلی تاثیرگذار است. اینکه یک جوان ببیند مداح یا سخنران محبوبش پای قرائت قرآن نشسته خیلی مهم است



عرب خالقی و دیگر این بزرگواران؛ در نوحه ها و سرودها از آقایان: علی صالحی، مسعود اصلانی، حسین عرب سمنانی، رحمان نوازی از کرج که یک گروه برای این کار دارند و خیلی از عزیزانی که اگر بخواهیم اسم ببریم بسیار زیادند و لازم می دانم همین جا از همه این بزرگواران که زحمات زیادی در این عرصه می کشند تشکر کنم. لازم میدانم این نکته رو عرض کنم که استاد گرانقدر، جناب حاج آقای سازگار سرچشمه شعرند، ایشان می گفتند روزی نبوده که برای اهل بیت شعر نگوییم و خیلی مهم است که مضمون هایشان عالی و حائز اهمیت تر اینکه غیر تکراری است و مسائل روز نیز در اشعار ایشان مشهود می باشد.

هیات در مولودی چه طور سبک را انتخاب و متفاوتی می کنید؟

اگر مداح به دستگاه های قرآنی و موسیقی مسلط باشد خیلی مهم است. کسی که به دستگاه ها آشناست، می داند کجا و در چه زمانی از هر دستگاه موسیقی استفاده نماید. مثلاً دستگاهی خاص برای مواردی که شادی و نشاط می بایست در مستمع ایجاد نماید استفاده شود و دستگاهی دیگر برای حزن و اندوه. این که با یک دستگاه محزون مولودی بخوانی از عدم شناخت این مهم است. لذا باید دستگاه ها را بشناسی و بر مبنای آنها سبک بسازی که بتوانی در مولودی خوانی هم موفق باشی.

هیات به نظر تان خانواده یک مداح چقدر در موفقیت یک مداح موثرند؟

سهام خانواده در موفقیت مداح واقعا چشمگیر است. خیلی وقت ها ماه محرم و صفر یا ماه مبارک رمضان برنامه های پی در پی داریم، همین که کمتر منزل هستیم مشخص می شود که بارها بیشتر بر دوش خانواده می افتد و آنها باید تحمل کنند. اگر خانواده ها همراه نباشند، مداح

داشته باشد.

هیات شما خودتان بیشتر از اشعار چه شعری استفاده می کنید؟

مدت زیادی است اشعاری که در ولادت ها و مناسبت ها استفاده می کنم از شعری بزرگ، در این عرصه است. در ولادتها از اساتیدی چون حاج آقای سازگار، حاج آقای مؤید، استاد کلامی زنجانی، جناب آقای وفایی از مشهد و از شعری آئینی جوان از جمله آقایان: لطیفیان، لطفی،

استاد را تعریف کند، مداح باید بداند که در مقابل اهل بیت (ع) شعر می خواند و الفاظ و وزن مناسبی از لحاظ معنوی به کار برود و شأن اهل بیت علیهم السلام را همیشه در نظر داشته باشد. خیلی باید در این زمینه مراقبت نمایم. همچنین همانطور که مقام معظم رهبری بارها اشاره داشته اند، مداح باید مسائل روز را در اشعار و مطالبی که ارائه می دهد مد نظر داشته باشد و در اشعار آئینی که انتخاب می نماید دقت لازم و کافی را



مداح

باید از مسائل

روز آگاه باشد تا بتواند

درست نقش خود را ایفا کند. در ورود به مسائل سیاسی هم باید توجه و دقت بسیار زیادی داشته باشیم که بی‌محابا به مباحث و جنجال‌های سیاسی وارد نشویم. ببینیم نظر مقام معظم رهبری چیست و به تأمین آن خواسته پیردازیم چون اصل آقا است، نباید به دشمن فرصت سوء استفاده از نظراتمان را

بدهیم

بپردازیم چون اصل آقا است، نباید به دشمن فرصت سوء استفاده از نظراتمان را بدهیم.

امام رحمه اله علیه فرمودند: اهل منبر- ایدهم الله تعالی- کوشش کنند در این که مردم را سوق بدهند به مسائل اسلامی و مسائل سیاسی- اسلامی مسائل اجتماعی- اسلامی.

امام (ره) می‌فرمایند: مسأله کربلا، که خودش در رأس مسائل سیاسی هست، باید زنده بماند. زنده نگه داشتن عاشورا، یک مسأله بسیار مهم سیاسی- عبادی است. محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است.

مقام معظم رهبری هم فرمودند: هیأتها نمیتوانند سکولار باشند؛ هیأت امام حسین سکولار ما نداریم! هر کس علاقه‌مند به امام حسین است، یعنی علاقه‌مند به اسلام سیاسی است، اسلام مجاهد است، اسلام مقاتله است، اسلام خون دادن است، اسلام جان دادن است؛ معنای اعتقاد به امام حسین این است. اینکه آدم در یک مجلس روضه یا هیأت عزاداری مراقب باشد که نبادا وارد مباحث اسلام سیاسی بشود، این غلط است.

محمد آقای طاهری هم به هم ریختند، من هم پسر را بغل کردم و با همان حالت خواندم که مجلس خیلی خوبی هم شد. یک بار هم دخترم حدودا سه ساله بود و در مجلس در حالی که دخترم روی پاهایم نشسته بود روضه حضرت رقیه (سلااله علیها) خواندم که آن مجلس هم خیلی متفاوت شد.

هیأت مداح را در زمینه ورود به مسائل سیاسی چه طور می‌بینید؟

سیاست که از دیانت جدا نیست، کل کار و حرکت امام حسین (ع) سیاسی بود، کار حضرت زهرا (س)، امام حسن (ع)، امیرالمومنین (ع) و پیامبر (ص) سیاسی بوده و مداحی و هیأت را نمی‌توان از سیاست جدا کرد.

مداح باید از مسائل روز آگاه باشد تا بتواند درست نقش خود را ایفا کند. بحمدالله مداحان در فتنه ۸۸ مردودی نداشتند. در ورود به مسائل سیاسی هم باید توجه و دقت بسیار زیادی داشته باشیم که بی‌محابا به مباحث و جنجال‌های سیاسی وارد نشویم. ببینیم نظر مقام معظم رهبری چیست و به تأمین آن خواسته

فرد موفقی در این عرصه نمی‌شود. یک بار یادم می‌آید پسر یک سال و نیمه بود که به مجلس مولودی آقای طاهری رفتیم و پسرم خیلی آرام در کنارم نشسته بود، همین که من شروع به خواندن کردم و صدای جمعیت بلند شد پسرم شروع کرد به گریه کردن، تا جایی که حاج محمد آقای طاهری هم به هم ریختند، من هم پسر را بغل کردم و با همان حالت خواندم که مجلس خیلی خوبی هم شد. یک بار هم دخترم حدودا سه ساله بود و در مجلس در حالی که دخترم روی پاهایم نشسته بود روضه حضرت رقیه (سلااله علیها) خواندم که آن مجلس هم خیلی متفاوت شد.

هیأت خاطره‌ای در مجالس اهل بیت علیهم السلام با فرزندانان دارید؟

یک بار یادم می‌آید پسر یک سال و نیمه بود که به مجلس مولودی آقای طاهری رفتیم و پسرم خیلی آرام در کنارم نشسته بود، همین که من شروع به خواندن کردم و صدای جمعیت بلند شد پسرم شروع کرد به گریه کردن، تا جایی که حاج



اهل بیت (ع) هم فقط مداحی و روضه

خواندن نیست بلکه باید سیره اهل بیت (ع) را مطالعه کنیم و آنها را در عمل به کار بندیم. باید ببینیم آیا در رفتار ما رفتار اهل بیت (ع) و یا مواردی که مورد پسند ایشان هست وجود دارد؟ آیا اخلاق ما اخلاقی دینی و اهل بیتی است. این خیلی بد است که عمری را در کنار اهل بیت (ع) صرف کنیم و نتوانیم سیره اخلاقی آنها را بگیریم و عمل کنیم

۴۷

هیات

شماره ۱۰۷، رجب ۱۴۳۶
اردیبهشت ۹۴
ماهنامه فرهنگی - مذهبی هیأت رزندگان اسلام

می کنم بیشتر مستمع باشم و استفاده کنم. مداح باید در جلسات، خودش تعالی معنوی پیدا کند تا بتواند جمع را به تعالی برساند.

پیغمبر (ص) فرمودند قرآن و اهل بیت (ع) را در میان شما به جای می گذارم یعنی این دو با هم است. هم باید قرآن را سرلوحه قرار دهیم و هم اهل بیت (ع) را. اهل بیت (ع) هم فقط مداحی و روضه خواندن نیست بلکه باید سیره اهل بیت (ع) را مطالعه کنیم و آنها را در عمل به کار بندیم. باید ببینیم آیا در رفتار ما رفتار اهل بیت (ع) و یا مواردی که مورد پسند ایشان هست وجود دارد؟ آیا اخلاق ما اخلاق دینی و اهل بیتی است. این خیلی بد است که عمری را در کنار اهل بیت (ع) صرف کنیم و نتوانیم سیره اخلاقی آنها را بگیریم و عمل کنیم. مداح در درجه اول خود باید عامل به سیره معصومین (علیهم السلام) باشد. خداوند در این راه همه ما را یاری و مدد نماید ان شاء الله.

هیات بسیار ممنونم از وقتی که در اختیار ما قرار دادید.

کارایی تعداد گروه ها در شبکه های موبایلی خیلی زیاد و مطالب خیلی تکراری شده و دسته بندی تخصصی برای مطالب در نظر گرفته نشده است. استفاده از تکنولوژی تاثیر مثبت دارد اما نحوه استفاده اش خیلی مهم است. یکی از نکاتی که می بایست در فضای مجازی به آن اهمیت داده شود خط قرمزها است که باید رعایت شود و آبروی اشخاص در نظر گرفته شود. با آبروی افراد بازی نشود. در این فضاها فقط به تبادل نظر و نقد اشعار و مسائل با رعایت ادب پرداخته شود و از بیان مسائلی که برای خود و دیگران مشکل ساز باشد بپرهیزیم. هرگاه می خواهیم کسی را نقد کنیم باید ببینیم اگر خودمان جای آن کس بودیم چگونه دوست داشتیم نقد شویم، همانگونه با دیگران هم برخورد نمائیم.

هیات نکته ناگفته...

اگر عنایت اهل بیت (علیهم السلام) نباشد مداح به سر منزل مقصود نمی رسد. ما مداحان هرچه عزت و آبرو داریم از اهل بیت (علیهم السلام) و در زیر سایه این بزرگواران است. البته من در مجالس سعی

البتّه معنای این حرف این نیست که هر حادثه‌ی سیاسی در کشور اتفاق می‌افتد، ما باید حتماً در مجلس روضه آن را با یک گرایش خاصی - حالا یا این طرف، یا آن طرف - بیان کنیم و احیاناً با یک چیزهایی هم همراه باشیم؛ نه، اما فکر انقلاب، فکر اسلام، خطّ مبارکی که امام (رضوان الله علیه) در این مملکت ترسیم کردند و باقی گذاشتند، اینها بایستی در مجموعه‌ها و مانند اینها حضور داشته باشد.

هیات اخیراً گروه‌های زیادی در شبکه های موبایلی برای ترویج مباحث دینی و شعر به راه افتاده یا اینکه بسیاری مداحان در شبکه های اجتماعی عضو شده اند، شما اینها را چگونه می بینید؟

ورود به شبکه های مجازی یا به قول حضرت تعالی موبایلی بسیار خوب است و باید به نحو احسن استفاده شود. مقام معظم رهبری هم به این مساله و استفاده بهینه توسط مداحان از تکنولوژی های نوین در سال گذشته اشاره و تأکید داشتند. اما باید دقت داشته باشیم که حریم ها حفظ شود ضمن اینکه از لحاظ



احمد بابایی:

خنثی بودن برای شعر مرگ وجدان است

اما از کسانی که به واسطه دستگیری آنها، شعر برایم موضوعی جدی شد نام دو عزیز را تبرّکاً می‌آورم: استاد انسانی و شیخنا رضا جعفری. استاد انسانی بزرگوار با آن روضه خوانی‌های منحصر به فردش در طول سالیانی طولانی، آرام آرام ارزشمندی شعر را در بساط نوکری، به مخاطبانش نشان می‌داد و بنده هم از مخاطبان دائمی روضه‌های ایشان بوده و هستم. حضرت رضا جعفری نازنین دلتوازانه و فروتنانه و صبورانه، شعر و طبع مرا جدی گرفت و یا لاقلاً کاری کرد که شعر برایم جدی شده و تعریفی تازه بیاید. آن خاطرات شیرین و برخوردهای سنجیده و نقدهای پخته حضرت رضا جعفری هیچگاه از خاطرم نخواهد رفت.

و آن عنصر، «سلیقه و سبک زندگی پدر بزرگوارم» بود که اغلب با شعرهای متعالی آیینی مانوس بود. (در بین آذری زبانان با نام بزرگانی چون یحیوی، منزوی، مضطر، انور، سعدی زمان و... در بین شاعران فارسی زبان با نام مفاخری مانند سازگار، موید، ژولیده، علامه، حسان، انسانی، کربلایی و... برای نخستین‌ها به برکت وجود نازنین ایشان آشنا شدم.) از همان ایام کودکی، این مفاخر و بزرگانی که ذکر نامشان شد، پیش از آنکه در تصور بنده «شاعر» باشند «نوکران آل الله» بودند و ابزار نوکری‌شان، «شعر» بود. به هر حال آشنایی با نوکری و شعر آیینی و روضه را ممنون و مرمون و مدیون پدر بزرگوارم «حاج سیروس بابایی» هستم.

احمد بابایی را بیشتر در دیدار سال گذشته شاعران با رهبر انقلاب که شعری درباره تکفیری‌ها و داعش خواند و شعرش با تشویق مقام معظم رهبری و دیگر شاعران حاضر در جلسه روبرو شد می‌شناسند. فرصتی شد تا به گفت و گویی با این شاعر جوان بنشینیم که متن آن را در ادامه می‌خوانید:

هیات شعر و شعر آیینی را چگونه آغاز کردید؟

اینکه آنچه آغاز شده واقعا «شعر» است یا نه، خودش موضوعی است! با فرض صحت این خوش‌بینی که در سوال شما هست، با اجازه، یک عنصر غیر ارادی اشاره می‌کنم

هیات وضعیت شعر امروز و همچنین شعر آیینی را چگونه می بینید؟

اگر شعر آیینی را در میان همه انواع آثار هنری و ادبی، تافته ای جدا بافته بدانیم گزافه نیست! وضعیت «شعر امروز» (بی در نظر گرفتن شعر آیینی) مانند وضعیت «امروز» ماست. «امروز» هیاهوی فتنه های آخرالزمانی و غبارهای شدید فعلی در فضاهای معرفتی حاکم شده است.

«امروز»، ریزگردهای شبهه و مه دودهای انکار، چشم ها را کور می کند. لاقل امکان تماشای واقعیت ها را از بشر «امروز» گرفته اند. هنر امروز و شعر امروز نتیجه طبیعی «امروز» هستند، هنرمند که از جامعه خود جدا نیست. تاریکی و گرد و خاک و آلودگی و خباثت و گندیدگی و فاجعه و خیانت، دنیای «هنر و شعر امروز» را جولانگاه سرویس های جاسوسی صهیونیستی کرده، شک نکنید!

اما همانطور که عرض کردم «شعر آیینی» در میان همه انواع و اقسام آثار هنری و ادبی، یک تافته جدا بافته است! یعنی همانند رگه شفافیتی که در معدنی سیاه و آلوده، خبر از وجود یک صبح صادق می دهد. عظمت هنر و شعر آیینی امروز را در قیاس با لشگر کشی های ابرهوار شیطان باید تخمین زد! امروز رسماً شیطان در دنیا به قصد تخریب خانه های خدا لشگر کشی کرده و به جای فیل، سوار بر هنرهای سکولار شده است. شعر آیینی، در حکم سجیل است و شاعران و هنرمندان، ابابیل آخرالزمانی ولایت هستند.

تعریف من از وضعیت شعر و هنر امروز جز این نیست: «سیاهی کور» و تعریفم از وضعیت شعر و هنر آیینی امروز «صبح صادق».

هنری که امروز عصای دست کودک کش های دنیاست هنر نیست سحر است. مقام هنر، اجل از این حرف هاست. سحر در شعر و هنر، به دنبال احمق شمردن و احمق ساختن ملت هاست. سحر، سوء استفاده از جهل مردم است. اما هنر، عقل

شعر

آیینی باید هم

زیبا و هنری باشد، هم دارای نوگرایی های جوان باشد، هم زمان شناسی و تکلیف محور باشد، هم معرفتی باشد، هم واجد حال و مضمون و شور و حماسه باشد، هم به مخاطب متنوع خود احترام بگذارد، هم ظلم ستیز باشد، هم یار مظلوم باشد.

و علم را در محیطی با نشاط به یکدیگر می رساند. هنر، پهلوی معجزه می زند. شاعر آیینی، امروز خط مقدم جنگ حق و باطل را می شناسد. بنابراین فریب سامری های مدرن را نمی خورد و به هیچ عنوان نه می خواهد و نه می تواند شعر سکولار بگوید. آنطور که پیداست شعر و هنر سامری های امروز آخرین نفس هایش را می کشد و شعر و هنر آیینی در ابتدای راهی است که پایش ظهور است. انشاء الله.

هیات آسیب های پیش روی شعر آیینی از نظر شما چیست؟

خیلی از این

نهادهای و موسسات

ابداء به مفهوم "جنگ"

نرم "معتقد نیستند و ذاتاً برای دوره صلح، تعبیه شده اند! اگر اینها می دانستند و باور داشتند که جبهه فرهنگی انقلاب و ولایت در چه جنگ وحشتناک و معرکه سرسام آوری مشغول به دفاع هستند، اینقدر خنثی و محافظه کارانه، مانع تراشی نمی کردند

پیش از پرداختن به آسیب ها، به انحرافات رایج در آسیب شناسی های متداول باید پرداخت.

امروز معیارهای نقد شعر آیینی دچار بیماری است، چون تعریف درستی از شعر آیینی امروز انجام نشده است.

بعضی از آسیب شناسی های حرفه ای روزگار ما در شله زرد، دنبال نخود می گردند! یعنی انتظاراتی از شعر آیینی دارند که اصولاً بی وجه است. به عقیده بنده، باید دقت کنیم در این مطلب که شعر آیینی، امروزه یک موجود عزیز و شریفی است که در عین شباهتش به چند گونه شعری سابقه دار، در مقام جمع الجمع، بی سابقه محسوب می شود، فلذا معیارهای نقدش نیز متفاوت است. کسانی که به شعر مذهبی دوره های قبل تعلق دارند (اگر ظرایف شعر آیینی معاصر را نشناسند)، تحمل جوانی های شعر جوان را ندارند و احیاناً به چشم اعتراض به شعر آیینی امروز نگاه می کنند. گاهی کسانی که از فضای روشنفکری و یا گاهی از زاویه اعتراض و چشم اندازهای سیاسی و اجتماعی و یا گاهی صرفاً با دیدگاه انتزاعی زیباشناسی و یا گهگاه تنها از دریچه مخاطب گرایی - و کارگرایی به تماشای وضع موجود و وضع مطلوب شعر آیینی امروز می پردازند و اقدام به آسیب شناسی می کنند.

به هر حال، باید درک کنیم که شعر آیینی امروز با همه انواع متنوع این زوایا متفاوت است. فلذا اغلب آسیب شناسی های موجود، تک بعدی و ناقص هستند.

اما در پاسخ به سوال شما می توانم به طور خلاصه و تیتروار به دو آسیب جدی اشاره کنم: اول - گلخانه ای شدن شعر آیینی، دوم - خنثی و بی تفاوت شدن و کارکردگریزی و مخاطب شناسی شعر آیینی.

شعر آیینی امروز ما چه به لحاظ زیباشناسی و قواعد هنری و چه به لحاظ تکلیف گرایی و قواعد رسانه ای، بار وظایفی را دوش می کشد که به نظرم کسانی که در خلق آثار و یا انتشار و توزیع و تبلیغ و نقد و آسیب شناسی این دو

مفهوم را نشانساند باعث آسیب‌های جدی هستند. فی‌المثل شاعری که بدون توجه به رشد ذائقه ادبی و هنری مخاطب، تنها به وجه رسانه بودن شعر آیینی تکیه می‌کند و یا شاعری که بدون عنایت به نیاز اجتماعی و سیاسی و فرهنگی مخاطب در وهم ذهنی خود مشغول به سرودن شعرهایی زیبا ولی خنثی و بی‌تفاوت است، دچار آسیب وظیفه‌شناسی است.

متأسفانه گاهی انحصارگرایی و تنگ‌نظری‌ها کار را به اتهام‌زنی‌های بی‌فایده کشیده است. شعر آیینی باید هم زیبا و هنری باشد، هم دارای نوگرایی‌های جوان باشد، هم زمان‌شناسی و تکلیف‌محور باشد، هم معرفتی باشد، هم واجد حال و مضمون و شور و حماسه باشد، هم به مخاطب متنوع خود احترام بگذارد، هم ظلم‌ستیز باشد، هم یار مظلوم باشد، ... کار شاعران آیینی برای سرودن شعر متعالی قطعاً دشوارتر از هر فضای شعری دیگر است. شاعران آیینی باید پارامترهایی را در شعر آیینی رعایت کنند که برای دیگر شاعران اصولاً این پارامترها «مطرح» نیست. فلذا اجرشان هم قابل قیاس با دیگر شاعران نیست.

به قول ظریفی، برای ساخته شدن خانه‌ای در بهشت، خانه شاعر در این دنیا ویران می‌شود! فارغ از مزاح این جمله، اینکه در زبان روایات معتبر، می‌فرمایند در ازای هر بیت شاعر، بیتی (خانه‌ای) در بهشت، صله داده می‌شود. آنقدرها نیز ساده‌انگارانه نیست زیرا شاعر آیینی، کار سخت‌تری دارد...

هیات چه راهکاری را برای تقویت شعر آیینی و تربیت شعرای آیینی پیشنهاد می‌کنید؟ و معمولاً برای شعرای تازه کار چه توصیه‌ای دارید؟

من هنوز خودم را تازه کار می‌دانم و به دنبال استاد می‌گردم تا دستگیری کند. باور کنید این حرف‌ها از جنس «روتنی‌های متکبرانه» نیست بلکه واقعیتی است که باید برای همه تازه کارهایی شبیه بنده ملکه بشود. حقیر به جد معتقدم که شاعر اهل بیت

علیه‌السلام هر چه که‌نسال‌تر و ماهرتر می‌شود در ساحت مقدس ستایشگری، خاضع‌تر و تازه‌کارتر می‌شود... بگذریم! اما از جنبه دیگر، تمام فعالان این جریان، باید تجربیات شخصی خود را به اشتراک بگذارند. ما نگاهمان به یکدیگر باید از جنس برادری و محبت باشد و نسبت به ارائه و به اشتراک گذاشتن داشته‌های علمی و تجربی خود، حسود و بخیل نباشیم. زیرا بارگ و پوست و استخوان و با جان و دلمان به این معنا رسیده‌ایم که برکت از در خانه اهل بیت علیه‌السلام نازل می‌شود. پس وقتی همه حسن‌ها و خوبی‌ها و برکت‌ها از اهل بیت علیه‌السلام است، تنگ چشمی چرا؟! کاش محیط‌هایی (چه در عالم واقعی و چه در عالم مجازی) برای این معنا ساخته می‌شد تا هم‌سنگران جبهه اهل‌البیت

کاش محیط‌هایی (چه در عالم واقعی و چه در عالم مجازی) برای این معنا ساخته می‌شد تا هم‌سنگران جبهه اهل‌البیت

"شعر ولایی"،

هیأتی، مذهبی،

دینی، آیینی و... به عنوان یک

تبلیغات مذهبی، بدون هیچ

چشمداشت و بدون هیچ وابستگی

و تعلق به نهادها و موسسات، با انکاء

به خود، بر آمده و رشد کرده است.

پشتیبان شعر آیینی اجل از آن

است که چشم امید به نهادها و

موسسات داشته

باشد!

علیه‌السلام از حال و قال همدیگر باخبر باشند.

هیات به نظر شما مردم شعر آیینی را بیشتر از زبان مداح دوست دارند بشنوند یا شعار؟ چرا ارتباط شعرا با مردم کم شده است؟

به نظرم مردم (که مخاطب اصلی شعر آیینی هستند) در مورد دو موضوع بدون رودریا‌یستی مواجه می‌شوند:

اول - شعر خوب

دوم - شعر خوانی (و ارائه) خوب.

به هر حال این دو موضوع از یکدیگر جدا هستند. شعر خوب، شرایطی دارد و شعر خوانی خوب نیز شرایطی دارد. پس این دو موضوع را مستقلاً باید بررسی کنیم. ای بسا شاعر خوبی که شعر خوانی‌اش ضعیف است و ای بسا مداحی که شعرهای خوب را (و حتی شعرهای بد را!) با شعر خوانی خوشب زنده می‌کند.

نکته اینجاست که طبیعتاً شاعران نسبت به مداحان، احاطه بیشتری به پیچ و خم و ریزه کاری‌های شعر خود دارند و این دست شاعر را برای ارتباط بهتر با مخاطب باز می‌کند.

اما از طرفی دیگر، مداحان برای ارائه و شعر خوانی و مخاطب‌شناسی، علی‌القاعده، مسلط‌تر و آشنا‌ترند.

بنابراین نمی‌توان حکم کلی داد. اما در یک بررسی ناقص (ولی عینی) به نظرم ارتباط مردم با شعر خوانی شاعران رشد بسیار زیادی پیدا کرده است. شاید به دلیل اینکه مداحان، امروزه نسبت به ارائه شعرهای خوب سعی کمتری می‌کنند...

اما درباره قسمت دوم سوال عرض کنم که به نظرم بر خلاف این پندار، به عقیده من، مردم به دلایلی در جای خود باید بحث شود، امروزه ارتباط بسیار بهتر و کامل‌تر و حرفه‌ای‌تری با شعر پیدا کرده‌اند. بنده با این نظری که در سوال طرح شده مخالفم. اقبال مردمی نسبت به شعر خوب و شعر خوانی خوب و جلسات، شعری صرف و استقبال از شاعران آیینی، اصولاً قابل قیاس با سابق نیست از طرفی دیگر، این حجم و این کیفیت در شعر آیینی، کلاً در تاریخ ادبیات ما بی‌سابقه یا لااقل کم‌نظیر است.

هیات نقش مداح را در تولید شعر خوب چگونه می‌دانید؟

مداح اگر درک و فهم درستی از ادبیات و شعر داشته باشد از دو طریق می‌تواند در تولید شعر خوب، ایفای نقش کند: اول - نقش



مستقیم مداح، سفارش «شعر خوب» است! (سفارش می تواند معطوف به موضوع و محتوای ویژه‌ای باشد یا معطوف به قالب و در زمان خاص و ویژه و ...). چیزی که تا حالا دیده شده است (متأسفانه، غالباً) این است که مداحان، «شعر» می خواهند نه «شعر خوب»! ناراحت کننده تر این است که امروزه بیشتر سفارش ها دیگر حتی خواستن «شعر» هم نیست بلکه، «سبک» و ... بگذریم!

دوم - نقش غیر مستقیم مداح، در تربیت مخاطبین و ترغیب آنها به شنیدن و فهم «شعر خوب» است. بسیاری از تغییر ذائقه ها در جمع مخاطبین هیأتی، توسط مداحان انجام می شود. البته در طول سالیان طولانی. این تغییر ذائقه ها، گاهی منفی بوده و گاهی نیز مثبت.

اجازه بفرمایید، نکته ای را متذکر شوم. رابطه مداح - شاعر، متأسفانه بدون تعریف است. نباید بی توجه و بی تفاوت از ظرایف و خصایص ویژه رابطه مداح - شاعر رد شد. خیلی از آسیب های هیأت ها از کامل و درست نبودن رابطه مداحان و شاعران ناشی می شود.

هیات آیا نهادها و موسساتی که در زمینه شعر آیینی فعالیت می کنند توانسته اند به خوبی ایفای نقش کنند؟

پاسخ شما را با توضیح دو تجربه عرض می کنم، یکی «تجربه ناموفق شعر» و دیگری «تجربه موفق» در طول سی و چند سال گذشته و به دلیل دو گونه وابستگی، رگه هایی از شعر انقلاب، روز به روز کمرنگ و بی رمق شده است: اول - وابستگی غیر قابل توجیه به حلقه بسته ای از شاعران و بی توجهی به انتقال نسلی به آیندگان.

دوم - تکیه عجیب و غریب و غیر قابل قبول و بیش از حد به نهادها و موسسات. شک نکنید اگر نبود اعتقادات و باورهای قلبی و تعلقات مذهبی شاعرانی که کاملاً شخصی (و بدون ارتباط با هر موسسه و نهادی) مشغول خلق آثار ادبی هستند، دیگر امروز

انقلاب بود. امروزه رگه های باقیمانده از شعر انقلاب ارتباطی با نهادها و موسسات ندارد. اما به یک تجربه موفق، هم اشاره ای کنم. «شعر ولایی»، هیأتی، مذهبی، دینی، آیینی و ... به عنوان یک تبلیغات مذهبی، بدون هیچ چشمداشت و بدون هیچ وابستگی و تعلق به نهادها و موسسات، با اتکاء به خود، برآمده و رشد کرده است. پشتیبان شعر آیینی اجل از آن است که چشم امید به نهادها و موسسات داشته باشد!

شاعران اهل بیت علیه السلام خود را سربار، نوکر، خادم، عاشق و دلدادۀ آل الله علیه السلام می دانند. اگر نهادها و موسسات برحسب قانون، احساس می کنند که در قبال شعر و شاعر آیینی وظیفه ای دارند، محبت فرموده و مانع سرعت کار شاعران آیینی نباشند! امیدوارم هیچگاه «تجربه موفق» استقلال شعر و شاعران آیینی از نهادها و موسسات، دچار شکست نشود. امروزه

هیچ خبر شنیدنی از جریانات شعر انقلاب وجود نداشت! اگر کلام بنده، برای بعضی ها سنگین و تلخ می باشد، لطفاً به دغدغه های فرهنگی حضرت آقا تاملی دقیق تر کند! یا به گلایه های مراجع و اندیشمندان نگاه کنند. این دغدغه ها و این گلایه ها به وضوح ایرادها را نشان می دهد.

نهادها و موسسات غالباً وظیفه خود را نمی شناسند و غالباً به وظیفه خود عامل نیستند

ظاهراً خیلی از این نهادها و موسسات ابداً به مفهوم «جنگ نرم» معتقد نیستند و ذاتاً برای دوره صلح، تعبیه شده اند! اگر اینها می دانستند و باور داشتند که جبهه فرهنگی انقلاب و ولایت در چه جنگ و حشتناک و معرکه سرسام آوری مشغول به دفاع هستند، اینقدر خنثی و محافظه کارانه، مانع تراشی نمی کردند. به هر حال اینهایی که عرض کردم یک «تجربه ناموفق» در فضای شعر

قدرت شعر آیینی و اعتلای غیر قابل کتمان این نوع شعری آنقدر بالاست که دیگر هیچ نهاد و موسسه و منتقد و رسانه‌ای نمی‌تواند بی‌توجه از این ماهیت بگذرد، اما به نظر بنده، بزرگان و وامداران و تاثیرگذاران شعر آیینی باید با تمام قوا، در مقابل اثر گذاری (منفی) نهادها و موسسات بایستند. شاعر آیینی حتی برای معیشت و مسکن و بیمه و ... نباید ذلیل نهادها و وزار تخانه‌ها و ... باشد. در عالم تشبیه، استقلال شاعران، مانند استقلال مراجع و حوزه‌هاست. عدم وابستگی شاعران به مبادی رسمی دولتی در مثل مانند لزوم وابسته نبودن مساجد و هیأت‌ها به نهادهاست!

اینکه در سوال پرسیده شده «آیا نهادها و موسساتی که در شعر آیینی فعالیت دارند توانسته‌اند به خوبی ایفای نقش کنند؟» پاسخش را به نظر من با توجه به آن تجربه ناموفق در شعر انقلاب، با یک طنز تلخ باید داد: اگر این نهادها وظیفه‌اشان جلوگیری از رشد شعر آیینی است، بله، به خوبی ایفای نقش کرده‌اند!

به هر حال عملکرد این نهادها، در بهترین حالات و موفق ترین شیوه، بازی برای استقلال «شعر آیینی» مضر است. به نظر بنده وظیفه نهادها و موسسات در قبال شعر و شاعران آیینی، کمک به رشد فضای تحقیق و پژوهش و آموزش و ایجاد و توسعه زیرساخت‌های لازم در سطح کشور و به حداقل رساندن دخالت‌ها در مسیر شعر آیینی است. نهادها و موسسات باید خادم خاشعی برای شعر آیینی باشند.

هفت اخیرا گروه‌های مختلفی در زمینه شعر آیینی در شبکه‌های اجتماعی موبایلی شکل گرفته است. نظر شما در این زمینه چیست؟ آیا در این گروه‌ها یا شبکه‌های اجتماعی فعال هستید؟ نقاط مثبت و منفی اینگونه گروه‌ها چیست؟

ماهیت شبکه‌های اجتماعی موبایلی (فارغ از آسیب‌های امنیتی آشکار، که بارها شنیده و

دیدهایم) از لحاظ تهدیدات فرهنگی شدیداً مناقشه برانگیز است. فلذا اجازه بدهید بدون رودربایستی پاسخ صریحی به این سوال بدهم. بنده بعد از چند ماه فعالیت در این شبکه‌ها و گروه‌ها به تمام دوستان و رفقای اندیشمند و بزرگوارم پیشنهاد می‌کنم که به این فرآورده‌های تکنولوژیک خوش بین نباشند.

پس از این بحث اولیه، درباره ماهیت پرخطر این شبکه‌ها، اگر بخواهم به طور خلاصه درباره نقاط مثبت و منفی اینگونه گروه‌ها سخنی عرض کنم به یک گزینه منفی و به یک مورد مثبت اشاره می‌کنم:

اول - ارتباط مستقیم یک شاعر با جمع شاعران و یا جمع مخاطبان خود، اصولاً اتفاق جالب و مبارکی است. این گروه‌ها می‌توانند قدرت یک رسانه شخصی را داشته باشند و واسطه‌ها را در توزیع شعرهای خوب از بین ببرند. به هر حال اینها موارد مثبتی هستند که برای استفاده کنندگان می‌تواند دامن خیرات و برکات باشد.

دوم - در ادامه بحث اولیه‌ام پیرامون ماهیت این شبکه‌ها عرض می‌کنم که در فضای مجازی، بیش از آنکه، شئون حقیقی شناسنامه‌دار، حاکم باشند، این نقاب‌ها هستند که حرف می‌زنند. فضاهای مجازی، سرزمین سوء تفاهم‌هاست.

هفت فاصله شعر آیینی امروز را با مولفه‌های رهبر انقلاب درباره شعر آیینی چقدر می‌بینید؟

مولفه‌هایی که رهبری عزیز درباره شعر عموماً و درباره شعر آیینی خصوصاً مطرح می‌کنند عالمانه و دلسوزانه و آگاهانه و بسیار اهمیت و حیاتی است. ایشان با وجود تأییدات مکرری که از سیر رشد شعر به عمل آورده‌اند علی‌الدوام نسبت به موانع و ضعف‌ها تذکر جدی فرموده‌اند. علی‌ایحال به تجربه عرض می‌کنم که در سی و شش سال گذشته آثار خلق شده در هیچ شیوه و اسلوب ادبی مانند شعر ادبی به مولفه‌های رهبری نزدیک نبوده است.

اهالی این جریان شعری، اغلب با حساسیت نسبت به فرمایشات بزرگان و مراجع و رهبری دست به خلق آثار شعر می‌زنند و بیشتر از هر هنرمند و ادیبی در این سرزمین، دغدغه عمل به این منویات را دارند، بدون آنکه بخواهند جارجنجال تبلیغاتی کنند. علی‌رغم همه بی‌ادبی‌ها و فتنه‌انگیزی‌ها، الحمدلله، ارتباط عاطفی اهل شعر آیینی با حضرت آقا هر روز بهتر و قوی‌تر شده است. شاید دلیل این امر، اعتماد دوطرفه رهبری و شاعران آیینی است. اما اینکه آیا شعر آیینی دقیقاً همان است که باید باشد؟ پاسخش کاملاً معلوم است که «نیست» دهها دلیل این برای این «نیست» وجود دارد، اما فقط به یکی از آنها اشاره می‌کنم و آن بی‌سابقه بودن فضای تاریخی امروز ماست. خارج شدن مکتب شیعه از حالت غربت اپوزیسیونی و ورود به ساحت آخرالزمانی حکومت جهانی مهدوی به برکت خون شهدا، همه عناصر هنری و ادبی را مات کرده است. شعر آیینی (مثل همه هنرها و گونه‌های شعری) از انقلاب اسلامی و اکنون تاریخی ما عقب مانده است... باید به سمت استقرار حاکمیت ولایت الله بر تمام دنیا حرکت کرد. شعر آیینی جزء پیشروترین هنرهاست اما همه ما از شهدا عقب‌تریم... انشاءالله دعای شهدا، شامل حال ما هم باشد.

هفت چرا شعرای آیینی ما از مسائل روز در شعر خود بهره نمی‌گیرند؟

عقب‌ماندگی از سرعت اتفاقات عالم اسلام، گاهی در لایه‌های سیاسی و گاه در لایه‌های فرهنگی دیده می‌شود. بسیاری از مدعیان عقب‌افتاده از فرط اعتیاد به باورهای تخیلی، از تحلیل حوادث حیرت‌آور روزگار عاجزند.

نه تنها از تحلیل، عاجزند بلکه به دلیل حماقت‌های تاریخی این خوارج گستاخ، حرکت امت اسلام در مسیر اصلاح، آماج تمسخرها و اتهام‌ها و زخم‌زبان‌ها قرار می‌گیرد. وقاحت و بی‌شمیری و جسارت کوتوله‌های بی‌چشم و رو غالباً با لاف‌های

شیعی نما و گزاف‌های دینی نما همراه است. اسلام آمریکایی و تشیع‌های منحرف و بیمار لندنی و صهیونیستی، دست از سر مردم و نظام نمی‌کشد.

به هر حال فتنه مذهبی، در خاکریزها و لایه‌های مختلف به شکلی و به رنگی مشغول به کار است. این خوارچ و قیج، دین ما را در حد معیوب ذهن خود می‌شناسند. آنها دین را مثل کشتی بزرگی می‌دانند که در ساحل امنی پهلو گرفته است.

اهل مهدویت می‌دانند که کشتی در ساحل، امن تر است ولی برای این کار ساخته نشده است. اینها در خاکریز اهل علم، به گونه‌ای نیروگیری کرده‌اند. در خاکریزی طایفه مداحان به گونه‌ای دیگر، در خاکریز شاعران آیینی نیز بدون شک نیروگیری کرده‌اند. به هر حال این قبیله کور و کر، اگر چه با ظاهری شدیداً متعصب نسبت به مبانی تشیع جلوه‌فروشی می‌کنند اما کاملاً پیداست که شارلاتان‌های دنده اتوماتیکی هستند که برای کلاه گذاشتن بر سر خلق الله از هیچ فریبی رویگردان نیستند.

این تیپ گنده گوی بزدل، اعتقادی به اصالت وحی و حجیت عقل ندارند و روی دیگر سکه وهابی‌ها هستند یعنی با تکیه بر ظواهر، به راحتی دیگران را تکفیر می‌کنند. گاهی اوقات، برخی از شاعران آیینی را می‌بینید که شدیداً در خلق اثر خود، مشغول به پیچ و تاب‌های انتزاعی و ذهنی خودشان هستند و وظیفه اجتماعی خود را فراموش کرده‌اند، اینها نشانه‌هایی آشکار نفوذ فتنه مذهبی است. خنثی بودن و بی‌تفاوتی برای شعر، در حکم مرگ وجدان است. تعارف نمی‌توان کرد؛ بعد از قرن‌ها شیعه با تمام حیثیت خودش به میدان آمده و عده‌ای ناقص‌العقل به نام شیعه‌گری در پی بدنام کردن شیعه هستند و به دنبال احمق‌نشان دادن شیعیان. به چه دلیل باید سکوت کرد؟! وقتی می‌بینیم که ربط و بسط این خوارچ مدرن با وهابی‌ها و صهیونیست‌ها و ضد انقلاب کاملاً آشکار است.

به هر حال در خاکریز شعر آیینی هم

می‌توانیم
به طور خلاصه و
تیتروار به دو آسیب جدی
اشاره کنیم: اول - گلخانه‌ای
شدن شعر آیینی، دوم -
خنثی و بی‌تفاوت شدن و
کارکردگری و مخاطب
نشناسی شعر آیینی

متأسفانه گهگاهی بوی گند تشیع انگلیسی شامه‌آزار است، همانطور که در خاکریزی وعاظ و مداحان هم متأسفانه گهگاه این بوی تند و آزاردهنده به مشام می‌رسد. تعارف نمی‌شود کرد ... بلاشک می‌دانید امروزه سخن گفتن از مصائب و مداخل حسین علیه‌السلام در شعر، نه تنها منافع و آبرورادر خطر نمی‌اندازد بلکه منافع و آبروها را تامین هم می‌کند، اما اگر شاعری به فضای انقلاب و اسلام سرخ شهادت طلب وارد شود، منافع و آبرویش را به خطر انداخته است!

فلذا شک نکنید جوانمردی آن است که همانطور که از حسین علیه‌السلام دم می‌زنیم از تداوم خط سرخ او تا امروز نیز در شعرهایمان حرف بزنیم. یعنی سرایش شعر آیینی باید مسولانه و غیرتمندانه و عاقلانه باشد. البته توجه کنیم به این مطلب که شعر آیینی در مسیر رشد است. تمام تجربه تاریخ ادبیات و کوهی از مکاشفات و دریایی از خلاقیت پشتگرمی این حرکت آخرالزمانی است. اصلاً به عقیده من گوشت ادبیات، با بسم‌الله شعر آیینی، حلال می‌شود!

ستون این بسم‌الله، ولایت است. برای شکستن این ستون، اوباما و تو می‌کند، پاپ سکوت می‌کند، روشنفکر پلورالیست خمیازه فلسفی می‌کشد، مفتی‌های وهابی تکفیر می‌کنند، داعش ذبح می‌کند؛ اما باید

بدانیم شکستن این ستون، برای دو گروه آسان تر از همه اینهاست: «عالم متهتک و جاهل متنسک». تشیع لندنی، نماد واضح و آشکار، «عالم متهتک و جاهل متنسک» است در دوره ما.

هیات چه راهکارهایی برای تقویت شعر آیینی با شاخصه‌های مورد نظر رهبری می‌بینید؟

در دو سوال گذشته به طور خلاصه عرض کردم که همه هنرها و همه انواع شعرها نسبت به ذات انقلاب اسلامی، جامانده‌اند. گفتیم که با این همه شعر آیینی مسئولانه‌تر از هر گونه ادبی دیگر نسبت به زمانه خود بر خورد می‌کند. برای تقویت شعر آیینی با شاخصه‌های مورد نظر رهبری ناگزیریم که با برخورد‌های علمی و آکادمیک شروع کنیم. ارائه مقالات کارشناسانه و پایان‌نامه‌های مرتبط با شعر آیینی و برگزاری جلسات هم‌اندیشی در موضوعات و زیرشاخه‌های متکثر شعر آیینی از راهکارهایی است که باید مدنظر قرار دارد. تدوین شیوه‌نامه‌های جامع نقد شعر آیینی نیز از امور مغفول مانده‌ای است که باید انجام شود. از طرفی باید با سعه‌صدر و نگرشی تخصصی و حرفه‌ای، بانک اطلاعاتی جامعی مربوط با شعر آیینی و شاعران آیینی به صورت کامل ساخته و آماده بهره‌برداری گردد.

الزاماً باید یک نهضت نرم‌افزاری و دیجیتالی برای ایجاد ارتباط‌های درست و منطقی میان شاعران آیینی و همه دلبستگان و مخاطبان انجام گیرد و اجازه وجود فضای پر ابهام مافیایی در توزیع و انتشار اشعار داده شد.

بد نیست اشاره‌ای به این موضوع داشته باشیم که جای جای جایزه سال کتاب شعر آیینی کاملاً احساس می‌شود و ای کاش نسبت به تهیه هدیه‌های درخور و داورهای مقبول اقدام لازم انجام گیرد.

هیات بسیار سپاسگزارم از وقتی که در اختیار ما قرار دادید...



حاج علی اکبر فدائی:

هیئات باید سیاسی باشند ولی اهل سیاسی کاری نباشند

هیات رزمندگان غرب تهران محبان فاطمه زهرا(س) یکی از آن هیات هایی است که در کشور نمونه یک هیات الگو و یک هیات داری مدبرانه است. از قرائت قرآن و سخنرانی و مداحی تا مستمعین و پذیرایی کنندگان و نظافت و ... همه دست به دست هم داده اند تا یک هیات شاخص را به نمایش بکشند. مسلماً یکی از ارکان اصلی این توفیق مدیریت مناسب هیات است لذا در این شماره ماهنامه فرصتی را با حاج علی اکبر فدائی به گفت و گو نشستیم تا بتوانیم گوشه های این موفقیت را به نمایش بکشیم.

از سخنرانی مشهور ایشان در رابطه با تهاجم فرهنگی بود. اعضای هیات امنای آقایان پرویز سروری، سعید حدادیان، صفرعلی براتلو، داود غفارپور، محمد

این هیات شاید اولین هیاتی باشد که با نام هیات رزمندگان تشکیل و شروع به فعالیت نموده، یعنی بعد از سخنرانی تاریخی آقا در تیرماه سال ۱۳۷۱ و پس

هیات لطفاً بفرمایید هیات چه زمانی تشکیل شد و هیات امناراً در حال حاضر چه کسانی تشکیل می دهند.

رسولی، احمد ذوالقدر، عبدالله سهرابی، غلام حسین کمیجانی و بنده (علی اکبر فدائی) هستیم.

هیأت با توجه به اینکه محوریت مداحی در هیأت آقای حدادیان است بفرمایید سخنرانان هیأت چگونه انتخاب می شود.

دعوت از سخنرانان عمدتاً توسط حقیر صورت می گیرد ولی در مواردی نیز از دیگر اعضای امنا بخصوص حاج سعید حدادیان هم کمک گرفته می شود.

هیأت در زمینه آنچه باید مداح بخواند از شعر گرفته تا سبک و آهنگ و آنچه باید سخنران بگوید هم وارد می شوید یا به عهده خودشان واگذار می کنید؟

در رابطه با حاج سعید آقا، که بحمدالله خودشان استاد هستند و صاحب نظر و صاحب سبک و نیز دارای طبع شعر و ذوق و قریحه های هنری ولی در عین حال ایشان اشعاری را که خود می سرایند قبلاً در جمع محدودی از امنا و خادمین می خوانند یا بهتر بگویم اجرا می کنند که بدیهی است از نقطه نظرات دوستان متواضعانه استفاده می کنند.

در رابطه با سخنرانان با توجه به سطح سخنرانانی که دعوت می شوند عمدتاً در انتخاب موضوع آزادند لیکن سوژه ها و پیشنهاداتی اگر باشد قبلاً از سخنرانانی که به ایشان ارائه و معمولاً پس از هر سخنرانی که به دفتر تشریف می آورند اگر مطالبی باشد حتماً در میان گذاشته می شود. به هر حال مخاطب شناسی و روان شناسی مستعین بسیار مهم است که آقایان سخنران آن ها را در نظر دارند.

هیأت کارهای جانبی هیأت چیست؟ از قبیل کمک به نیازمندان و یا اردوهای زیارتی و...

یکی از بهترین کارهایی که هیأت از

همان ابتدا در دستور کار قرارداد تشکیل صندوقی به نام خیریه حضرت معصومه سلام الله علیهاست که وظیفه اش کمک و مساعدت به خانواده های آبرومند و نیازمند است. از همین رهگذر هزینه تحصیل، تهیه جهیزیه، مساعدت در امر جراحی بیماران و غیره بوده و به طور متوسط تحت پوشش قرارداد ۱۱۰ خانواده آبرومند که کمک هایی به آن ها می شود و ۱۴ بچه یتیم از سادات است که کمک های به صورت ماهانه صورت می گیرد.

بحمداله در طول سالیان متمادی اقدامات بسیار خوبی از این دست انجام شده که در این مجال نمی گنجد.

هیأت تاکنون برای تقویت فعالیت های جانبی هیأت از قبیل احداث کتابخانه، مرکز فرهنگی، کلاسهای مختلف علمی و فرهنگی و باشگاه ورزشی و... اقدامی کرده اید؟

در سال های اولیه هیأت ۲ برنامه با حضور شرکت کنندگان در مشهد داشتیم که به صورت خانوادگی در برنامه حضور یافتند. چند راهپیمایی از محل هیأت به مرقد امام رحمه اله علیه داشتیم؛ یک برنامه راهیان نور در جبهه های جنوب داشتیم که روز عرفه دعای عرفه در مشهد شهدای شلمچه توسط حاج سعید اجرا شد.

در این چند سال اخیر تقریباً همه ساله اردویی با حضور خادمین خواهر و برادر هیأت با استعدادی حدود ۱۸۰ نفر در ماه های بهمن یا اسفند در مشهد داشتیم که در طی این اردو برنامه های عقیدتی - سیاسی نیز اجرا می شود. از دیگر موارد اعزام خادمین هیأت به صورت خانوادگی به مشهد مقدس نیز هست که سال قبل از انجام و بناست این شالله امسال نیز انجام شود. بناست این شالله حداقل فواصل فاطمیه اول و دوم در سال ۹۴، اردوی راهیان نور در مناطق

جنگی نیز داشته باشیم.

هیأت تاکنون برای تقویت فعالیت های جانبی هیأت از قبیل احداث کتابخانه، مرکز فرهنگی، کلاسهای مختلف علمی و فرهنگی و باشگاه ورزشی و... اقدامی کرده اید؟

ما در طول سالیان گذشته به طور متوسط سالی ۱۱۰ برنامه داشته ایم. از آن جایی که عمده برنامه های هیأت صبح برگزاری می شود و این به آن دلیل است که از ابتدا بنا این بوده که تراحمی با برنامه های مساجد و هیئات محلی نداشته باشد و موجب تضعیف آن ها نشود لذا اجرای برنامه های فرهنگی خیلی امکان نداشته ولی برنامه های مسابقات فرهنگی - کتابخوانی، حفظ دعاها و مآثره از جمله مناجات شعبانیه و دعای ابو حمزه ثمالی داشته ایم که مورد استقبال نیز قرار گرفته است. یکی از برنامه های خوب فرهنگی که در هیأت اجرا شده برپایی پایگاهی قرآنی در ماه مبارک رمضان گذشته بود که پدران و مادرانی که در برنامه های شب های رمضان حضور می یافتند فرزندان خود را همراه آورده تحویل پایگاه می دادند که هر شب حدود ۲ ساعت تحت تربیت مربیان عزیز قرار گرفته هم برنامه های قرآنی و ورزشی و فرهنگی داشتند که بسیار مورد استقبال قرار گرفت. حدود ۳۰۰ نفر از دختران و پسران در برنامه ها شرکت داشتند که شبستان مسجد امام حسن مجتبی (علیه السلام) و هم سالن ورزشی ۹ دی مورد استفاده قرار گرفت. جالب اینجاست که اکثریت قریب به اتفاق پدران و مادران خواهان این بودند که این برنامه ها در طول سال اجرا شود که متأسفانه به دلیل محدودیت هایی که در مکان هیأت است عملاً این موضوع میسر نشد. این شالله در سال جاری نیز حداقل ماه مبارک این کار انجام خواهد شد.



که این امر شاید برای خدمتگزاران هیأت صعوبت داشته باشد. به هر حال کمک‌هایی که مردم می‌کنند می‌تواند بخشی از هزینه‌های جاری را پر کند. بدیهی است برای هزینه‌هایی همچون تعمیرات، نگهداری، صوت، گرمایش و سرمایش و... هزینه‌های زیادی دارند که باید مسئولین محترم برای یک چنین مراکزی فکری کنند. شما ببینید داشتن حداقل ۱۱۰ برنامه در سال و به‌طور متوسط حدود ۳۰۰۰ نفر شرکت در برنامه‌ها و نیز هر برنامه به‌طور متوسط ۲ ساعت چه حجمی را به لحاظ نفر ساعت پوشش می‌دهد.

جالب اینجاست که تمامی این امور کاملاً به‌صورت مردمی و داوطلبانه انجام می‌شود، نیروی موظف و حقوق‌بگیر نداریم و این هنر بچه‌هیاتی‌هاست که با هنر مدیریت جهادی خود این کارها را انجام می‌دهند. حرف در این مقوله بسیار است.

هیأت **تنظیم قسمت‌های مختلف هیأت از قبیل پذیرایی، حراست، صوت و تصویر، نظافت و... معمولاً چگونه انجام می‌شود؟**
این امور کاملاً به‌صورت مردمانه و

مگر
می‌شود ما بینش
سیاسی نداشته باشیم و
نسبت به مسائل سیاسی
بی تفاوت باشیم؟ به تعبیر
حضرت آقا ما "هیأت سکولار
نداریم". نمی‌شود از انتظار گفت
از انتظار عدالت دم زدولی با
ظالمان نجنگید

شاید بتوان گفت از مشکلات است که ما در این زمینه هم به روش سنتی عمل می‌کنیم و در تمامی جلسات در کنار جمع‌آوری صدقه، برای رفع نیازهای هیأت هم به‌صورت موردی و هم به صورت ماهانه کمک جمع می‌کنیم. دوستانی که در مهدیه امام حسن مجتبی (ع) حضور یافته‌اند می‌دانند که مساحت مهدیه حدود ۵۰۰۰ مترمربع است بدیهی است حفظ و نگهداری و سرپا نگه داشتن این فضا هزینه‌هایی دارد که با کمک‌های مردمی نمی‌توان این امور را سامان داد و بالاچار باید دست به دامان مسئولین محترم شویم

از دیگر اقدامات فرهنگی در حاشیه برگزاری هیأت، حضور طلاب فاضل به عنوان مشاور است که با نصب تابلو کاملاً در معرض دید هستند و مراجعین بسیار داشته‌اند معمولاً این برنامه در شب‌های ماه مبارک و ایام محرم و دهه‌ها انجام می‌شود. سال قبل از عزیزان ستاد قامه نماز نیز حضور داشتند. طلبه‌های عزیز از طلابی هستند که موسسه ایمان ماندگار تحت سرپرستی حضرت آقای جاودان اعزام می‌شوند.

هیأت **به نظر شما سخت‌ترین کار در مدیریت هیأت چیست؟ چه مشکل‌هایی در هیأت پیش رو دارید؟**

از معصوم شنیده‌ایم که بهترین کارها، سخت‌ترین آن‌هاست کار در فضای هیأت سختی ندارد بلکه شیرینی و حلاوت خاص خود را دارد. وجود نازنین امام حسین (ع) در روز عاشورا پس از شهادت ۶ ماهه‌اش در آغوش فرمودند خداوند! خوشحالم از این که این اتفاقات در پیشگاه تو صورت می‌گیرد. لذا مرارت‌ها و سختی‌های این کار و این مسیر شیرین خاص خود را دارد. به هر حال امروز تامین اعتبارات مورد نیاز را



همیشه عرض کرده‌ام برنامه هفتگی ما که قرائت زیارت عاشورا است در حقیقت، در زیارت عاشورا اعلام می‌کنیم که «انی مسلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم الی یوم القیمه» و یا در فرازی دیگر می‌خوانیم «اللهم اجعل محیای محیا محمد...» یعنی از خداوند می‌خواهیم خدایا شهادت در راه خود را نصیب ما کن پس یکی از شاخصه‌های مهم هیات‌ها و به خصوص هیات‌های رزمندگان باید بسط و گسترش روحیه شهادت‌طلبی باشد.

هیأت ورود هیأت به مسائل سیاسی از نظر شما چگونه باید باشد؟

عرض کردم وقتی ما دم از زیارت عاشورا می‌زنیم و در حقیقت اعلام مواضع می‌کنیم یعنی چه؟ سلم با چه کسی و حرب با چه کسی؟ مگر می‌شود ما بینش سیاسی نداشته باشیم و نسبت به مسائل سیاسی بی تفاوت باشیم؟ به تعبیر حضرت آقا ما «هیأت سکولار نداریم». نمی‌شود از انتظار گفت از انتظار عدالت دم زد ولی با ظالمان نجنگید. ما اعتقاد داریم که باید هیأت ورود به مسائل سیاسی داشته باشند.

ما اعتقاد داریم که باید هیأت ورود به مسائل سیاسی داشته باشند ولی اهل سیاسی کاری نباشند. بازی سیاست‌بازان را نخورند. ملعبه دست جناح‌ها و گرایش‌ها نشود. در مسائل اساسی انقلاب حضوری فعال داشته باشند.

هیأت شاخصه‌های هیأت خوب از نظر شما چیست؟

بدیهی است هیأت‌های رزمندگان باید دارای شاخصه‌هایی فراتر از هیأت‌های دیگر باشند. هیأت رزمندگان باید رزمنده‌پرور باشد. تلاش کند روحیه استقامت و پایداری را در جامعه زنده نگه دارد. روحیه ولایت‌پذیری را گسترش دهد. نسبت به مسائل روز توجه داشته باشد. اولویت‌ها را در نظر بگیرد. منویات مقام ولایت را نصب‌العین خود قرار دهد در یک کلمه سرباز تربیت کند برای ظهور حضرت ولی عصر (عج). حقیر

داوطلبانه انجام می‌شود. جالب است بدانید هم‌چنان که در زمان جنگ شاهد بودیم نسل اول و دوم انقلاب کنار هم می‌جنگند امروز بحمدالله در این هیأت هم‌چون سایر هیأت‌ها نسل اول و دوم و سوم و حتی چهارم انقلاب در کنار هم انجام وظیفه می‌کنند بدون هیچ‌گونه چشمداشتی به عنوان مثال بخش‌های تصویر و اینترنت ما توسط یک عده جوان و نوجوان اداره می‌شود و حتی صوت هیأت در بخش پذیرایی هیأت که عمدتاً تهیه صبحانه است بسیاری از عزیزان ساعت‌ها قبل از اجرای برنامه در محل هیأت حضور می‌یابند تقریباً از شب پنجشنبه عزیزان، حضور دارند تا برمانه صبحانه روز پنجشنبه را آماده کنند و جالب است ابتکاراتی به خرج می‌دهند و با عشق و علاقه پذیرایی‌ها از عزیزان با توجه به وسع هیأت انجام می‌دهند که در کم‌تر جایی می‌توان سراغ گرفت. معمولاً هزینه‌های این برنامه‌ها را بانیان محترم که خود از شرکت کنندگان در هیأت هستند تامین می‌کنند. در بخش پذیرایی جالب است بدانید که عمدتاً عزیزان ما دارای تحصیلات عالیه هستند.

ولی اهل سیاسی کاری نباشند. بازی سیاست‌بازان را نخورند. ملعبه دست جناح‌ها و گرایش‌ها نشود. در مسائل اساسی انقلاب حضوری فعال داشته باشند. خداوند را شاکریم که به این هیأت توفیق داد در فتنه‌هایی که در سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸ در این کشور اتفاق افتاد حضوری فعال داشت و در حقیقت مکان هیأت یکی از پایگاه‌های مهم دفاع از نظام مقدس جمهوری اسلامی بود. بحمدالله مداح هیأت، حاج سعید آقا دارای بینش سیاسی است و خوب مسائل را می‌فهمد و عندالزوم معمولاً با هماهنگی با هیأت امناء، اعلام موضع می‌کند. شاید بتوان گفت یکی از سیاسی‌ترین ذاکرین اهل بیت علیهم السلام در این عصر باشد.

هیأت برای اینکه قرآن در هیئات از مہجوریت خارج شود چه باید کرد؟ در این زمینه چه کارهایی کرده اید و چه برنامه‌هایی دارید؟

بدون استثناء در تمامی جلسات هیأت قرآن تلاوت می‌شود که عمدتاً به صورت ترتیل است و یک سوره خاص تلاوت می‌شود و حضار هم قرآن به دست می‌گیرند، در ماه مبارک رمضان برنامه جزءخوانی از ابتدا بوده است.

تلاش‌هایی هم در رابطه با قرآن داشتیم که به نظرمان کفایت نمی‌کند و باید بیش‌تر از این‌ها کار کرد. در همین رابطه سال قبل تلاش شد با محوریت هیأت، شورای قرآنی منطقه خود ۱۰ تهران راه‌اندازی شود که انجام شد و دستگاه‌های دیگر هم تشریک

مساعی کردند لیکن به تلاش بیش‌تری نیاز است و باور داریم که کاری را که باید انجام دهیم، انجام نداده‌ایم. اضافه کنم در برنامه‌های خاص از حضور قراء محترم و بین‌المللی کشور دعوت می‌شود و سال قبل در شب عید فطر از حضور حافظ جوان و اعجوبه کشور جناب محمد مهدی حق‌گویان دعوت شد در برنامه حضور یافتند که خیلی مورد استقبال قرار گرفت. همین‌جا عرض کنم که بحمدالله حاج سعید آقا نیز با قرآن بسیار مانوس هستند و مبلغ این موضوع که جوان‌ها در جیب خود یک جلد کلام الله مجید داشته باشند.

هیأت چه باید بکنیم تا نکاتی که رهبر انقلاب برای هیئات در نظر دارند عملی شود؟

بدیهی است سخنرانی‌ها در طول سالیان متمادی گذشته که رهبر عزیز و فرزانه انقلاب به‌خصوص در سالگرد ولادت حضرت زهرا (س) مطالبی را در جمع مادیحین و ذاکرین اهل بیت علیهم السلام داشتند باید جمع‌آوری و بایدها و نبایدهای آن استخراج و به عنوان منشور کاری سرلوحه امور قرار گیرد. در مجله هیأت که توسط هیأت رزمندگان اسلام چاپ می‌شود برخی از این رهنمودها را دیده‌ام. خوبست این مطالب تحت عنوان «بایدها و نبایدها» جمع‌آوری و در اختیار هیأت قرار گیرد که همگی ضمن عمل به آن‌ها، پایبندی خود را نشان دهیم که ولایت‌پذیری یعنی این.

هیأت فعالیت هیأت در فضای مجازی را چگونه می‌بینید؟

این هیأت بحمدالله شاید از اولی‌ترین هیئات باشد که پخش اینترنتی داشته و به‌خصوص در ماه‌های رمضان و محرم که پخش مستقیم دارد و بسیار مورد استقبال قرار گرفته و در اقصی نقاط عالم از آن بهره‌می‌برند که توصیه می‌کنم با مسئولین مربوطه نیز مصاحبه‌ای داشته باشد. همچنین سامانه پیامکی هیأت با حدود ۷۰۰۰ مشترک فرصت خوبی است برای اطلاع‌رسانی برنامه‌ها. در شبکه‌های مجازی خادمین هیأت نیاز فعال هستند نکته حائز اهمیت این است که به دوستان عرض کرده‌ایم که فضای مجازی نیز همچون فضای واقعی است و هم قداستی که در فضای واقعی وجود دارد در فضای مجازی هم باید وجود داشته باشد.

هیأت برنامه‌ها از چه طریق اطلاع رسانی می‌شود؟

از طریق سایت هیأت به نشانی valasr.ir همچنین ما همه ساله برنامه‌های هیأت را در قالب یک تقویم دیواری چاپ می‌کنیم که برنامه‌های صبح و شب آن هر یک با رنگ مخصوصی نمایش داده می‌شود و این یکی از بهترین روش‌های اطلاع‌رسانی است. در عین حال در مناسبت‌ها از شبکه و سامانه پیامکی نیز استفاده می‌شود.

هیأت تربیت نیروی هیأتی در این هیأت چگونه بوده است؟



جمعیت است. نکته جالب جوان بودن جمعیت است که بسیار حائز اهمیت است.

در توهینی که به ساحت مقدس پیامبر اسلام اخیراً انجام شد اقدام خوبی هیأت داشت که در نوع خود کم نظیر بود. در ایام فاطمیه منتهی به سال ۹۳ یک برنامه ابتکاری انجام شد و آن مراسم نکوداشت شاعران و ذاکران اهل بیت علیهم السلام آقای حاج محمود ژولید، سید محمد میرهاشمی و حاج رضا پورا احمد بود که بسیار زیبا و در عین حال باصفای معنوی خاصی برگزار شد که بسیار مورد توجه قرار گرفت. قرار است این شالاه این برنامه در سال ۹۴ نیز ادامه یابد.

هیات سپاسگزارم از فرصتی که در اختیار ما قرار دادید.

انجام داده اید به نظر تان چیست؟

از جمله ابتکارات هیأت رزمندگان غرب تهران که شاید بتوان گفت بنیانگذار این کار بود راه اندازی دسته عزاداری به مناسبت شهادت حضرت زهرا (س) است که بحمدالله مورد توجه و عنایت و تاکید مراجع عظام تقلید قرار گرفت و امروز تبدیل به یک فرهنگ شده است.

بعد از ماه مبارک رمضان و عرفه پر جمعیت ترین برنامه های هیأت دهه اول محرم است. جالب این جاست که برنامه دهه اول در طول سالیان گذشته در زمستان واقع شده که برای اقامه نماز جماعت صبح شیفتگان و عاشقان اباعبدالله علی رغم این که خود شبها در برنامه های محلی خود حضور دارند در برنامه نماز جماعت به گونه ای حضور می یابند که مهدیه مملو از

از ویژگی های خاص این هیأت این که در کنار استاد عزیز حاج سعید حدادیان در طول سالیان گذشته مداحان و ذاکران جوانی پرورش یافتند که امروز بحمدالله خود گردانندگان جلسات دیگر هستند و این یعنی که نسل اول و دوم و سوم در کنار هم تربیت عزیزانی همچون حاج سید مجید بنی فاطمه، حاج احمد نیک بختان، محمد حسین حدادیان، علی جباری، وحید یوسفی، مهدی مبینی پور و ... هستند که این یعنی رویش یعنی زاینده گی یعنی شناسایی و پرورش استعدادها، روحیه و ظرفیت آموزشی حاج سعید آقا که در برنامه اسراء شبکه قرآن و معارف هم در همین رابطه اجرای برنامه داشتند می تواند الگو باشد برای دیگر هیئات.

هیات کار ویژه ای که در هیأت



هادی چاروقلو قاری و حافظ قرآن:

کمتر دیده‌ام مداح قرآن را در مجلسش تبلیغ و ترویج کند

هادی چاروقلو از اساتید جوان قرآن است که در حفظ و قرائت قرآن تا کنون ۱۷ رتبه کشوری داشته و هم اکنون نیز به تدریس قرآن در هیئات و مساجد و مدارس مشغول است. متن گفت و گوی ماهنامه هیات را با وی می‌خوانید:

هیات لطفا خودتان را معرفی کنید و بفرمایید چه دوره ها و اساتیدی داشته اید و چه مقام هایی کسب کرده اید؟

بسم الله الرحمن الرحيم هادی چاروقلو متولد اسفند ۶۲ کارشناس اقتصاد (گرایش امور گمرکی) از دانشکده امور اقتصادی.

قرائت قرآن بصورت کلاسیک از سال ۷۴ تحت نظراستاد مجید زکی لو آغاز کردم و از سال ۷۷ افتخار شاگردی استاد سید محسن موسوی بلده در علم تجوید نصیبم شد. تا سال ۸۳ افتخار شاگردی استاد محمود امینی (برادر شهید احمد امینی) از سال ۸۰ تا کنون در کارنامه قرآنم می درخشد. البته از محضر استاد عارف حسینی هم تلمذ کرده ام. حدود ۱۷ رتبه کشوری (۱۱ رتبه اول، ۳ رتبه دوم و ۳ رتبه سوم کشور) در رشته های قرائت حفظ ترتیل اذان و دعاخوانی از سال ۷۹ تا ۹۳ دارم.

هیات وضعیت آموزش قرآن را در کشور چه طور می بینید؟

وضعیت آموزش قرآن با توجه به نیاز جامعه کم رنگ است اما اونطور که در مؤسسات هستم و می بینم اگر مؤسسه یا مسجد یا پایگاهی فعال و به روز باشه متقاضیان قابل توجهی داره اما متأسفانه در همین مؤسسات بحث آموزش و بیان مفاهیم قرآن کریم کم رنگ است.

هیات هیئات چه نقشی می توانند در ترویج قرآن داشته باشند؟

چون استقبال از هیئات در جامعه بسیار بیشتر از جلسات و مؤسسات قرآنی است هیئات در صورت اقدام و داشتن فکرهای خوب و کارشناسانه فرصت خوبی در اختیار دارند تا قرآن را بخوبی معرفی و تبلیغ کنند. باید

کمتر دیده ام عزیزی را که درد قرآن به دل داشته باشد و قرآن را در مجلسش تبلیغ و ترویج کند همانطور که اساتید قرآن باید سعی داشته باشند معارف اهل بیت (ع) را در حد توان در جلساتشان بیان کرده و ترویج نمایند

ذکر مصیبت محوریت نداشته باشد شناساندن اهل بیت (ع) بسیار واجب از ذکر مصیبت اهل بیت (ع) است قرآن کریم میفرماید: تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا قُتْعًا طعم و رنگ و جنس اشک عارف به حق و مقام اهل بیت (ع) با غیر او متفاوت است و غیر قابل قیاس.

هیات سخنرانی ها چگونه باید باشند؟

سخنرانیها بایستی ثقلینی باشد تا درهم آمیختگی و جدانبودن آن دو تفهیم گردد. در اینصورت به هردو پرداخته شده است. یعنی هردو ثقل در سخنرانی مدنظر باشند و هردو شناسانده شوند شناساندن قرآن کریم آشنایی با آن و انس دادن مردم با قرآن بایستی از اهداف مهم سخنرانان و برنامه ریزان هیئات بویژه هیئات بزرگ و الگو باشد.

هیات نکاتی که به نظر تان در سوالات ناگفته ماند را بفرمایید.

مادامی که در ذهن ما قرآن و اهل بیت (ع) جدا باشند ما عقبیم شاید برخی عرض بنده را قبول نداشته باشند اما به نظر حقیر متأسفانه اینطور است ما واقعا و در عمل بسیار کمتر افرادی را می بینیم که میزان شناختشان از قرآن و عترت و پرداختنشان به آن دو گوهر بی پایان به یک اندازه باشد این چنین است که بایستی هم واعظین و خطبای عزیز شناساندن و افزودن این شناخت و در نتیجه محبت قرآن و عترت عزیز باشد مگر ما اهل بیت را قرآن ناطق نمیدانیم پس این را بایستی واقعا به مخاطبان بویژه جوانان بچشانیم و فقط در حد اطلاعات نباشد.

هیات بسیار ممنونم از وقتی که در اختیار ما گذاشتید.

مادحین اهل بیت (ع) قرآندوست و قرآنخواه و قرآنی باشند و بخواهند از قرآن بگویند تا قرآن ترویج شود. نقش بسیار مفیدی میتوانند داشته باشند البته اگر بخواهند و اهمیت این مهم را درک کرده باشند.

هیات برای اینکه قرآن در هیئات از مهمجوریت خارج شود چه باید کرد؟

بنده در مجلس اکثر غلامان و ذاکران اهل بیت (ع) بوده ام و هستم تقریبا میتوانم بگویم کمتر دیده ام عزیزی را که درد قرآن به دل داشته باشد و قرآن را در مجلسش تبلیغ و ترویج کند همانطور که اساتید قرآن باید سعی داشته باشند معارف اهل بیت (ع) را در حد توان در جلساتشان بیان کرده و ترویج نمایند. بنده هیأت میروم اما متأسفانه هیأتی نشده ام. ملجأ و مأوای همه محبین آل الله قرآن و عترت (ع) است. هیأت پالایشگاه درون است.

هیات شاخصه های هیأت خوب از نظر شما چیست؟

هیأت خوب هیأتی است که اهل بیت (ع) را بشناساند و بر معرفت و محبت مستمعین بیفزاید هیأتی است که فقط



بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله رسول مهر و امید

ایمان آورد؛ پس حضرت فرمود: ای خدیجه، من سرمائی در خود می یابم جامه ای بر من بپوشان. چون خوابید از جانب حق تعالی ندا به او رسید:

(یا ایها المدثر قم فانذر وربک فکبر) (۴)
ای جامه بر خود پیچیده بر خیز پس بترسان مردم را از عذاب خدا، و پروردگار خود را پس تکبیر بگو و به بزرگی یاد کن؛ پس حضرت برخاست و انگشت در گوش خود گذاشت پس گفت:

الله اکبر الله اکبر.
پس صدای آن حضرت به هر موجودی رسید و همه با او موافقت کردند. (۵ و ۶)

پی نوشت:

- ۱- سوره علق (۹۶)، آیه ۱ - ۲.
- ۲- (بحار الانوار) ۳۰۹/۱۷.
- ۳- (مناقب) ابن شهر آشوب ۷۲/۱.
- ۴- سوره مدثر (۷۴)، آیه ۱ - ۳.
- ۵- (مناقب) ابن شهر آشوب ۷۳/۱ - ۷۴؛ (بحار الانوار) ۱۹۶/۱۸.
- ۶- منتهی الامال حاج شیخ عباس قمی (ره)

آن حضرت آوردند و تاج نبوت بر سر آن سلطان سریر رسالت گذاشتند و لوای حمد را به دستش دادند و گفتند بر این کرسی بالا رو و خداوند خود را حمد کن و به روایت دیگر آن کرسی از یاقوت سرخ بود و پایه ای از آن از زبرجد بود و پایه ای از مروارید. (۳)
پس چون ملائکه بالا رفتند و آن حضرت از کوه حراء به زیر آمد، انوار جلال او را فرو گرفته بود که هیچ کس را یارای آن نبود که به آن حضرت نظر کند و بر هر درخت و گیاه و سنگ که می گذشت آن حضرت را سجده می کردند و به زبان فصیح می گفتند: (السلام علیک یا نبی الله، السلام علیک یا رسول الله).

و چون داخل خانه خدیجه شد از شعاع خورشید جمالش خانه منور شد. خدیجه گفت: یا محمد صلی الله علیه و آله و سلم این چه نور است که در تو مشاهده می کنم؟ فرمود که این نور پیغمبری است، بگو: (لا اله الا الله محمد رسول الله).

خدیجه گفت که سالهاست من پیغمبری ترا می دانم، پس شهادت گفت و به آن حضرت

روز بیست و هفتم شهر رجب که باروز نوروز مطابق بود حضرت محمد بن عبدالله به سن چهل سالگی مبعوث به رسالت شد و به روایت امام حسن عسکری علیه السلام چون چهل سال از سن آن حضرت گذشت حق تعالی دل او را بهترین دلها و خاشعتر و مطیعتر و بزرگتر از همه دلها یافت پس دیده آن حضرت را نور دیگر داد و امر فرمود که درهای آسمان را گشودند و فوج فوج از ملائکه به زمین می آمدند و آن حضرت نظر می کرد و ایشان را می دید و رحمت خود را از ساق عرش تا سر آن حضرت متصل گردانید. پس جبرئیل فرود آمد و اطراف آسمان و زمین را فرو گرفت و بازوی آن حضرت را حرکت داد و گفت: یا محمد بخوان، فرمود: چه چیز بخوانم؟ گفت:

(اقرأ باسم ربک الذی خلق، خلق الانسان من علق...) (۱)

پس وحیهای خدا را به او رسانید. (۲) و به روایت دیگر پس بار دیگر جبرئیل با هفتاد هزار ملک و میکائیل با هفتاد هزار ملک نازل شدند و کرسی عزت و کرامت برای

علی عالی‌اعلی

مشهور آن است که آن حضرت در روز جمعه سیزدهم ماه رجب بعد از سی سال از عام الفیل در میان کعبه معظمه متولد شده است، پدر آن حضرت ابوطالب پسر عبدالمطلب بوده که با عبدالله پدر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم برادر اعیانی (پدري و مادری) بوده و مادر آن حضرت، فاطمه بنت اسد بن هاشم بن عبدمناف بوده و آن حضرت و برادرانش اول هاشمی بودند که پدر و مادرشان هر دو هاشمی بودند. و در کیفیت ولادت آن جناب روایات بسیار است و آنچه به سندهای بسیار وارد شده آن است که روزی عباس بن عبدالمطلب با یزید بن قعب و با گروهی از بنی هاشم و جماعتی از قبیله بنی العزی در برابر خانه کعبه نشسته بودند ناگاه فاطمه بنت اسد به مسجد درآمد و به حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نه ماه آبستن بود و او را درد زائیدن گرفته بود، پس در برابر خانه کعبه ایستاد و نظر به جانب آسمان افکند و گفت: پروردگارا! من ایمان آورده‌ام به تو و به هر پیغمبر و رسولی که فرستاده‌ای و به هر کتابی که نازل گردانیده‌ای و تصدیق کرده‌ام به گفته‌های جدم ابراهیم خلیل که خانه کعبه بنا کرده‌است، پس سؤال می‌کنم از تو به حق این خانه و به حق آن کسی که این خانه را بنا کرده‌است و به حق این فرزندی که در شکم من است و با من سخن می‌گوید و به سخن گفتن خود مونس من گردیده‌است و یقین دارم که او یکی از آیات جلال و عظمت تو است که آسان کنی بر من ولادت مرا.

عباس و یزید بن قعب گفتند که چون فاطمه از این دعا فارغ شد دیدیم که دیوار عقب خانه شکافته شد فاطمه از آن رخنه داخل خانه شد و از دیده‌های ما پنهان گردید، پس شکاف دیوار به هم پیوست به اذن خدا. و ما چون خواستیم در خانه را بگشاییم چندان که سعی کردیم در گشوده نشد دانستیم که این امر از جانب خدا واقع شده و فاطمه سه روز در اندرون کعبه مانند اهل مکه در کوچه‌ها و بازارها این قصه را نقل می‌کردند و زنهار در خانه‌ها این حکایت را یاد می‌کردند و تعجب می‌نمودند تا روز چهارم رسید پس همان

موضع از دیوار کعبه که شکافته شده بود دیگر باره شکافته شد فاطمه بنت اسد بیرون آمد و فرزند خود اسدالله الغالب علی بن ابی طالب علیه السلام را در دست خویش داشت و می‌گفت: ای گروه مردم! به درستی که حق تعالی برگزید مرا از میان خلق خود و فضیلت داد مرا بر زنان برگزیده که پیش از من بوده‌اند؛ زیرا که حق تعالی برگزید آسیه دختر مزاحم را و او عبادت کرد حق تعالی را پنهان در موضعی که عبادت در آنجا سزاوار نبود مگر در حال ضرورت یعنی خانه فرعون؛ و مریم دختر عمران را حق تعالی برگزید و ولادت حضرت عیسی علیه السلام را بر او آسان گردانید و در بیابان درخت خشک را جنبانید و رطب تازه از برای او از آن درخت فرو ریخت و حق تعالی مرا بر آن هر دوزیادتی داد و همچنین بر جمیع زنان عالمیان که پیش از من گذشته‌اند؛ زیرا که من فرزندی آورده‌ام در میان خانه برگزیده او و سه روز در آن خانه محترم ماندم و از میوه‌ها و طعامهای بهشت تناول کردم و چون خواستم که بیرون آیم در هنگامی که فرزند برگزیده من بر روی دست من بود، هاتفی از غیب مرا ندا کرد که ای فاطمه! این فرزند بزرگوار را (علی) نام کن به درستی که منم خداوند علی اعلا و او را آفریده‌ام از قدرت و عزت و جلال خود و بهره کامل از عدالت خویش به او بخشیده‌ام و نام او را از نام مقدس خود اشتقاق نموده‌ام و او را به اداب خجسته خود تاءدیب نموده‌ام و امور خود را به او تفویض کرده‌ام و او را بر علوم پنهان خود مطلع کرده‌ام و در خانه محترم من متولد شده‌است و او اول کسی است که اذان خواهد گفت بر روی خانه من و بتها را خواهد شکست و آنها را از بالای کعبه به زیر خواهد انداخت و مرا به عظمت و مجد و بزرگواری و یگانگی یاد خواهد کرد و اوست امام و پیشوا بعد از حبیب من برگزیده از جمیع خلق من محمد صلی الله علیه و آله و سلم که رسول من است و او وصی او خواهد بود خوشحال کسی که او را دوست دارد و یاری کند او را، و اوای بر حال کسی که فرمان او نبرد و یاری او نکند و انکار حق او نماید. (۱)

و در بعضی روایات است که چون حضرت امیر

المؤمنین علیه السلام متولد شد ابوطالب او را بر سینه خود گرفت و دست فاطمه بنت اسد را گرفته به سوی ابطح آمدند و ندا کرد: یارب یاذا الغسق الدجی بین لنا من حکمک المقضی والقمر المبتلج المضی ماذا تری فی اسم ذا الصبی؛ مضمون این اشعار آن است که ای پروردگاری که شب تار و ماه روشن و روشنی دهنده را آفریده‌ای، بیان کن از برای ما که این کودک را چه نام گذاریم؟ ناگاه مانند ابر چیزی از روی زمین پیدا شد نزدیک ابوطالب آمد، ابوطالب او را گرفت و با علی علیه السلام به سینه خود چسبانید و به خانه برگشت چون صبح شد دید که لوح سبزی است در آن نوشته شده است: خصصت ما بالولد الزکی فاسمه من شامخ علی والطاهر المنتجب الرضی علی اشتق من العلی؛ حاصل مضمون آنکه مخصوص گردیدید شما ای ابوطالب و فاطمه به فرزند طاهر پاکیزه پسندیده، پس نام بزرگوار او علی علیه السلام است و خداوند علی اعلا نام او را از نام خود اشتقاق کرده‌است.

پس ابوطالب آن حضرت را علی نام کرد و آن لوح را در زاویه راست کعبه آویخت و چنان آویخته بود تا زمان هشام بن عبدالملک که آن را از آنجا فرود آورد و بعد از آن ناپیدا شد. (۲)

در بعضی روایات نیز آمده علی (ع) با چهره‌ای خندان می‌گوید: السلام علیک یا رسول الله و رحمه الله و برکاته، و آنگاه به دستور رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) شروع به خواندن کتابهای آسمانی می‌کند، و از صحف آدم و نوح و ابراهیم آغاز نمود و آیاتی را از زبور و تورات و انجیل قرائت کرده و در پایان از اول سوره «مؤمنون» تا آیه دهم را با آهنگ زیبا تلاوت می‌کند. تا جایی که پیامبر خدا (ص) در مورد علی علیه السلام فرمودند: «لقد ولد لنا الليلة مولود یفتح الله علينا به ابوابا کثیرة من النعمة و الرحمة» یعنی همانا خداوند متعال برای مادر این ایام فرزندی عطا فرمودند که در سایه او درهای زیادی از نعمت و رحمت الهی به روی ما گشوده می‌گردد.

یادگار کربلا

این پیرس، از او پرسیدم که آیا ابوجعفر را دیدی؟ گفت: آیا آن حضرت نیست که ایستاده است! گفت: از کجا دانستی؟! گفت: چگونه ندانم و حال آنکه آن حضرت نوری است در خشنده.

و نیز ابوبصیر گفته که از حضرت باقر علیه السلام شنیدم که به مردی از اهل افریقیه فرمود: حالت راشد چگونه است؟ عرض کرد: وقتی که من بیرون آمدم از وطن زنده و تندرست بود و سلام فرستاد بر شما، حضرت فرمود: چه زمان؟ فرمود: دو روز بعد از بیرون آمدن تو، عرض کرد: به خدا سوگند مرض و علتی نداشت، حضرت فرمود: مگر هر که می میرد به سبب مرض و علت می میرد؟ راوی گوید: گفتم: راشد کیست؟ فرمود: مردی از موالیان و محبان ما بود، سپس فرمود: هرگاه چنان دانستید که از برای ما نیست چشمهایی که ناظر بر شما باشد و گوشهایی که شنونده آوازه های شما باشد، پس بد چیزی دانسته اید، به خدا سوگند که بر ما پوشیده نیست چیزی از اعمال شما، پس ما را جمیعا حاضر دانید و خویشتن را عادت به خیر دهید و از اهل خیر باشید که به آن معروف باشید، به درستی که من به این مطلب امر می کنم اولاد و شیعه خود را. (۷۰۶)

پی نوشت

- ۱- (دعوات رواندی) ص ۶۸.
- ۲- همان مأخذ.
- ۳- (ارشاد شیخ مفید) ۱۵۹/۲.
- ۴- (تذکره الخواص) ص ۳۰۲.
- ۵- ر.ک: (جلال العیون) علامه مجلسی، ص ۸۴۹.
- ۶- (الخرائج وروندی) ۵۹۵/۲.
- ۷- منتهی الامال حاج شیخ عباس قمی (ره)

به روایت سفینه از جابر بن عبدالله منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمود: ای جابر! امید است که تو در دنیا بمانی تا ملاقات کنی فرزندی از من که از اولاد حسین خواهد بود که او را محمد نامند بپسر علم الدین بقر؛ یعنی او می شکافد علم دین را شکافتنی، پس هرگاه او را ملاقات کردی سلام مرا به او برسان. (۳)

در (تذکره سبط ابن الجوزی) مسطور است که آن حضرت را باقر نامیدند از کثرت سجود آن حضرت (بقر السجود جبهته، ای فتحها و شقها)؛ یعنی گشاده کرد سجود جبین او را. (و قيل لغزارة علمه)؛ یعنی گفته اند که آن حضرت را به سبب غزارت و کثرت علمش باقر لقب کرده اند. (۴) و ابن حجر هیثمی با کثرت نصب و عنادش در (ضواعق محرقة) گفته:

و نقش نگین آن حضرت (العزة لله) یا (العزة لله جمیعا) بوده، و به روایت دیگر انگشتر جد خود حضرت امام حسین علیه السلام را در دست می کرد و نقش آن (ان الله بالغ امره) بوده و غیر این نیز روایت شده و منافاتی بین این روایات نیست؛ چه ممکن است آن حضرت را انگشترهای متعدد بوده که بر هر کدام نقش معینی باشد. (۵)

قطب راوندی روایت کرده از ابوبصیر که گفت: با حضرت امام محمدباقر علیه السلام داخل مسجد شدیم و مردم داخل مسجد می شدند و بیرون می آمدند، حضرت به من فرمود: پیرس از مردم که آیا می بیند مرا، پس هر که را که دیدم پرسیدم که ابوجعفر علیه السلام را دیدی؟ می گفت: نه! در حالی که حضرت آنجا ایستاده بود تا آنکه ابوهارون کفوف یعنی نابینا داخل شد حضرت فرمود از

ولادت با سعادت آن حضرت روز دوشنبه سوم صفر یا در غره رجب سال پنجاه و هفت در مدینه منوره واقع شد و آن حضرت در واقعه کربلا حضور داشت و در آن وقت چهار سال از سن مبارکش گذشته بود، والده ماجده اش حضرت فاطمه دختر امام حسن مجتبی علیه السلام بود که او را ام عبدالله می گفتند.

در مقام مادر گرامی ایشان از دعوات راوندی نقل است که روایت شده از حضرت امام محمدباقر علیه السلام که فرمود: روزی مادرم در زیر دیواری نشسته بود که ناگاه صدایی از دیوار بلند شد و از جا کنده شد خواست که بر زمین افتد مادرم به دست خود اشاره کرد به دیوار و فرمود نباید فرود آیی، قسم به حق مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم که حق تعالی رخصت نمی دهد تو را در افتادن؛ پس آن دیوار معلق در میان زمین و هوا باقی ماند تا آنکه مادرم از آنجا بگذشت، پس پدرم امام زین العابدین علیه السلام صد اشرفی برای او تصدق داد. (۱)

و نیز راوی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که روزی آن جناب یاد کرد جدده اش مادر حضرت امام محمدباقر علیه السلام را و فرمود: (کانت صدیقه لم یدرک فی آل الحسن علیه السلام مثلها)؛ جدده ام صدیقه بود و در آل حضرت حسن علیه السلام زنی به درجه و مرتبه او نرسید. (۲)

اسم شریف آن حضرت محمد و کنیت آن جناب ابوجعفر و القاب شریفه اش باقر و شاکر و هادی است و مشهورترین لقبهای آن حضرت باقراست و این لقبی است که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و سلم آن جناب را به آن ملقب فرموده چنانچه

دردانه شمس الشموس

علامه مجلسی رحمه الله در (جلالعیون) ذکر کرده، فرموده: این شهر آشوب به سند معتبر از حکمیه خاتون صبیبه محترمه امام موسی کاظم علیه السلام روایت کرده است که روزی برادرم حضرت امام رضا علیه السلام مرا طلبید و فرمود که ای حکیمه امشب فرزند مبارک خیزران متولد می شود باید که در وقت ولادت او حاضر باشی، من در خدمت آن حضرت ماندم چون شب درآمد مرا با خیزران و زنان قابله در حجره آورد و از حجره بیرون رفت و چراغی نزد ما افروخت و در را بر روی ما بست چون او را درد زاییدن گرفت و او را بر بالای طشت نشاندیم چراغ ما خاموش شد و از خاموش شدن چراغ مغموم شدیم ناگاه دیدیم که آن خورشید امامت از افق رحم طالع گردید و در میان طشت نزول نمود و بر آن حضرت پرده نازکی احاطه کرده بود مانند جامه و نوری از آن حضرت ساطع بود که تمام آن حجره منور شد و ما از چراغ مستغنی شدیم. پس آن نور مبین را بر گرفتیم و در دامن خود گذاشتم و آن پرده را از خورشید جمالش دور کردم ناگاه حضرت امام رضا علیه السلام به حجره درآمد بعد از آنکه او را در جامه های مطهر پیچیده بودیم و آن گوشواره عرش امامت را از ما گرفت و در گهواره عزت و کرامت گذاشت و آن مهد شرف و عزت را به من سپرد و فرمود که از این گهواره جدا مشو. چون روز سوم ولادت آن حضرت شد دیده حقیقت بین خود را به سوی آسمان گشود و به جانب راست و چپ خود نظر کرد و به زبان فصیح ندا کرد که (اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله.) چون این حالت غریب را از آن نور دیده مشاهده کردم به خدمت حضرت شتافتم و آنچه دیده و شنیده بودم به خدمت آن حضرت عرض کردم، حضرت فرمود که آنچه بعد از این عجایب احوال او مشاهده

خواهی کرد زیاده است از آنچه اکنون مشاهده کردی. (۱)

و در کتاب (عیون المعجزات) به سند معتبر از کلیم بن عمران روایت کرده است که گفت: به خدمت حضرت امام رضا علیه السلام عرض کردم که دعا کن حق تعالی ترا فرزندی کرامت فرماید، حضرت فرمود که حق تعالی به من یک پسر کرامت خواهد کرد و او وارث امامت من خواهد بود. چون حضرت امام محمد تقی علیه السلام متولد شد حضرت فرمود که حق تعالی به من فرزندی عطا کرده است که شبیه است به موسی بن عمران علیه السلام که دریاها را می شکافت و نظیر عیسی بن مریم علیه السلام که حق تعالی مقدس و مطهر گردانیده بود مادر او را و طاهر و مطهر آفریده شده بود پس حضرت فرمود که این فرزند من به جور و ستم کشته خواهد شد و بر او خواهند گریست اهل آسمانها و حق تعالی غضب خواهد کرد بر دشمن او و کشنده او و ستم کننده بر او و بعد از قتل او از زندگانی بهره نخواهد برد و به زودی به عذاب الهی واصل خواهد گردید. در شب ولادت آن حضرت تا به صبح در گهواره با او سخن می گفت و اسرار الهی را به گوش الهام نبوش او می رسانید. (۲) و مشهور آن است که رنگ مبارک آن حضرت گندم گون بود و بعضی سفید گفته اند و میانه بالا بود، و مروی است که نقش خاتم آن حضرت نعم القادر الله بود. (۳) و تسبیح آن حضرت در روز دوازدهم و سیزدهم ماه است و این است تسبیح آن جناب:

(سبحان من لا یعتدی علی اهل مملکت، سبحان من لا یؤخذ اهل الارض بالوان العذاب، سبحان الله و بحمده). (۴)

و در (درالنظیم) از حکیمه نقل کرده که حضرت جواد علیه السلام روز سوم ولادتش عطسه کرد و گفت: (الحمد لله و

صلی الله علی سیدنا محمد و علی الائمه الراشدین). (۵)

علما روزها را دوازده ساعت بخش کرده اند و هر ساعتی را به امامی نسبت داده اند و ساعت نهم روزها متعلق به حضرت جواد علیه السلام است. (۶) و در دعای آن ساعت اشاره شد به سؤال مأمون از آن حضرت از آنچه که در دست داشت و همچنین سؤال یحیی بن اکثم از آن حضرت و جواب دادن حضرت ایشان را در آنجا که فرموده:

(و بالامام الفاضل محمد بن علی علیه السلام الذی سئل فوفقته للجواب و امتحن فعضدته بالتوفیق و الصواب صلی الله علیه و آله و سلم و علی اهل بیده الاطهار).

و توسل به آن حضرت در این ساعت برای وسعت رزق نافع است و شایسته است که در توسل به آن حضرت این دعا را بخواند:

(اللهم انی اسئلك بحق ولیک محمد بن علی علیه السلام الاجدت به علی من فضلك و تفضلت به علی من وسعک و وسعت به علی من رزقک و اغنیتنی عن سواک و جعلت حاجتی الیک و قضاها علیک انک لما تشأ تقدر). (۷ و ۸)

بعضی گفته اند این دعا بعد از هر نماز به جهت اداء دین مجرب است.

پی نوشت:

- ۱- (مناقب) ابن شهر آشوب ۴/۴۲۵.
- ۲- (عیون المعجزات) ص ۱۲۱، چاپ علمی، بیروت.
- ۳- (جلالعیون) ص ۹۶۰ - ۹۶۱.
- ۴- (دعوات راوندی) ص ۹۳.
- ۵- (درالنظیم) ص ۷۰۳.
- ۶- (بلد الامین) کفعمی ص ۲۱۰، علمی، بیروت.
- ۷- (مفاتیح الجنان) باب اول، فصل هفتم، تحت عنوان دعای توسل دیگری.
- ۸- منتهی الامال حاج شیخ عباس قمی (ره)



شهادت حضرت
امام موسی بن جعفر علیه السلام

کشته زهر جفا

بگیرد و ولایت عهد اولاد اودر بلاد او منتشر گردد. (۵)

اول به مدینه طیبه آمد، یعقوب بن داود روایت کرده است که چون هارون به مدینه آمد، من شبی به خانه یحیی برمکی رفتم و او نقل کرد که امروز شنیدم که هارون نزد قبر رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم با او مخاطبه می کرد که پدر و مادرم به فدای توباد یا رسول الله، من عذر می طلبم در امری که اراده کرده ام در باب موسی بن جعفر، می خواهم او را حبس کنم برای آنکه می ترسم فتنه برپا کند که خونهای امت تورخته شود، یحیی گفت: چنین گمان دارم که فردا او را خواهد گرفت. چون روز شد، هارون فضل بن ربیع را فرستاد در وقتی که آن حضرت نزد جد بزرگوار خود رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم نماز می کرد، در اثنای نماز آن جناب را گرفتند و کشیدند که از مسجد بیرون برند. حضرت متوجه

امیر المؤمنین علیه السلام را در خواب دید که به او فرمود: (فهل عسیتم ان تولیتهم ان تفسدوا فی الارض و تقطعوا ارحامکم؟) (۳)

چون بیدار شد مراد آن حضرت را دانست، امر کرد حضرت امام موسی علیه السلام را از حبس رها کردند، بعد از چندی باز خواست آن حضرت را حبس کند و اذیت رساند، اجل او را مهلت نداد و هلاک شد، چون خلافت به هارون الرشید رسید آن حضرت را به بغداد آورد و مدتی محبوس داشت و در سال چهاردهم خلافت خویش آن حضرت را به زهر شهید کرد. (۴)

در سال که سال صد و هفتاد و نهم هجری بود و هارون برای استحکام خلافت اولاد خود به گرفتن امام موسی علیه السلام اراده حج کرد و فرمانها به اطراف نوشت که علما و سادات و اعیان و اشراف همه در مکه حاضر شوند که از ایشان بیعت

شهادت آن حضرت در بیست و پنجم رجب سنه صد و هشتاد و سه در بغداد در حبس سندی بن شاهک واقع شد و بعضی پنجم ماه مذکور گفته اند. و عمر شریفش در آن وقت پنجاه و پنج سال و به روایت (کافی) پنجاه و چهار سال بود. (۱) و بیست ساله بود که امامت به آن جناب منتقل شد و مدت امامتش سی و پنج سال بوده که مقداری از آن در بقیه ایام منصور بوده و او به ظاهر متعرض آن حضرت نشد و بعد از او ده سال و کسری ایام خلافت مهدی بود و او حضرت را به عراق طلبید و محبوس گردانید و به سبب مشاهده معجزات بسیار جرأت بر اذیت به آن حضرت ننمود و آن جناب را به مدینه برگردانید و بعد از آن یک سال و کسری مدت خلافت هادی بود و او نیز آسیبی به آن حضرت نتوانست رساند. (۲)

صاحب (عمدة الطالب) گفته: هادی آن حضرت را گرفت و در حبس نمود،

قبر جد بزرگوار خود شد و گفت: یا رسول الله! به توشکایت می کنم از آنچه از امت بدکردار توبه اهل بیت بزرگوار تو می رسد، و مردم از هر طرف صدا به گریه و ناله و فغان بلند کردند، چون آن امام مظلوم را نزد هارون بردند ناسزای بسیار به آن جناب گفت، و امر کرد که آن جناب را مقید گردانیدند و دو محمل ترتیب داد برای آنکه ندانند که آن جناب را به کدام ناحیه می برند، یکی را به سوی بصره فرستاد و دیگری را به جانب بغداد و حضرت در آن محمل بود که به جانب بصره فرستاد و محبوس کرد.

شیخ صدوق از ثوبانی روایت کرده است که جناب امام موسی علیه السلام در مدت زیاده از ده سال هر روز که می شد بعد از روشن شدن آفتاب به سجده می رفت و مشغول دعا و تضرع می بود تا زوال شمس و در ایامی که در حبس بود بسا می شد که هارون بر بام خانه می رفت و نظر می کرد در آن حجره که آن جناب را در آنجا حبس کرده بودند، جامه ای می دید که بر زمین افتاده است و کسی را نمی دید، روزی به ربیع گفت: این جامه چیست که می بینم در این خانه؟ ربیع گفت: این جامه نیست بلکه موسی بن جعفر است، که هر روز بعد از طلوع آفتاب به سجده می رود تا وقت زوال گفت: هر گاه می دانی که او چنین است چرا او را در این زندان تنگ جا داده ای؟ هارون گفت: هیئات! غیر از این علاجی نیست، (۶) یعنی برای دولت من در کار است که او چنین باشد. (۷)

و روایت شده که در ایامی که در حبس فضل بن ربیع بود، فضل گفت: مکرر نزد من فرستادند که او را شهید کنم من قبول نکردم و اعلام کردم که این کار از من نمی آید و چون هارون دانست که فضل بن ربیع بر قتل آن حضرت اقدام نمی کند آن جناب را از خانه او بیرون آورد و نزد فضل بن یحیی بر مکی محبوس گردانید. فضل هر شب (خوانی) برای آن جناب می فرستاد و نمی گذاشت که از

جای دیگر طعام برای آن جناب آورند. و در شب چهارم که خوان را حاضر کردند آن امام مظلوم سر به جانب آسمان بلند کرد و گفت: خداوند! تومی دانی که اگر پیش از این روز چنین طعامی می خوردم هر آینه اعانت بر هلاکت خود کرده بودم و امشب در خوردن این طعام مجبور معذورم، و چون از آن طعام تناول نمود اثر زهر در بدن شریفش ظاهر شد و رنجور گردید، چون روز شد طبعی برای آن حضرت آوردند چون طبیب احوال آن حضرت پرسید جواب او نفرمود، چون بسیار مبالغه کرد، آن جناب دست مبارک خود را بیرون آورد و به او نمود و فرمود که علت من این است. چون طبیب نظر کرد دید که کف دست مبارکش سبز شده و آن زهری که به آن جناب داده اند در آن موضع مجتمع گردیده. پس طبیب بر خاست و نزد آن بدبختان رفت و گفت: به خدا سوگند که او بهتر از شما می داند آنچه شما با او کرده اید. و از آن مرض به جوار رحمت الهی انتقال نمود. (۸)

آمده است که فضل بن ربیع، سندی بن شاهک را طلبید و امر کرد که آن امام معصوم را مسموم گرداند و ربطی چند به زهر آلوده کرد به این شاهک داد که نزد آن جناب ببرد و مبالغه نماید در خوردن آنها و دست از آن جناب بردارد تا تناول نمود، و موافق روایتی سندی خرماهای زهر آلود را برای آن حضرت فرستاد و خود آمد ببیند تناول کرده است یا نه، وقتی رسید که حضرت ده دانه از آن تناول فرموده بود، گفت: دیگر تناول نما، فرمود که در آنچه خوردم مطلب توبه عمل آمد و به زیاده احتیاجی نیست. پس پیش از وفات آن حضرت به چند روز قضا و عدول را حاضر کرد و حضرت را به حضور ایشان آورد و گفت: مردم می گویند که موسی بن جعفر در تنگی و شدت است، شما حال او را مشاهده کنید و گواه شوید که آزار و علتی ندارد و بر او کار را تنگ نگرفته ایم، حضرت فرمود که ای

جماعت! گواه باشید که سه روز است که ایشان زهر به من داده اند و به ظاهر صحیح می نمایم و لکن زهر در اندرون من جا کرده است و در آخر این روز سرخ خواهم شد به سرخی شدید و فردا زرد خواهم شد زردی شدید و روز سوم رنگم به سفیدی مایل خواهد شد و به رحمت حق تعالی واصل خواهم شد، چون آخر روز سوم شد روح مقدسش در ملأ اعلی به پیغمبران و صدیقان و شهدا ملحق گردید. (۹)

به مقتضای کریمه: (و اما الذین ابیضت وجوههم ففی رحمۃ الله) (۱۰)، روسفید به رحمت الهی منتقل شد. شیخ صدوق و غیره، از حسن بن محمد بن بشار روایت کرده که گفت: شیخی از اهل (قطیعة الربیع) که از مشاهیر عامه بود و بسیار موثق بود و اعتماد بر قول او داشتیم، مرا خبر داد که روزی سندی بن شاهک مرا با جماعتی از مشاهیر علما که جملگی هشتاد نفر بودیم جمع کرد و به خانه ای در آورد که موسی بن جعفر علیه السلام در آن خانه بود. چون نشستیم سندی بن شاهک گفت: نظر کنید به احوال این مرد یعنی موسی بن جعفر علیه السلام که آیا آسیبی به او رسیده است؛ زیرا که مردم گمان می کنند که اذیتها و آسیبها به او رسانیده ایم و او را در شدت و مشقت داریم و در این باب سخن بسیار می گویند، ما او را در چنین منزل گشاده بر روی فرشهای زیبا نشانیده ایم. خلیفه نسبت به او بدی در نظر ندارد، برای این او را نگاه داشته که چون بر گردد با او صحبت بدارد و مناظره کند، اینک صحیح و سالم نشسته است و در هیچ باب بر او تنگ نگرفته ایم اینک حاضر است از او پرسد و گواه باشید. آن شیخ گفت که در تمام مجلس همت ما مصروف بود در نظر کردن به سوی آن امام بزرگوار و ملاحظه آثار فضل و عبادت و انوار سیادت و نجابت و سیمای نیکی و زهدات که از جبین مبینش ساطع و لامع بود، پس حضرت فرود که ای گروه! آنچه بیان کرد در باب

توسعه مکان و منزل و رعایت ظاهر چنان است که او گفت ولکن بدانید و گواه باشید که او مرا زهر خورانیده است در نه دانه خرما و فردا رنگ من زرد خواهد شد و پس فردا خانه رنج و عنار حلت خواهد کرد و به دار بقاً و رفیق اعلیٰ محلق خواهد شد، چون حضرت این سخن فرمود، سندی بن شاهک به لرزه در آمد مانند شاخه های درخت خرما بدون پلیدش می لرزید. (۱۱)

روایت شده که چون سندی بن شاهک جنازه آن امام مظلوم را برداشت که به مقابر قریش نقل نماید کسی را وا داشته بود که در پیش جنازه ندا می کرد: هذا امام الرافضة فاعرفوه؛ یعنی این امام رافضیان است بشناسید او را. پس آن جنازه شریف را آوردند در بازار گذاشتند و منادی ندا کرد که این موسی بن جعفر است که به مرگ خود از دنیا رفته، آگاه باشید ببینید او را، مردم دورش جمع شدند و نظر افکندند اثری از جراحت یا خفگی در آن حضرت ندیدند. (۱۲) و دیدند در پای مبارکش اثر حنا است، پس امر کردند علما و فقها را که شهادت خود را در این باب بنویسند. و روایت شده که آن بازاری که نعش شریف در آن گذاشته بودند نامیده شد به (سوق الریاحین) و در آن موضع شریف بنایی ساختند و در آن قرار دادند که مردم پا بر آن موضع نگذارند بلکه تبرک بجویند، به آن وزارت کنند آن محل را.

شیخ مفید رحمه الله فرمود که جنازه شریف را بیرون آوردند و گذاشتند بر جسر بغداد و ندا کردند که این موسی بن جعفر است وفات کرده نگاه کنید به او، مردم می آمدند و نظر به صورت مبارکش می نمودند و می دیدند وفات کرده. (۱۳) و ابن شهر آشوب فرموده که سندی بن شاهک جنازه را بیرون آورد و گذاشت بر جسر بغداد و ندا کردند که این موسی بن جعفر است که رافضی ها گمان می کردند نمی میرد، پس نظر کنید بر او. و این را برای آن گفتند که واقفه اعتقاد کرده بودند که آن حضرت امام قائم است و حبس او را غیبت

او گمان کرده بودند، پس در این حال که سندی و مردمان در روی جسر اجتماع کرده بودند اسب سندی بن شاهک رم کرد و او را در آب افکند پس سندی غرق شد در آب و خداوند تعالی متفرق کرد جماعت یحیی بن خالد را. (۱۴)

شیخ کلینی رحمه الله روایت کرده از یکی از خادمان حضرت امام موسی علیه السلام که چون حضرت موسی علیه السلام را از مدینه به جانب عراق بردند آن جناب حضرت امام رضا علیه السلام را امر کرد که هر شب تا مادامی که من زنده ام و خبر وفاتم به تو نرسیده باید که بر در خانه بخوابی، راوی گوید که هر شب رختخواب آن حضرت را در دهلیز خانه می گشودیم چون بعد از عشاء می شد می آمد و در دهلیز خانه به سر می برد تا صبح، چون صبح می شد به خانه تشریف می برد، و چهار سال بدین حال به سر می برد تا صبح، چون صبح می شد به خانه تشریف می برد، و چهار سال بدین حال به سر برد تا یک شبی فراش آن حضرت را گسترده آن جناب نیامد به این سبب خاطر زاکیه اهل و عیال مستوحش شد و ما هم از نیامدن آن حضرت ترسان و وحشتناک شدیم تا صبح، چون صبح طالع گردید آن خورشید رفعت و جلالت طالع گردید و در خانه تشریف برد و رفت نزد ام احمد که بانوی خانه بود و فرمود بیاور آن ودیعتی که پدر بزرگوارم به تو سپرده تسلیم من نما، ام احمد چون این سخن استماع نمود آغاز توجه و زاری کرد و از سینه پر درد آه سرد بر آورد که والله آن مونس دل دردمندان و انیس جان مستمندان این دار فانی را وداع گفته، پس آن جناب وی را تسلی داده از زاری و بیقراری منع نمود و فرمود که این راز را افشا مکن و این آتش حسرت را در سینه پنهان دار تا خبر شهادت آن حضرت به والی مدینه رسد.

پس ام احمد وداعی که در نزد او بود به آن حضرت سپرد و گفت: روزی که آن گل بوستان نبوت و امامت مرا وداع

می فرمود، این امانتها را به من سپرد و فرمود که کسی را به این امر مطلع نساز و هرگاه که من فوت شدم پس هریک که از فرزندان من نزد تو آمد و از تو مطالبه آنها نمود به او تسلیم کن و بدان که در آن وقت من دنیا را وداع کرده ام. پس حضرت آن امانتها را قبض فرمود و امر کرد که از شهادت پدر بزرگوارش لب ببندد تا خبر برسد، پس دیگر حضرت در دهلیز خانه شب نخوابید، راوی گوید که بعد از چند روزی خبر شهادت حضرت امام موسی علیه السلام به مدینه رسید، چون معلوم کردیم در همان شب واقع شده بود که جناب امام رضا علیه السلام به تأیید الهی از مدینه به بغداد رفته مشغول تجهیز و تکفین والد ماجدش گردیده بود آنگاه حضرت امام رضا علیه السلام و اهل بیت عصمت به مراسم ماتم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام قیام نمودند. (۱۵ و ۱۶)

پی نوشت:

- ۱- (الکافی) ۱/ ۴۸۶.
- ۲- (مناقب) ابن شهر آشوب ۴/ ۳۴۹.
- ۳- سوره محمد صلی الله علیه و آله و سلم (۴۷)، آیه ۲۲.
- ۴- (عمدة الطالب) ص ۱۹۶.
- ۵- (جلائعین) ص ۸۹۸/ ۸۹۹.
- ۶- (عیون اخبار الرضا علیه السلام) ۱/ ۹۵.
- ۷- (جلائعین) ص ۹۰۳.
- ۸- (جلائعین) علامه مجلسی، ص ۹۰۳ - ۹۰۴.
- ۹- (جلائعین) مجلسی، ص ۹۰۴ - ۹۰۵، (بحار الانوار) ۴۸/ ۲۴۷.
- ۱۰- سوره آل عمران (۳)، آیه ۱۰۷.
- ۱۱- (امالی شیخ صدوق) ص ۲۱۰ - ۲۱۳. مجلس ۲۹، حدیث ۲۳۵ - ۲۳۷.
- ۱۲- (مقاتل الطالبین) ص ۴۱۷.
- ۱۳- (ارشاد شیخ مفید) ۲/ ۲۴۲.
- ۱۴- (مناقب) ابن شهر آشوب، ۴/ ۳۳۵۳.
- ۱۵- (الکافی) ۱/ ۳۸۱ - ۳۸۲.
- ۱۶- منتهی الامال حاج شیخ عباس قمی (ره)



قبر حضرت زینب (س) کجاست؟

مشهور این است که آن حضرت در ۱۵ رجب سال ۶۲ هجری روز یکشنبه وفات کرده است. پس از حادثه کربلا حضرت زینب (س)، حدود یک سال و شش ماه زندگی کرد. حضرت در کاروان اسیران، همراه دیگر بازماندگان قافله کربلا به کوفه و سپس به شام برده شد.

درباره چگونگی وفات حضرت زینب کبری باید گفت: براساس برخی از نوشته ها آن حضرت بیمار شد و به طور طبیعی وفات کرد (منتخب التواریخ، ص ۶۷)

براساس برخی از احتمالات حضرت زینب کبری توسط عوامل یزید مسموم شد و به شهادت رسید (زینب الکبری من المهد الی اللحد، ص ۵۹۲)

یکی از موضوعات مورد پرسش تعیین محل دقیق قبر مطهر حضرت زینب کبری علیها السلام است. این سؤال به خاطر انتساب مکان های مختلفی به آن بانوی بزرگوار در کشورهای مختلف است و از

قدیم الایام سه مکان به عنوان قبر مطهر این بانوی بزرگوار مطرح است.

۱- قبری که در شهرک زینبیه امروز در نزدیکی دمشق، پایتخت فعلی کشور سوریه وجود دارد.

۲- محلی که در شهر قاهره پایتخت مصر به نام «زینبیه» مشهور است.

۳- شهر مدینه نیز به عنوان محل دفن حضرت زینب علیها السلام معرفی شده است، گرچه در مدینه النبی محلی به این نام مثل دمشق و قاهره وجود ندارد.

مرحوم حاج شیخ عباس قمی به نقل از استاد خودش مرحوم محدث نوری، و دیگران احتمال شام را تقویت کرده اند.

گفته می شود زینبی که در مصر (قاهره) دفن شده است، زینب بنت یحیی المتوج بن الحسن الانور بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب است.

گرچه دفن حضرت زینب علیها السلام در مدینه (بقیع) یک امر ممکن و کاملاً

طبیعی است اگرچه باید توجه داشت که اگر او در این قبرستان دفن شده بود، طبعاً مزارش با توجه به شخصیت و عظمت مقامش مشخص می شد اما می توان فرض را بر بی نشانی مزار ایشان همچو مادر گرامیشان حضرت زهرا (س) گذاشت.

طرفداران نظریه دفن حضرت در شام می گویند: در مدینه قحطی و دست تنگی شدیدی به وجود آمد. عبدالله جعفر تصمیم گرفت با همسر خود حضرت زینب علیها السلام به شام که مقداری زمین زراعتی داشت سفر کند. پس از مسافرت به شام حضرت زینب علیها السلام در همانجا در گذشت. البته بسیاری از مورخین نوشته اند: آنکه در شام دفن است «ام کلثوم» فرزند علی علیه السلام است.

اما باید گفت مزار زینب علیها السلام در واقع دل های مردم عارف است و در هر نقطه ای که مدفون باشد تمام زیارتگاه های منسوب به ایشان مورد احترام.



شهادت امام هادی علیه السلام

غریب سامرا

به سامره طلبید مدت اقامت آن جناب در سامره قریب یازده سال می شود و بنابر قول مسعودی قریب نوزده سال می شود، و در ککرد در ایام عمر شریف خود مقداری از خلافت مأمون و زمان معتصم و واثق و متوکل و منتصر و مستعین و معتز، و در ایام معتز آن حضرت را زهر دادند و شهید نمودند.

مسعودی در مروج الذهب فرموده که حدیث کرد مرا محمد بن الفرّج به مدینه جرّان در محله معروفه به

گردید و مدت امامت آن جناب سی و سه سال بود.

علامه مجلسی فرموده که قریب به سیزده سال در مدینه طیبه اقامت فرمود و بعد از آن متوکل آن حضرت را به سر من رأی طلبید و بیست سال در سر من رأی توطن فرمود در خانه ای که اکنون مدفن شریف آن حضرت است. (۱)

شیخ عباس قمی در منتهی الامال می گوید: بنابر آن روایت است که متوکل آن حضرت را در سینه دو بیست و چهل و سه

سال شهادت آن حضرت به اتفاق، در سینه دو بیست و پنجاه و چهار هجری بوده و در روز وفات اختلاف است. جمله ای از علما روز سوم ماه رجب را اختیار کرده اند و بنابر آنکه ولادت آن حضرت در سینه دو بیست و دوازده باشد سن شریفش در وقت وفات قریب چهل و دو سال بوده و در وقت وفات پدر بزرگوارش هشت سال و پنج ماه تقریباً از عمر شریف آن حضرت گذشته بود که به منصب جلیل امامت کبری و خلافت عظمی سرافراز

غسان گفت حدیث کرد مرا ابودعامه که گفت: شرفیاب شدم خدمت حضرت امام علی بن محمد بن علی بن موسی علیه السلام به جهت عیادت اودر آن علتی که در آن وفات فرمود، چون خواستم از خدمت آن جناب مراجعت کنم فرمود:

ای ابودعامه! حق تو بر من واجب شده می خواهی حدیثی برای تونقل کنم که شاد شوی؟ عرض کردم: خیل شائق ومحتاجم به آن، فرمود: حدیث کرد مرا پدرم محمد بن علی از پدرش علی بن موسی از پدرش موسی بن جعفر از پدرش جعفر بن محمد از پدرش محمد بن علی از پدرش بن الحسین از پدرش حسین بن علی از پدرش علی بن ابی طالب از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم پس به من فرمود: بنویس، گفتم: چه بنویسم؟ فرمود: بنویس که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

(بسم الله الرحمن الرحيم الايمان ما وقرته القلوب (۲) و صدقته الاعمال والاسلام ما جرى به اللسان و حلت به المناكحة). ابودعامه گفت: گفتم یابن رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم! نمی دانم که کدام یک از این دویبتر است این حدیث یا اسناد آن، فرمود: این حدیث در صحیفه ای است به خط علی بن ابی طالب واملاً رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم به هر یک از ماها به ارث رسیده. (۳)

شیخ طبرسی روایت کرده که ابوهاشم جعفری رحمه الله این اشعار را در باب علت و کالت حضرت امام علی نقی علیه السلام گفته:

مادت الارض بی وادت فؤادی
واعترتني موارد العرواً

حین قیل: الامام نضو علیل
قلت: نفسی فدتہ کل الفدا
مرض الدین لاعتلالک و اعتل

و غارت له نجوم السماء
عجبا ان منیت بالدا و السقم
وانت الامام حسم الدأ
انت اسی الادوا فی الدین و
الدنیا و محیی الاموات والاحیاء

یعنی مضطرب ومتزلزل شد زمین بر من وسنگین شد فؤاد دل من فروگرفت مرا تب ولرز هنگامی که گفتند به امام علیه السلام لاغر وعلیل گشته، گفتم: جان من فدا وتمام فدای او باد، پس گفتم مریض وعلیل شد دین برای علت توو ستارگان آسمان برای مرض تو فروشدند ای آقای من! تعجب می کنم که تومبتلابه درد و ناخوشی شوی وحال آنکه توامامی هستی که درد ومرض را می بری وقطع می کنی، وتویی طبیب دردهای دین ودنیا وتویی که حیات می دهی به مردگان وزنده ها. (۴)

وبالجملة: بنا بر قول شیخ صدوق وبعضی دیگر، معتمد عباسی برادر معتز آن حضرت را مسموم کرد (۵) ودر وقت شهادت آن امام غریب غیر از امام حسن عسکری علیه السلام کسی نزد بالین آن جناب نبود وچون حضرت از دنیا رحلت فرمود جمیع امرا و اشراف حاضر شدند، وامام حسن علیه السلام در جنازه پدر شهید خود گریبان چاک زد وخود متوجه غسل وکفن ودفن والد بزرگوار خود شد وآن جناب را در حجره ای که محل عبادت آن حضرت بود دفن کرد وجمعی از جاهلان احمق بر آن حضرت اعتراض کردند که گریبان چاک زدن در مصیبت مناسب وشایسته نبود، حضرت فرمود: چه می دانید احکام دین خدا را، حضرت موسی علیه السلام پیغمبر بود ودر ماتم برادر خود هارون علیه السلام گریبان چاک زد. (۶)

مسعودی در (اثبات الوصیة) نقل کرده که شدت کرد گرمی هوا بر حضرت امام حسن عسکری علیه السلام در تشییع جنازه پدر بزرگوارش در رفتن در شارع برای نماز به آن حضرت ودر برگشتن بعلاوه زحمتی که بر آن حضرت رسید از کثرت جمعیت وفشار مردم آن جناب را، پس در وقتی که برگشت به منزل برود در بین راه رسید به دکان بقالی که آب پاشیده بود به طوری که خنک شده بود، حضرت چون هوای خنک آنجا را دید سلام کرد بر آن مرد ورخصت خواست که آنجا بنشیند لحظه ای استراحت کند، آن مرد اذن داد آن حضرت در آنجا نشست ومردم نیز اطراف آن جناب ایستادند، در این هنگام جوان خوشرویی با جامه نظیف وارد شد در حالی که سوار بر استر اشتهبی وجامه ای که در زیر قبا داشت سفید بود پس از استر پیاده گشت واز آن حضرت خواست که سوار شود پس آن جناب سوار شد تا به خانه آمد وپیاده گشت واز عصر همان روز بیرون آمد از ناحیه آن حضرت توقیعات وغیر آن همچنان که از ناحیه والد بزرگوارش بیرون می آمد گویا مردم فاقد نشدند مگر شخص حضرت امام علی نقی علیه السلام را. (۷و۸)

پی نوشت:

- ۱- (جلائعین) علامه مجلسی ص ۹۷۷.
- ۲- (ماوقر فی القلوب)، (نسخه بدل).
- ۳- (مروج الذهب) ۸۵/۴.
- ۴- (إعلام الوری) ۱۲۶/۲.
- ۵- (مناقب) ابن شهر آشوب ۴/۴۳۳.
- ۶- (رجال کشی) ۲/۴۲۲.
- ۷- (اثبات الوصیة) ص ۲۴۳.
- ۸- منتهی الامال حاج شیخ عباس قمی (ره)



قاسم صرافان

به آستان پیامبر رحمت

تنزیل آیات است یا باران گرفته؟
از بارش اشکت زمین هم جان گرفته؟

ای «رحمت للعالمین»! روح توانگار
آینه رو در روی «الرحمن» گرفته

«إقرأ» که از تو عشق - ای خط نانوشته! -
سر مشق های «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ» گرفته

طاقت ندارد کوه، دریای دل تو
اما چه راحت وسعت قرآن گرفته

در مصحف، عشقی است در آواز داود
عشقی که یوسف را هم از کنعان گرفته

عشقی که در کشتی نشسته پشت سکان
وقتی که دور نوح را طوفان گرفته

عشقی که بازنبور و گاهی پیش مور است
تخت از سلیمان، طاقت از سلمان گرفته

مهمان «عقل اول» و دست حکیم است
هر لقمه‌ی حکمت اگر لقمان گرفته

«تبت یدا»... هر کس که دستت را رها کرد
از او چنین دست خدا تاوان گرفته

دندانه‌ی اسم تو را «یس»! اُحد داد
وقتی اُحد از جسم تو دندان گرفته

وحی - امین! - توصیف روی آشنایی ست
روح الامینت از کجا فرمان گرفته؟

«الیوم أَكْمَلْتُ لَكُمْ» یعنی که انگار
کار تو هم خاتم! به خُم پایان گرفته

پیمانه از دست علی پر کن محمد!
یادت که می آید، خدا پیمان گرفته

بگذار و بگذر این همه گفت و شنود را
کی می کنیم ریشه آل سعود را
یارب به حق ناقه صالح عذاب کن
نسل به جای مانده قوم ثمود را
افتاده دست ابرهه ها خانه خدا
سجیل کو که سر شکند این جنود را
چیزی به غیر وهن ندارد نمازشان
باید شکست بر سر آنها عمود را
ای واجب الوجود ز لوث وجودشان
کی پاک می کنی همه مُلک وجود را
انکار می کنند هر آنچه که بوده را
اصرار می کنند هر آنچه نبود را
جده، یمن، مدینه، غدیر، از قدیم ها
این قوم می خرنند تمام شهود را
در آن زمین که نام علی گل نمی کند
هرگز مجوی مدفن یاس کبود را
کو وارث کسی که در قلعه کنده است
تابشکند دوباره غرور یهود را
اسفند روز آمدنش کور میکند
یک صبح جمعه چشم بخیل و حسود را
تقدیم به حضرت زینب سلام الله علیها؛
عطیه سادات حجتی

ای هرچه رود در قدمت سر به زیر تر!
آزاده ای که سرو به پایت اسیر تر!
دست تو را رسول بدست امام داد
روزی که بود از همه روزی غدیر تر
ای زینت پدر که خودش خواست دخترش
باشد امیر... از همه عالم امیر تر
تاریخ را به خطبه ی مادر رسانده ای
ای در طنین خطبه ی حیدر دلیر تر
خورشید هر نگاه حسینی، که می شوی
در انعکاس آینه ها چشم گیر تر
ماه است در برابر تو، اینکه از ادب
هر بار، از همیشه ی خود سر به زیر تر
ای رازهای فاطمه در سینه ات نهان
داغ کدام غصه تو را کرده پیر تر؟!
دنیا ندیده است به عمر بلند خویش
از خاک روی معجز زینب، سفیر تر
تفسیر آیه های خدا خطبه های اوست
شرحی نخوانده ایم از این بی نظیر تر...

وحیده گرجی



وصفِ تورا خدا به بیانی رسانوشت
روز ازل به یمن شما «هَلْ أَتَى» نوشت
زیباترین قصیده‌ی خلقت کلید خورد
آن جا که استعاره‌ی چشمِ تورا نوشت
هفت آسمان خلاصه‌ی «وَالشَّمْسُ» روی توست
دبیاچه‌ی فروغِ تورا «وَالضَّحَى» نوشت
وقتی که در جهان به تجلّی در آمدی
اسرار «یا» و «سین» تورا در خفا نوشت
منظور خلقتی و خداوند از ابتدا
نامِ تورا به دفتر خود مبتدا نوشت
آن گاه آیه آیه تورا منتشر نمود
تشریح انبعاثِ تورا در حرا نوشت
نوری شد و تمامِ تورا در خودش سرود
در «نجم» و «دهر» و «نور» و «خان» بر ملا نوشت
آن قدر خوب و پاک و زلالی که دست حق
یک پرده از مقامِ تورا در «کسا» نوشت
محمودِ آفرینشی، نامِ تورا خدا
در هر کجا نوشت یقیناً به جا نوشت
شرحِ تورا خدا به بیانی دگر نوشت
تو خوبِ خوب بودی و او خوب تر نوشت

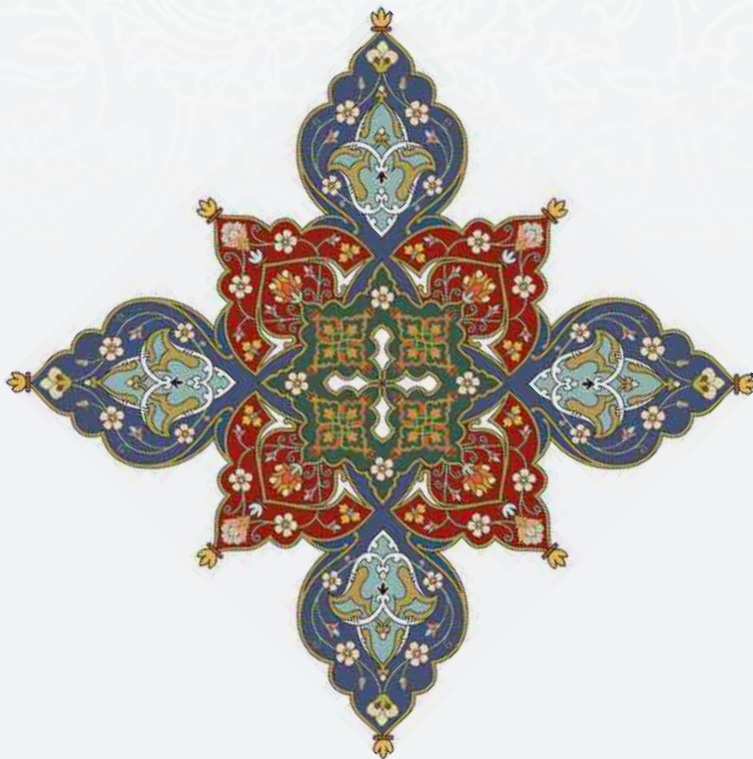
نسل رویدیم، زاده دریا
موج خیزیم و صاحب ژرفا
همچو شمعی پاک و روشن دل
مثل پروانه ایم بی پروا
ما چو کوهیم، با وقار، آرام
اهل صبریم اهل صبرِ اَمّا
گر بخواند به رزمِمان رهبر
گر که ما را به صف کند مولا
می‌زنیم آنچنان به گرده خصم
که نماند تنی ازو بر جا
هست همت نصیب ما امروز
هست نصرت از آن ما فردا
می‌رسد صبح مرگ اسرائیل
می‌رسد شام دفن امریکا
روزی آخر نماز می‌خوانیم
در شبستان مسجد الاقصی

علی کفشگر

جواد محمد زمانی

اسلام ما، طریقت ما، راه و دین ما
 کشتی نوح ما، همه حبل المتین ما
 اسلام ما، تشیع ما، جان ما... سلام!
 خون - لاله ها فدای تو،... ایران ما... سلام!
 این راه و رسم سر بنهادن، حسینی است
 کلاً طریقت همه ی ما خمینی است
 این انقلاب صادره، اسلام سرمدی است
 حکم خمینی است، ز احکام سرمدی است
 درس جهاد نقطه ی عطف کتاب ماست
 خون شهید، ضامن این انقلاب ماست
 ماندن به ایستادن و در راه و در خطر...
 یوسف شدن به قیمت یک چاه و در خطر...
 ما سفره هایمان پُر از نانِ غیرت است
 برکت فزون سفره ی ما از بصیرت است
 سیلی گرفته از شب زجریم تا ابد
 فرزند فجر و عاشق فجریم تا ابد
 باید به عهد آینه ای در شتاب بود
 باید کنار خامنه ای همرکاب بود
 باید فُشرد این همه دستانِ گرم را
 هم‌رزم بود حادثه ی جنگِ نرم را
 باید بساطِ کفر، بچینیم از جهان
 باید که طرح تازه ببینیم از جهان
 یا صاحب الزمان تو خودت دستِ ما بگیر
 تا در مسیر و راه نگرديم ما اسیر

میثم رنجبر





نهمین سوگواره نواها و اشعار آیینی برگزار گردید

داشتند.

وی افزود: در بخش شعر هم داوری بر عهده سعید حدادیان، سید محمد حسینی و مرتضی امیری اسفندقه بود، در نظر داریم سال آینده سوگواره نواها و اشعار آیینی را در سطح استانی برگزار کنیم و برگزیدگان استانی در مرحله نهایی و مرکزی به رقابت بپردازند تا سطح مسابقات در سطح بالاتری برگزار شود. مداحی با اشاره به برگزاری جلسات آموزشی ویژه هشت دوره این همایش در مشهد مقدس ابراز داشت: در نظر داریم هر سه یا شش ماه

سال آینده سوگواره نواها و اشعار آیینی استانی برگزار می شود

در ابتدای این مراسم علی اکبر مداحی رئیس هیأت رزمندگان گفت: در نهمین دوره سوگواره نواها و اشعار آیینی ۲۵۰۰ اثر در رشته شعر و ۱۶۰۰ اثر در مداحی به دبیرخانه واصل شد که در طی سه مرحله داوری، برگزیدگان خود را شناخت، داوری بخش مداحی را ماشاءالله عابدی، محسن طاهری، عباس دلجو، عباس حیدرزاده و ... بر عهده

نهمین سوگواره نواها و اشعار آیینی امشب پنجشنبه هفتم اسفندماه جاری با حضور غلامعلی حداد عادل رئیس فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی و نماینده مجلس شورای اسلامی، حسین نجات، حاج اکبر بازوبند، حسن گروسی، علی اکبر مداحی رئیس هیأت رزمندگان اسلام، مرتضی امیری اسفندقه شاعر آیینی در تالار ایوان شمس برگزار شد.



یک بار این جلسات آموزشی را در شهرهایی مانند تهران و قم برگزار کنیم تا مداحان در سنگر مداحی بیش از گذشته بدرخشند. در ادامه مراسم برگزیدگان بخش‌های سه گانه سوگواره به اجرای برنامه پرداختند، مرتضی امیری اسفندقه هم به شرح داوری اشعار رسیده به دبیرخانه پرداخت و در ادامه چند بیت شعری راجع به حضرت زینب (س) پرداخت.

✦ مجالس روضه انقلابی را به وجود آورد که در جهان بی نظیر بود

در این نشست حداد عادل با اشاره به اینکه مداحان مأموریت بزرگی در جمهوری اسلامی ایران برعهده گرفته‌اند، ابراز داشت: برای بنده توفیقی است که در خدمت شما باشم و وظیفه دارم از این برنامه که در سال‌های گذشته و امسال برگزار شده است سپاسگزاری کنم و به همه شما ستایشگری و مداحی اهل بیت را تبریک بگویم.

وی با تأکید بر اینکه این مسابقات جنبه معنوی و الهی دارد، افزود: برای بنده مشاهده تحولی که با انقلاب اسلامی در عرصه نوحه خوانی و مداحی پدید آمده است بسیار پرمعنا است. از وقتی که به دنیا آمده‌ام تاکنون در مجالس روضه که در محله و منزل ما برگزار شده است، شرکت کرده‌ام، حال که تاریخ شصت هفتاد

ساله را مرور می‌کنم، خدا را شکر می‌کنم که تحولات مثبتی در این عرصه رخ داده است. رئیس فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی بیان داشت: وقتی جوان بودم و به دانشگاه می‌رفتم، در سال ۴۲ و ۴۳ هنوز تبلیغات مارکسیست‌ها علیه دین در دانشگاه انعکاس داشت و می‌گفتند دین افیون توده‌ها و ملت‌ها است، دین وسیله‌ای برای خام کردن مردم و برای مخالفت جنبش‌ها و نهضت‌های آزادیبخش است! وی ادامه داد: مارکسیست‌ها درباره مجالس روضه و عزاداری تبلیغات منفی می‌کردند و می‌گفتند از این گریه‌ها، نوحه‌ها و سینه زدن‌ها چه نتیجه‌ای عاید می‌شود و سال‌ها پیش در جامعه ما چنین تبلیغاتی بود، اما شاهد بودیم که همین مجالس روضه، هیأت‌ها و حوزه‌های علمیه انقلابی به وجود آورد که در جهان بی نظیر بود و آثارش جهان را متحول کرد.

✦ اتفاق مبارکی که در عرصه مداحی رخ داده است

حداد عادل با اشاره به اینکه آثار روضه‌ها هم در انقلاب و هم در دفاع مقدس مشهود است، بیان داشت: می‌خواهم بگویم که عزاداری‌ها به انقلاب کمک کرد و هم انقلاب به روضه‌ها، این مجالس زمینه‌ای برای پیروزی انقلاب شد و انقلاب هم فضایی را برای رشد و تسریع آن

فراهم آورد. وی با اشاره به جلسات عزاداری که در محضر مقام معظم رهبری برگزار می‌شود، ادامه داد: بنده در این جلسات در یک گوشه جلسه می‌نشستم و این تاریخ شصت هفتاد ساله را مرور می‌کنم و پیش خودم مقایسه می‌کنم که چقدر مداحی و روضه خوانی رشد کرده و این را یک اتفاق مبارکی می‌دانم که در عرصه مداحی رخ داده است که نشان از حقیقت عاشورا و کربلا و ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی است.

نماینده مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه در گذشته نسبت به نهضت حسینی جفا شده است، گفت: بیشتر به جنبه‌های که بوی ذلت و خواری می‌داد در روضه‌ها می‌پرداختند و در اثر تصور غلطی که از کربلا و چهره قهرمانان کربلا در جامعه ترسیم شد و تصویری که از حضرت زینب (س) ایجاد شده بود که جز ستم‌گری و ستم‌دیدی مطلب دیگری نداشت و در خانواده‌هایی که در منزلشان روضه برگزار می‌شد، اسم دخترانشان را زینب نمی‌گذاشتند.

وی افزود: اگر هم اکنون به سازمان ثبت و احوال مراجعه کنید، درصد کمی از بانوان بالای ۵۰ سال اسم زینب دارند، اما در کلاس سوم مدرسه دبیرستان که از پسرهای ۴۰ نفر بودند، پرسیدم چند نفر شما در خانه زینب دارید، ۱۷ نفر دست‌شان را بلند کردند که این

می‌خواهم بگویم مداحان مراقب باشند که این نوع سبک غلبه پیدا نکند و استحکامی و استقامت زبان فارسی تحت زبان محاوره‌ای قرار نگیرد، هر چند که کمی تقسیمی سبک محاوره‌ای ذائقه مخاطب را عوض می‌کند، اما شما مداحان وارثان سنت ۱۴۰۰ ساله مرثیه‌سرایی هستید.

کاشانی‌ها بیشترین جوایز نهمین سوگواره را از آن خود کردند

در خاتمه برنامه برگزیدگان نهمین سوگواره نواها و اشعار آیینی با حضور غلامعلی حداد عادل رئیس فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی مورد تقدیر قرار گرفتند، اسامی برگزیدگان این سوگواره به این شرح است:

بخش دعاخوانی

- رده سنی بالای ۲۰ سال: یوسف زاهدی (تهران) حجت احسان بخش (دزفول) امین جمادی (سوسنگرد)
- رده سنی ۲۰ سال: معین علی مددی (کاشان)
- * بخش مداحی
- گروه الف (۱۲ تا ۱۵ سال) سید سعید حسینی بافقی (بافق) ابوالفضل مناجاتی (کرمانشاه) مهدی حسینی (کرمان)
- گروه ب (۱۶ تا ۲۰ سال) علی عراقی آرانی (آران و بیدگل) نریمان محمد حسینی (تهران) سعید شعبانی (قم)
- گروه ج (۲۱ تا ۲۵ سال) ابوالفضل علی بلندی (کاشان) علیرضا آبیاری کاشی (کاشان) مجید پاینده (لاهیجان)
- گروه د (۱۶ تا ۲۰ سال) حسن محمدیان (تهران) عباد صالحی (آران و بیدگل) سید محمدعلی خورشیدی (مشهد)
- * شعر - بخش ویژه (حضرت قاسم بن الحسن (ع))
- میثم داودی (قم)
- برگزیدگان: فائزه زرافشان
- محمد حسین ملکیان
- علی اصغر شیرینی



معاصر از شعرهای اخلاقی، عرفانی و معنوی شاعران بزرگ زبان فارسی هم استفاده کنند. نماینده مجلس شورای اسلامی گفت: چرا که گاهی مداح با خواندن یک غزل اخلاقی از شاعری مانند صائب در ابتدای مداحی خودشان می‌توانند یک پیامی را بهتر از یک منبر به صورت فشرده به مستمعان خودشان منتقل کنند.

وی مداحان را توصیه به خواندن شعرهای حافظ، مولانا و صائب کرد و ادامه داد: هر چه می‌توانید به راز و رمز سیر تاریخی شعر تسلط بیشتری پیدا کنید، صنایع ادبی را بیاموزید و شعر و ادبیات فارسی را در حد کامل یاد بگیرید.

مداحان نگذارند سبک محاوره‌ای در مداحی غالب شود / مداحان وارثان سنت ۱۴۰۰ ساله مرثیه‌سرایی هستند

حداد عادل با اشاره به اینکه امروزه برخی از مداحان اشعاری به زبان محاوره و شکسته می‌خوانند، ابراز داشت: در گذشته در میان مداحان مرسوم نبود که به زبان محاوره‌ای مداحی کنند، به طور مثال از قول حضرت زینب (س) امام حسین را داشت نمی‌خوانند، بلکه برادر صدا می‌کردند، نمی‌خواهم بگویم این نوع سبک نوحه‌خوانی عیب دارد، ولی

خیلی معنا دارد. این تحول از کجا ایجاد شد؟! پس از انقلاب از حضرت زینب (س) به عنوان یک بانوی قهرمان و همزمان ارائه تصویر حماسی از ایشان ترسیم شد.

لزوم استفاده از اشعار شعری گذشته در مداحی

حداد عادل با تأکید بر اینکه استکبار جهانی با همین روضه‌ها مقهور مانده است، ابراز داشت: مداحان باید با الهام از انقلاب و اندیشه امام و رهنمودهای رهبری این راه را به پیش ببرند و این تحول در عرصه مداحی را روزافزون کنند، در اشعار و برنامه‌های خودشان تلاش کنند تا عاشورا، محرم و عزاداری که از سال ۴۱ با قیام امام راحل آغاز و شکوفا شد، این حرکت آفرینی را با قوت ادامه دهند.

وی با اشاره به اینکه مداحان به راحتی می‌توانند در دل و اذهان مردم ورود پیدا کنند، خاطرنشان کرد: شما مداحان باید سعی کنید سطح تفکر دینی خود را ارتقا دهید و از آنجایی که من ریاست فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی را دارم و علاقه‌ای به شعر فارسی از جمله شعر آیینی دارم، با استفاده از حاصل تجربه خود به مداحان توصیه می‌کنم که علاوه بر شعرهای آیینی شعرهای آیینی شاعران



تشییع سه شهید گمنام در فاطمیه بزرگ تهران

فاطمیه تهران برگزار شد. حجت الاسلام صدیقی با اشاره به مقام والای حضرت زهرا (س) در مورد شخصیت آن حضرت سخنانی ایراد کرد. سپس پیکر مطهر شهدا در ساختمان فاطمیه به خاک سپرده شدند. شهیدان گمنامی که در فاطمیه تهران به خاک سپرده شدند یک شهید ۱۸ ساله از منطقه جزیره مجنون، شهید ۳۳ ساله از عملیات کربلای ۴ در منطقه ام الرصاص و یک شهید ۲۰ ساله از منطقه زبیداد تفحص شده‌اند.

یامحمد (ص) و شعارهای «مرگ بر آمریکا»، «مرگ بر اسرائیل» و «مرگ بر انگلیس» پیکر مطهر شهدا را به سمت محل تدفین مشایعت کردند.

بعد از اتمام مراسم تشییع بر پیکر مطهر شهیدان به امامت حجت الاسلام کاظم صدیقی امام جمعه موقت تهران نماز اقامه شد. سپس مراسم تدفین با مداحی مداحان اهل بیت سعید حدادیان، صادق آهنگران، مرتضی خلیلی و علی مهدوی‌نژاد و سخنرانی حجت الاسلام صدیقی مقابل ساختمان

مراسم تشییع پیکر مطهر سه شهید گمنام دفاع مقدس، امروز، چهارشنبه ۱۳ اسفندماه، همزمان با سالروز شهادت حضرت صدیقه طاهره (س) در خیابان فاطمی تهران برگزار شد. این مراسم با حضور باشکوه عموم مردم شهیدپرور تهران با قرائت زیارت عاشورا توسط حاج صادق آهنگران در مسجد نور آغاز و سپس پیکرهای مطهر بر روی دستان مردم در خیابان فاطمی تا فاطمیه تهران تشییع شد. مردم تهران با ذکر یازها (س)، یا حسین (ع)،

بندر انزلی

بانوان هیأت پیروان عترت (ع) و حوزه علمیه فاطمیه (س) شهرستان بندرانزلی برای احیای سیره حضرت فاطمه زهرا (س) و همچنین آشنایی بیشتر بانوان با قیام فاطمی خطبه خوانی فدکیه را به صورت نمادین اجرا نمودند. در این مراسم علاوه بر اجرای نمادین خطبه فدکیه، سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین زمانی، جهت بصیرت افزایی پیرامون شخصیت حضرت فاطمه زهرا (س) و مدیحه سرایی حاج جمشید بذربخش، به مناسبت ایام فاطمیه انجام شد. این مراسم با پخش برشور، مسابقه (جملات منتخب از خطبه فدکیه)، اهداء جوایز و پذیرایی از مدعوین به پایان رسید. لازم به ذکر است که مخاطب اصلی این برنامه دانشجویان، طلاب، دانش آموزان، فرهنگیان بودند.

میناب

واحد پیروان عترت هیأت رزمندگان اسلام شهرستان میناب اقدام به برگزاری چهل هفته دعای ندبه با حضور خواهران شورا و خادمین افتخاری پیروان عترت نمود که با لطف و عنایت الهی این برنامه با برگزاری ۳۹ هفته دعای ندبه در سطح شهر و روستاها به همراه مباحث بصیرتی به نحو شایسته ای انجام گرفت و چهلمین هفته دعای ندبه با حضور چهل نفر از این خواهران در جوار بارگاه ملکوتی حضرت فاطمه معصومه (س) و مسجد جمکران قم برگزار گردید.

هرسین

مراسم عزاداری شهادت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها با حضور خواهران بعد از ظهر روز سه شنبه ۱۳۹۴/۱۱/۴ در مرقد مطهر امامزاده مهدی (ع) توسط پیروان عترت (ع) و واحد خواهران هیأت رزمندگان اسلام هرسین و با همکاری واحد فرهنگی امامزاده مهدی (ع) با سخنرانی حجت الاسلام فتح الهی در رابطه با چگونگی به شهادت رسیدن خانم فاطمه زهرا (سلام الله علیها) مطالبی را بیان فرمودند و در ادامه با مداحی و روضه خوانی روح الله لطفی حال و هوای خاصی به مجلس بخشیدند برگزار شد.

باقق

همایش سبوی صبر و بصیرت حسینی به همت هیأت رزمندگان اسلام پیروان عترت خواهران شهرستان باقق با همکاری پایگاه مقاومت نبی اکرم (ص) در جوار حضرت ظهیر الدین عبدالله جنب گلزار شهدای این شهرستان برگزار گردید.

در ابتدای مراسم، پس از تلاوت آیاتی چند از کلام الله مجید، حجه الاسلام والمسلمین کارگران رئیس اداره اوقاف شهرستان باقق پیرامون شخصیت والای حضرت زینب سلام الله علیها مطالبی را بیان کرده و افزود: حضرت زینب (س) در وقار شخصیت چون جداهش حضرت خدیجه علیها السلام و در عفاف و عصمت همانند مادرش زهرا علیها السلام بود و بی شک همه کمالات آن حضرت در کل، علاوه بر بیان ابعاد مختلف شخصیت بی نظیر این بانوی بزرگوار، به درجه بالای عرفان و خدانشناسی او دلالت دارد. اگر مرتبه توحیدش قریب به مرتبه توحید حضرات معصومان نبود، هرگز نمی توانست سکاندار طوفان کربلا باشد. وی اظهار داشت: حضرت زینب (س) اسوه صبر و پایداری و دارای شاخصه های رفتاری بارز و برجسته ای بود و از همه مهمتر ایشان عاشق و فدائی ولایت بود. وی اسوه صبر و حلم بود یعنی اینکه میدانست در قبال این صبر و شکیبائی به اهداف خاصی خواهد رسید. وی پیام آور قیام خونین اباعبدالله الحسین (ع) بود.

حجه الاسلام والمسلمین کارگردان با اشاره به روز پرستار و ولادت بانوی مکرم اسلام حضرت زینب کبری (س) خاطر نشان کرد: بی تردید در شرائط سخت کنونی اگر بانوان جوامع اسلامی سیره عملی و اوصاف اخلاقی شیرزن کربلا را الگو و اسوه خود قرار دهند، روز به روز ارزشها و فضائل آنان شکوفاتر خواهد شد و بی شک در صورت تحقق چنین مهمی زمینه سعادت دنیا و آخرت برای مسلمانها مهیا خواهد شد.

سخنران این مراسم جایگاه حضرت زینب (س) را در معرفی قیام عاشورا بسیار ارزشمند دانست و گفت: همواره قیام و نهضت حضرت امام حسین (ع) در راستای مصائب حضرت زینب (س) می باشد و آنقدر سختی های حضرت زینب (س) زیاد می باشد که امام موسی کاظم (ع) خود را روحی فداک زینب (س) می دانستند و خصوصیات حضرت زینب (س) به فرموده ی حضرت امام موسی کاظم (ع) ۱- فدائی ولایت بود ۲- صبرشان توام با علم و حلم بود ۳- در میان قرآن بود و با قرآن، بدان معنا که شخصیتی بود که رفتار و عمل و کردارش قرآنی بود.

در ادامه این مراسم مداح اهل بیت (ع) محمد رضا ناظم به مدیحه سرایی در وصف بی بی دو عالم حضرت زینب سلام الله علیها پرداخت. در پایان مسابقه حضوری پیرامون شخصیت حضرت زینب (س) و قرعه کشی مسابقه فرهنگی وصیتنامه الهی سیاسی حضرت امام خمینی (ره) که در ایام الله دهه فجر برگزار شده بود صورت گرفت و به تعداد ۳۰ نفر هدایائی اهداء گردید.

لنگرود

هیأت رزمندگان اسلام شهرستان لنگرود در روز پنج شنبه مورخ ۹۳/۱۲/۱۴ در مسجد شهداء میزبان وداع با پیکر شهید مدافع حرم فرهاد خوشه بر بود. این مراسم که بعد از اقامه نماز مغرب و عشاء برگزار گردید ابتدا پس از تلاوت قرآن مجید و زیارت عاشورا توسط برادر سید سجاد اشرف زادگان؛ سردار سید محمد باقرزاده فرمانده کمیته جستجوی مفقودین ستاد کل نیروهای مسلح که مهمان جلسه بودند به سخنرانی پرداختند. ایشان بیان داشتند: امروز شاهد مظلومیت مکتب اسلام و صدای حق در جهان هستیم ولی در این بین زنان و مردان مسلمان با فتوای مراجع شیعه و با اقتدا کردن به انقلاب ایران در برابر دشمن مقتدرانه ایستادگی می کنند. وی با بیان اینکه جایگاه شهدای حرم کمتر از شهدای جنگ تحمیلی نیست اظهار کرد: انقلاب ایران در سال ۱۳۴۲ ظهور و در جنگ تحمیلی تثبیت شد و جوانان امروز حمایت کنندگان مکتب اسلام و آرمان های انقلاب هستند. وی ادامه داد: جوانان امروزی نمی توانند بگویند چون که در ایام دفاع مقدس نبودیم و در انقلاب نبودیم الان کاری نداریم، نه خیر. پیشگامانی مثل شهید فرهاد خوشه بر به ما می آموزند که خط اندیشه حق صاری و جاری است و این خط باید تداوم پیدا کند. فرمانده کمیته جستجوی مفقودین ستاد کل نیروهای مسلح افزود: امروز فرهنگ دفاع مقدس مابه عراق منتقل شده است ایشان در ادامه مطرح داشتند: ای خانواده های معظم شهدا و ای کسانی که به زیبایی و با شکوه تمام امتحانات را در دوران دفاع مقدس و بعد از آن پس داده اید سرتان را بالا بگیرید چون که ثمره خون فرزندان در عراق به بار نشسته و امروز دیگر کسی در عراق از صدام یاد نمی کند که بگویند این صدام، این طارق یوحنا عزیز، این طاهایا یاسین رمضان این ها کجاً رفتند اینها به زباله دانی تاریخ پیوستند. وی با بیان اینکه فرهنگ حسینی ضامن امنیت کشور است، گفت: جوانان باید به داعشی ها و تکفیری ها ثابت کنند که هیچ گاه پرچم اسلام و انقلاب بر روی زمین نخواهد ماند. در ادامه مراسم عزادارن به نوحه خوانی و سینه زنی پرداختند

ایوان

در ۱۳ جمادی الاول مقارن با شهادت حضرت زهرا (س) مراسم عزاداری در شهرستان ایوان برگزار گردید. این مراسم که با همت واحد پیروان عترت هیأت رزمندگان اسلام شهرستان ایوان برگزار شد حجت الاسلام والمسلمین صارمی به سخنرانی معرفتی در منزلت حضرت زهرا (س) پرداختند. در این مراسم جمع کسیری از خواهران این شهرستان حضور بعمل آوردند و به عزاداری پرداختند. در پایان مراسم از حضار پذیرایی مختصری به عمل آمد.

مهران

هیأت پیروان عترت واحد خواهران شهرستان مهران استان ایلام به مناسبت ایام فاطمیه به مدت ۳ روز اقامه ی مجلس عزانمود. این مراسم همراه با قرائت زیارت عاشورا، سینه زنی و مداحی و سخنرانی پیرامون زندگی و شخصیت حضرت زهرا (س) برگزار گردید.

تهران

به مناسبت فرارسیدن ایام فاطمیه و شهادت مظلومانه ی بی بی دو عالم حضرت زهرا (س)، به همت پیروان عترت هیأت رزمندگان اسلام تهران مراسم سوگواری بانو در سرداب امام زاده صالح (ع) از ساعت ۸ صبح تا ۱۴ برگزار شد. بعد از تلاوت قرآن و قرائت دسته جمعی دعای فرج، حجت الاسلام والمسلمین گواهی در تحلیل و بررسی مجالس عزاداری حضرت زهرا (س) به ایراد سخنرانی پرداختند. هم خوانی توسط مدعوین با مرثیه سرایی خواهران سرکار خانم ها حصار کی، رجبی، فرامرزی و زیارت در سرداب امامزاده صالح بن علی (ع) از برنامه های این مراسم بود.

شهرستان گرمه

به گزارش روابط عمومی پیروان عترت - واحد خواهران هیأت رزمندگان اسلام شهرستان گرمه مراسمی در ایام فاطمیه اول تحت عنوان همایش فاطمیون در محل نظرگاه علی (ع) شهر

گرمه با سخنرانی دکتر سعید عزیزی استاد دانشگاه تهران برگزار گردید. این مراسم که با همت واحد خواهران هیأت رزمندگان اسلام شهرستان گرمه برگزار گردید جمع زیادی از بانوان این شهرستان حضور داشتند و در سوگ بانوی گرانقدر عالم بشریت حضرت صدیقه کبری (س) نشستند.

آستارا

به مناسبت یوم شهادت بانوی بزرگ اسلام حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) آیین‌های مختلفی در نقاط مختلف شهرستان مرزی بندر آستارا برگزار شد و ارادتمندان آن حضرت و علاقه‌مندان به خاندان عصمت و طهارت در هر گوشه از این شهرستان در حال برگزاری مراسمی برای گرامیداشت حضرت زهرا (سلام الله علیها) بانوی مظلومیت هستند.

گروهی از عزاداران شهادت حضرت فاطمه (سلام الله علیها) نیز با راه اندازی دسته عزاداری خیابانی در قالب دسته سینه‌زنی بار دیگر ارادت خود به ساحت مقدس آن حضرت را نشان دادند.

در مراسم مسجد حضرت فاطمه زهرا (س) حجت الاسلام کاظم حافظ نیا، امام جمعه آستارا در مراسم سالروز شهادت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در مسجد حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) این شهر که با حضور گسترده عاشقان خاندان اهل بیت (علیه السلام) برگزار شد، اظهار کرد: در روز قیامت همه انبیاء و اولیای الهی محتاج شفاعت حضرت محمد (صلی الله و آله و سلم) هستند و بعد از پیامبر اسلام حضرت علی (علیه السلام) و حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از شفاعت کنندگان بزرگ روز قیامت می‌باشند. وی با بیان اینکه عظمت و عزت دنیای اسلام به پاس خدمات و جان فشانی‌های حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) است، تصریح کرد: خداوند در روز قیامت به احترام حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) پیروان و عاشقان آن حضرت را از آتش دوزخ‌رهایی می‌بخشد.

امام جمعه بندر آستارا افزود: به خاطر مهر و محبتی که خداوند در قلب‌های ما نسبت به انبیاء الهی و اهل بیت (علیه السلام) قرار داده باید پروردگار را شکرگزار باشیم و آن را قدر بدانیم.

حجت الاسلام حافظ نیا با اشاره به اسامی مبارک محدثه، بتول و کوثر، تصریح کرد: هر کدام از این اسامی بیانگر شخصیت معنوی و با عظمت بانو حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) است.

این کارشناس علوم دینی و مذهبی با بیان اینکه سوره کوثر در شان و مقام حضرت زهرا (سلام الله علیها) نازل شده است، اظهار کرد: حضرت زهرا (سلام الله علیها) شخصیت بزرگی است که هر کس آن بزرگوار را در زندگی خود الگو قرار دهد در دنیا و آخرت به سعادت می‌رسد.

وی با اشاره به اینکه حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) با دفاع از ولایت درس تبعیت از ولی عادل و آگاه به زمان را

به مسلمانان آموختند، افزود: دفاع از حریم مقدس امامت و ولایت از عمده فعالیت‌های سیاسی آن بانوی بزرگوار بود که شایسته است پیروان آن حضرت به عنوان سرمشق بدان توجه جدی بکنند و با جان و دل تابع ولی فقیه زمانه باشند. امام جمعه بندر آستارا تصریح کرد: در زمان غیبت حضرت صاحب الزمان (عج) مدیریت جامعه اسلامی بر عهده ولی امر مسلمین جهان حضرت آیت الله امام خامنه‌ای می‌باشد که مسئولان و مردم بدون هیچ گونه چون و چرایی باید مطیع دستورات مقام معظم رهبری باشند تا کشور به اوج قله‌های عزت و افتخار برسد و دشمنان در رسیدن به اهداف پلیدشان ناکام بمانند.

حجت الاسلام حافظ نیا با بیان اینکه نسل حضرت محمد (صلی الله و آله و سلم) توسط حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) ادامه یافت، اظهار کرد: امروز در رأس حکومت اسلامی یکی از فرزندان شایسته و صالح حضرت زهرا (سلام الله علیها) کشتی انقلاب و اسلام را با اقتدار به پیش می‌برد و شایسته است ما با جان و دل تابع دستورات این بزرگوار باشیم و در هر زمان و مکانی آماده دفاع از ارزش‌ها و آرمان‌های انقلابی باشیم که حاصل خون شهادت است.

وی به سخنان با صلابت حضرت آیت الله امام خامنه‌ای در جمع زائران و مردم مشهد مقدس در آستان مقدس حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) اشاره کرد و ادامه داد: شعار «دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی» باید در عمل به منصفه ظهور برسد و در حد شعار باقی نماند.

امام جمعه بندر آستارا تصریح کرد: در راستای رساندن کشور به اوج قله‌های عزت و اقتدار باید بین دولت و ملت تعامل و وحدت و همدلی وجود داشته باشد.

حجت الاسلام حافظ نیا با اشاره به اینکه رهبر معظم انقلاب در بیانات شان در جمع زائران و مردم مشهد مقدس در آستان مقدس حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) ملت را به حمایت از دولتمردان سفارش کردند، افزود: دولتمردان نیز باید خادم خوبی برای مردم باشند و شبانه روز در رفع مشکل ملت گام برداشته و از هیچ تلاشی دریغ نکنند.

وی اضافه کرد: ملت نیز از هر سلیقه و فکری از انتقاداتی که به توسعه و ترقی کشور آسیب می‌رساند پرهیز کنند و فقط به انتقاد سازنده بپردازند که به نفع کشور است.

حجت الاسلام حافظ نیا گفت: تا زمانی که ملت و دولت با همدلی و هم‌زبانی پیرو راستین ولایت فقیه باشند، هیچ آسیبی کشور ما را تهدید نخواهد کرد و نقشه‌های دشمنان ناکام می‌ماند.

مراسم با قرائت زیارت نامه دسته جمعی حضرت زهرا (س) و مداحی مادحین اهل بیت به پایان رسید.



عَلِّمْنَا فَرْجَهُمْ
وَلَمَّا كَانَتْ
الْمَجْلَى
وَلَمَّا كَانَتْ
الْمَجْلَى



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دولت و ملت

همدرد

هم‌زبان

سال ۹۴

عزم ملی | سال همکاری های گسترده ی دولت و ملت | مدیریت جهادی